به نام خدا

توسعه تأسیسات و تجهیزات

نشریه سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران

شماره استاندارد بین المللی: ۰۱۵۸-۱۷۳۵

بهار و تابستان ۱۳۹۵/ دوره جدید/ شماره چهل و هفت

- **مدیر مسوول: مهندس مصطفی امیری فر**
- **کمیسیون انتشارات و هیأت تحریریه (به ترتیب الفبای نام خانوادگی): مهندسان: منوچهر اقبالی، مصطفی امیری فر، مرتضی بنی احمد، احمدعلی پیروزفرد، محمدمهدی تابع قانون، مرتضی قضات، حمیدرضا قندهاری، محمودرضا کریمی حصاری، محمدرضا محمدآبادی کمره‌ای، مهدی مسعودی آشتیانی، منوچهر معتمدی کردستانی، سعید منوچهریان، محمود مودت، محمدمهدی نصرالهی**
- **نشانی سندیکا: تهران- سعادت آباد- میدان کاج- خیابان نهم- پلاک ۱۸**
- **تلفن: ۲۲۰۸۳۴۲۰- ۲۲۰۸۳۷۶۵- ۲۲۰۸۳۹۶۱- ۲۲۰۸۳۹۵۹**
نمابر: ۲۲۰۸۴۰۳۰
- **پایگاه اینترنتی: www.ismeic.org • ایمیل: towsaeh@ismeic.org**
- **سردبیر: محمدحسین دانایی**
- **دبیر تحریریه: منیژه فرهنگی**
- **طراحی روی جلد: آریا برزن فروزان**
- **صفحه آرایی: سید امین موسوی زاده- فاطمه بدیعی**
- **عکس: علیرضا میرشریفی**
- **لیتوگرافی: نگارگران**
- **چاپ: تصویر گیلان به نشانی: تهران- خیابان فردوسی جنوبی- بعد از خیابان سرهنگ سخایی- کوچه بانک- نبش کوچه هنرستان- پلاک ۱۵**
- **نظارت فنی: یاز گرافیک**

مطالب لزوماً نظر سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران نیست.

در این شماره می خوانید:

ویژه

- تنها چیزی که باقی مانده، «امید» است/ نقش آینده بخش خصوصی در برنامه های توسعه، با تأکید بر قطع یا کاهش وابستگی مالی پروژه ها به درآمد نفت ۱۱

صنفی

- گزارش مجمع عمومی عادی سال ۱۳۹۵ ..... ۲۴
- فدراسیون صنعت آب ایران ۲۷
- حل اختلاف در پیمان؛ موانع و راهکارها ۳۰
- گزارشی از دیدار نوروزی اعضای سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران ۳۴
- همایش تقدیر از پیشکسوتان صنعت احداث در نظام فنی و اجرایی کشور ۳۷
- بیست و یکمین نمایشگاه صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی ایران ۴۰
- فضای کسب و کار ایران، آماده جهش ۴۴

فنی

- جستجو و تحلیل برای تقلیل گرمازایی همراه با فعالیت های اجتماعی ۴۷
- بهره‌گیری از فناوری GTL / بخش پنجم و پایانی ۵۱

عمومی

- قانون چک ۵۷
- جنگ آب در ایران شروع شده، خبرش منتشر نمی‌شود ۶۰
- مدیریت خوش‌بینانه یا مدیریت بدبینانه؟ ۶۴
- ارزش درستکاری و اعتماد ۶۶
- اَسرار موفقیت / بخش دوم ۶۹
- یارانه نقدی، بلای جان توسعه ایران ۷۲
- گلگشت ۷۴
- جستاری در ادب و زبان فارسی ۷۶
- اخبار ۷۷

ویژه

میزگردویژه:

تنها چیزی که باقی مانده، «امید»است

نقش آینده بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه
با تأکید بر قطع یا کاهش وابستگی مالی پروژه‌ها به درآمد نفت

• منیژه فرهنگی

حدود یک‌سال از اجرایی‌شدن "برجام" گذشته است و انتظارات پرشور اولیه در مورد بازشدن فوری قفل‌ها و رونق گرفتن کسب و کارها، فعلاً در حدّ رفت و آمد هیأت‌های تجاری و موضع‌گیری‌های دیپلماتیک متوقف مانده و بار دیگر این واقعیت به اثبات رسیده است که راه تحقق امیدها و آرزوهای مزبور، دشوارتر و سنگلاخ‌تر از آن است که به سهولت بتوان آن را پیمود. کاهش قیمت نفت نسبت به دوره‌های قبل هم دولت را در شرایط دشواری قرار داده و در نتیجه، اتمام پروژه‌های ناتمام و اجرای پروژه‌های زیربنایی موردنیاز توسعه کشور همچنان در گرو تأمین منابعی است که فعلاً دور از دسترس می‌باشند و تنها هاله مبهمی از آنها را می‌توان در افق دور چشم‌انداز دید و این، به معنای ادامهٔ رکود در طرح‌های عمرانی و ادامه بیکاری و بی‌پولی بنگاه‌های پیمانکاری بخش خصوصی و استمرار مشکلات دیگر است.

از این رو، برای حفاظت از شعله گرمابخش امید که تنها مایه تسلای فعالان بخش خصوصی در شرایط فعلی است، میزگرد این شماره را به بررسی نقش آینده بخش خصوصی در اجرای برنامه‌های توسعه با تأکید بر قطع یا کاهش وابستگی مالی پروژه‌ها به درآمد نفت اختصاص دادیم.

این میزگرد با حضور مهندس بهزاد حضرتی، رییس هیأت مدیره انجمن اپک- دکتر سیداحمد طباطبایی، عضو شورای راهبری توسعه وزات صنعت، معدن و تجارت و عضو هیأت امنای موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی- مهندس احمدعلی پیروزفرد و مهندس افشین شباب، اعضای کمیته نفت و گاز سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران برگزار شد. در ادامه توجه شما را به مهمترین محورهای مباحث این نشست جلب می کنیم.

توسعه‌تأسیسات‌وتجهیزات

مقدمات بحث

آقای محمدحسین دانایی، سردبیر فصلنامه توسعه که اداره این میزگرد را بر عهده داشت، در ابتدا در مورد موضوع بحث گفت: به طور همزمان، شاهد وقوع سه رویداد تاریخی در کشور هستیم که خواهی-نخواهی همه ما، اعم از دولت و بخش خصوصی و افراد و بنگاه‌های اقتصادی یا گروه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی را در آستانه دور تاریخی جدیدی قرار می‌دهند و عقل حکم می کند که در آغاز این مسیر، خودمان را برای شرایط جدید آماده کنیم.

وی در ادامه افزود: اولین رویداد مهم، سرانجام‌یافتن برجام است. این رویداد فضای ذهنی متفاوتی را در جامعه ایجاد کرده و به‌خصوص در میان فعالان اقتصادی بخش خصوصی امیدواری‌هایی را پدید آورده است مبنی بر اینکه دورهٔ پسابرجام می‌تواند موجب تغییر و تحولات مثبتی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور بشود و فضای کسب و کار را بهتر کند و ضمن کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی فعلی- مانند رکود، تورم، بیکاری، رشد اقتصادی صفر درصدی یا منفی- شرایط بهتری را برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد نماید و بخش خصوصی هم بتواند با استفاده از این فرصت‌ها، آسیب‌هایی را که در چند سال گذشته متحمل شده، تا حدودی

جبران کند و نقش مهمتری را در اقتصاد کشور برعهده بگیرد.

سردبیر فصلنامه توسعه، تشدید تلاطمات و نوسانات بازار جهانی نفت را دومین رویداد مهمی خواند که مستقیماً بر درآمدهای ارزی کشور تأثیر دارند و- نفیاً یا اثباتاً- آینده متفاوتی را برای کشور رقم خواهند زد. وی در این زمینه خاطرنشان ساخت که تحولات بازار نفت، آنقدر مهم است که حتی اقتصادهای قویتر مثل اقتصاد فدراسیون روسیه را هم دچار ناپایداری کرده و آنها را به تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌های پیش روی خود وادار کرده است.

آقای دانایی، فراهم شدن مقدمات برای تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه را نیز سومین رویداد مهمی دانست که همزمان با دو رویداد قبلی در حال وقوع می‌باشد و فرصتی را فراهم می آورد برای اینکه بتوانیم با حفظ امیدواری های اصولی، به متغیرهایی که عمدتاً برونزا و خارج از مدیریت و کنترل ما هستند، توجه کنیم و برنامه‌های میان‌مدت کشور را مورد بازنگری و بازسازی قرار دهیم.

وی سپس ضمن ارایه توضیح در مورد دستور کار این نشست گفت: در این میزگرد، پس از مروری بر این سه رویداد، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از شرایط جدید را بررسی می‌کنیم و تا حد ممکن مختصات دنیای جدید را تعیین و تعریف می‌نماییم تا ببینیم که امیدواری‌ها و مثبت‌اندیشی‌های ما در مورد شرایط جدید، تا چه حد منطقی و تا چه حد آرمانگرایانه و خیالی است و سرانجام اینکه بخش خصوصی باید با چه سازوکارها و تمهیداتی به این دور تاریخی جدید نزدیک شود. وی سپس از حاضران خواست که در ابتدا، دیدگاهشان را در مورد نتایج برقراری روابط پس از برجام، به خصوص در سطح شرکت‌های ایرانی در حوزه خدمات فنی و مهندسی بیان کنند و بعد به بخش‌های دیگر بحث بپردازند.

آقای محمد حسین دانایی: رفع تحریم‌ها در شرایط پسابرجام، معجزه‌ای نیست که همه مشکلات ما را یک‌جا حل کند، اما فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند برای خروج تدریجی از شرایط بحرانی و کاهش مشکلات.

مهندس بهزاد محقق حضرتی: شرکت‌های ایرانی باید پیمانکار EPC پروژه‌هایی باشند که در دوره پسابرجام به شرکت‌های IOC واگذار می‌شوند و در مواردی هم که شرکت ایرانی نیازمند کمک مدیریتی شرکت خارجی باشد، نقش رهبری پروژه را شرکت ایرانی باید ایفا کند.

بخش اول
فرصت‌های دوره پسابرجام

مهندس بهزاد محقق حضرتی، رییس هیأت مدیره انجمن اپک، در آغاز این میزگرد ضمن بیان دیدگاهش درخصوص فرصت‌هایی که پس از اجرایی‌شدن برجام برای شرکت‌های بخش خصوصی در صنعت نفت و گاز کشور ایجاد می‌شود، گفت: وزارت نفت قصد انجام کارهایی را در دوره پسابرجام دارد که فرصت مغتنمی را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهد. از حدود دو سال قبل، کارگروهی در وزارت نفت، کار بر روی قراردادهای نفتی را که اصطلاحاً IPC نامیده می‌شوند، شروع کرده است. وی ضمن ارایه توضیح بیشتری در این خصوص گفت: به یاد داریم که پس از واگذاری فاز اول پارس جنوبی به شرکت‌های کره‌ای، کارهای جزیی مانند پایپینگ و آرماتوربندی و جوشکاری به شرکت‌های ایرانی داده می‌شد و بعضاً کره‌ای‌ها می‌گفتند که برای شرکت‌های ایرانی قراردادهای بیش از ۱۰ میلیون دلار را متصور نیستند. در آن زمان، تعدادی از شرکت‌های عضو انجمن‌های مهندسی این قبیل کارها را پذیرفتند و به مرور رشد کردند و نقش آنها در فازهای مختلف پارس جنوبی به تدریج پررنگتر شد تا آنکه در فاز ۱۲، شرکت‌های ایرانی به عنوان جزیی از چوینت‌ونچر شرکت‌های خارجی و یا حتی لیدر ایفای نقش کردند. بنابراین، چون می‌دانستیم که شرکت‌های بین‌المللی نفتی، یا IOCها برای اکتشاف سرمایه‌گذاری می‌کنند و اگر حوزه‌ای را کشف کنند که از نظر میزان ذخایر، اقتصادی باشد، وارد مرحله استخراج و انتقال و فروش می‌شوند و مثل شرکت‌های مهندسی ایرانی، کار مهندسی و اجرایی انجام نمی‌دهند، لذا در گفتگوهایی که با مسوولان وزارت نفت داشتیم، مطرح کردیم که شرکت‌های ایرانی باید پیمانکار EPC پروژه‌هایی باشند که در دوره پسابرجام به شرکت‌های IOC واگذار می‌شوند و در مواردی هم که شرکت ایرانی

نیازمند کمک مدیریتی شرکت خارجی باشد، نقش رهبری پروژه را باید شرکت ایرانی ایفا کند. جالب اینجاست که وزارت نفت پذیرفت که شرکت‌های IOC خارجی هم ملزم به داشتن شریک ایرانی بشوند و به همین منظور مقرر شد که شرکت‌های E&P (Exploition and Production) ایرانی برای انجام کارهای اکتشاف و تولید ایجاد شوند. این بدان معناست که مثلاً اگر شرکت شل بخواهد وارد پروژه‌های وزارت نفت ایران بشود، لزوماً بایستی یک شریک ایرانی در حوزهٔ نفتی داشته باشد، نه در حوزهٔ پیمانکاری EPC. در این صورت، نقش شرکت‌های E&P ایرانی در پروژه‌های صنعت نفت، دیگر در حد Detail و Basic نخواهد بود، بلکه در زمینه مهندسی مخزن، مدیریت و منابع مالی ایفای نقش خواهند کرد.

شرکت‌های بخش خصوصی فرصت را مغتنم بشمارند

مهندس حضرتی سپس با انقلابی‌خواندن این تصمیم وزیر نفت گفت: ایشان بخشنامه‌ای را برای تشکیل کارگروهی به منظور تدوین آیین‌نامه تشخیص صلاحیت شرکت‌های E&P ابلاغ کرده و در آن تذکر داده شده است که شرکت‌های E&P، پیمانکاران EPC نیستند و اگر پیمانکاران EPC قصد ورود به حوزه فعالیت E&P را داشته باشند، باید تعهد کنند که به مرور فعالیت قبلی خود را تعطیل کنند. وی سپس خواستار آن شد که بخش خصوصی این بار فرصت را از دست ندهد و از این تصمیم بهره‌برداری کند و اجازه ندهد که شرکت‌های E&P توسط شرکت‌های دولتی و خصولتی! شکل‌بگیرند.

مهندس حضرتی ضمناً همکاری شرکت‌های ایرانی با شرکت‌های خارجی را مغتنم دانست و گفت: با توجه به اینکه توسعه و بهره‌برداری از یک میدان حدود ۲۵ سال طول می‌کشد و این بدان معناست که شرکت IOC خارجی‌ای که برای توسعه یک میدان نفتی وارد ایران می‌شود، به مدت ۲۵ سال با شریک ایرانی‌اش از آن میدان بهره‌برداری می‌کند تا قراردادش مستهلک شود و این، فرصت خوبی برای بهره‌گیری از دانش و تجارب شرکت‌های خارجی است و از آنجا که فرصت برای حضور در پروژه‌ها، همیشگی نیست، لذا بخش خصوصی باید نهایت تلاش خود را برای ایجاد شرکت‌های E&P بکند و در قراردادهایی که در آینده نه‌چندان دور و با اجرایی‌شدن برجام بسته می‌شوند، نقش‌آفرینی کند.

دکتر سید احمد طباطبایی: اگر پسابرجام در بخش دولتی و به‌ویژه در بخش خصوصی، شکل بگیرد، پیامدهای آن، ما را قطعاً به یکی از قدرت‌های بزرگ منطقه و فراتر از منطقه تبدیل می‌کند، به خصوص در بحث‌های علمی، اقتصاد انرژی و تکنولوژی‌های نرم و سخت چون نانو، سدسازی و... که ظرفیت‌هایی برای گفتن داریم.

پیش‌نیازهای بهره‌گیری از فرصت‌های پسابرجام

دکتر سید احمد طباطبایی، عضو شورای راهبری توسعه وزارت صنعت، معدن و تجارت و عضو هیأت امنای موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی نیز درخصوص پیامدهای اجرای برجام گفت: با پذیرش برجام، وارد مرحله تعامل بین‌المللی و فضای گفتمانی جدیدی با دنیا شده‌ایم و بسیاری از ابعاد این عرصه، حتی برای برنامه‌ریزان کشور ناشناخته است. وی در ادامه افزود: در گذشته، بیشتر بر تهدیدها تمرکز می‌کردیم تا فرصت‌ها. من فکر می‌کنم که در پسابرجام ما وارد فضای جنگ نرم ارتباطی، الگوهای رفتاری، ارایه یک فرایند اعتمادسازی و قدرت‌نمایی جهانی، دموکراسی‌سازی، خصوصی‌سازی و میدان‌دادن به مردم برای حضور در صحنه‌ها می‌شویم که جملگی توجه‌کردن و فرصت‌آفرینی هستند که باید با دقت مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر، اگر پسابرجام در بخش دولتی و به‌ویژه در بخش خصوصی، شکل بگیرد، پیامدهای آن، ما را قطعاً به یکی از قدرت‌های بزرگ منطقه و فراتر از منطقه تبدیل می‌کند، به خصوص در بحث های علمی، اقتصاد انرژی و تکنولوژی‌های نرم و سخت چون نانو، سدسازی و... که ظرفیت هایی برای گفتن داریم.

دکتر طباطبایی سپس رواج خام‌فروشی، واردات‌گرایی، پول و ارزپروری و واسطه‌گری را ازجمله خسارات ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی ذکر کرد که در پسابرجام هم مهمترین چالش دولت و بخش خصوصی خواهند بود. وی در ادامه افزود: در پسابرجام، ما در فضای رقابتی قرار خواهیم گرفت و در چنین

فضایی، همه چیز در قالب استاندارد، با معیارهای معین، مسوولیت‌پذیری بالا و اعتمادسازی بیشتر شکل خواهد گرفت. همانقدر که فضای رقابتی باعث رشد و توسعه می‌شود، آماده‌سازی و ایجاد ظرفیت های آن هم بسیار سخت خواهد بود. لذا بزرگترین چالش ما در دورهٔ پسابرجام، ایجاد فضای رقابتی برای حضور بسیار موثر و پررنگ فعالان و بازیگران بخش خصوصی است.

دکتر طباطبایی همچنین اظهار داشت که در دوره پسابرجام، باید فرهنگ تولید رواج پیدا کند و مبنا قرار گیرد و به این منظور، تغییر برخی قوانین ضروری است، این بدان معناست که در فضای پسابرجام، با قانون کار فعلی نمی‌توان تولید را تحرک بخشید. همچنین لایحه حفاظت از صنایع که به کارآفرینان و صنعت کشور در طول سه دهه گذشته صدمه زیادی زده، باید در این دوره لغو و انحصارزدایی شود. امروز مدیریت مصرف هم در ایران باید با استانداردهای دنیا سازگار و به شدت کنترل شود. وی سپس گفت: ضمن کنترل مصرف و بهینه‌کردن آن در پسابرجام، باید با آمادگی بیشتر وارد رقابت در عرصه تولید شویم، رقابتی که جنگ سخت و بحث هسته‌ای و شعارزدگی‌ها و گشودن عقده‌های ناگشوده و کینه‌ورزی‌های سیاسی در آن جایی ندارد، بلکه باید وارد میدان واقعی شد و سرسختانه و با تاکید بر ظرفیت‌های توسعه و سازندگی، به گسترش همه ظرفیت‌های علمی و صنعتی پرداخت. باید قدرت نرم را از طریق اخلاق، کار و مسوولیت‌پذیری، انسجام و کیفیت بخشی به کارها به رخ دیگران کشید و خوشبختانه این هدف در منطقه خاورمیانه می‌تواند به سادگی و با جدیت تمام تحقق یابد.

بزرگترین چالش ما در دورهٔ پسابرجام، ایجاد فضای رقابتی برای حضور بسیار موثر و پررنگ فعالان و بازیگران بخش خصوصی است.

عضو هیأت امنای موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی در این بخش از اظهاراتش، مدیریت‌محوری و دانایی‌محوری را دو ویژگی دورهٔ پسابرجام دانست و در ادامه با تصریح بر اینکه پیری در مدیریت کلان در تمام عرصه‌های سیاسی، حزبی، اجتماعی و فرهنگی، کاملاً مشهود است، گفت: در پسابرجام زمینه خوبی وجود دارد تا از تعارفات کم کنیم و فرصت‌های بیشتری را در اختیار جوانان قرار دهیم و در بهترین شرایط، پیشکسوتان به هدایت و ارشادگری جریانات بپردازند.

وی همچنین درخصوص پیش‌نیازهای بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از اجرایی‌شدن برجام گفت: در دوره پسابرجام وارد حوزه راهبردهای فراشناخت شده‌ایم، راهبردهایی که با استانداردهای دنیا نمی‌جنگند، بلکه سعی می‌کنند تا اعتبارسازی و ارزش آفرینی و اعتمادسازی کنند و ما باید این واقعیت را در همهٔ عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بپذیریم. ایفاگری نقش توسط ایران – به تعبیر هگل – به درازای تاریخ جهان است. بنابراین، باید بپذیریم که دوره پسابرجام، دوره نبرد نرم و دانایی‌محور و اعمال قدرت نرم با کسانی است که دانش و تجربه بیشتری از ما دارند و برای بهره‌گیری از فرصت‌های این دوره، باید از اقداماتی که ما را آسیب‌پذیرتر می‌کنند، پرهیز کنیم. نمی‌توانیم بگوییم سرمایه و تکنولوژی خارجی و ارتباط با بانک‌های دنیا را می‌خواهیم، ولی با همان رفتارهای قبلی که محدود به عصر قبل از برجام بوده، ادامه حیات بدهیم. مبارزه جدید، آرایش جدید می‌خواهد، سازماندهی قوی‌تر و منسجم‌تر می‌خواهد. دوران پسابرجام از هم‌اکنون آغاز شده و ما باید خودمان را برای نبردی جانانه در زمینی واقعی و در میدانی بزرگتر به وسعت جهان آماده سازیم، باید قواعد بازی را بیاموزیم و در اهداف متعالی خودمان راسخ‌تر از همیشه باشیم و خودمان را آماده ماندن کنیم و شبیخون بلا را از ساحت اجتماعی فراری دهیم و برای ساختن با گفتگو، با ابزار معرفت و حفظ منافع به نرمش قهرمانانه برویم. «دو صد گفته، چون نیم کردار نیست.»

آقای دانایی نیز در راستای تبیین نظریات

مطرح شده در مورد شیوه نوین تعامل در عرصه بین‌المللی، به ذکر مثالی در این باره پرداخت و از قول ماهاتیر محمد، نخست وزیر اسبق مالزی گفت: همه می دانند که آمریکا هیولای بسیار بزرگ و خطرناکی است، اما فرق ما با ایرانی ها در آن است که ما پستان این هیولا را گرفته‌ایم و از آن تغذیه می‌کنیم، ولی ایرانی ها شاخ هیولا را گرفته‌اند و با آن زورآزمایی می کنند!

دغدغه‌های ماندگار پیمانکاران قبل و پس از برجام

در این مرحله از میزگرد مهندس احمدعلی پیروزفرد، یکی از مدیران عضو سندیکا نیز برای بیان دغدغه‌های پیمانکاران صنعت نفت، به نقل از مهندس زنگنه، وزیر نفت در نشست اتاق بازرگانی ایران اظهار داشت: به گفته مهندس زنگنه، مطالبات پیمانکاران و سازندگان تجهیزات صنعت نفت دو نوع است: یکی، مطالبات مستقیم از شرکت نفت و یا شرکت گاز است که رقم آنها چندان بالا نیست و دسته دوم، مطالبات پیمانکاران از پیمانکاران دست اول وزارت نفت است و این وزارتخانه در اکثر موارد، بیش از ۱۰۰ درصد پول قرارداد را به پیمانکاران پروژه‌ها پرداخته است، یعنی اکثر پیمانکاران هیچ طلب مستقیمی از وزارت نفت ندارند. مهندس زنگنه همچنین اشاره کرده است که وزارتخانه متبوع وی فقط ۱/۸ میلیارد دلار به شرکت صدرا پرداخته، ولی این شرکت هیچ کاری را تحویل نداده است.

مهندس پیروزفرد در ادامه خاطرنشان ساخت که وزیر نفت در نشست مذکور از عدم رعایت قیمت، کیفیت و زمان در اجرای پروژه‌های این صنعت توسط برخی از پیمانکاران داخلی گلایه کرد و اظهار داشت: قیمت آن است که پیمانکار دست اول اعلام می‌کند، یعنی می‌گوید فلان رقم طلب دارم و ما هم به او پول می دهیم که به پیمانکاران دست دومش بدهد، اما قیمت و مبلغ قرارداد آنها مشخص نیست. قرارداد یک فاز پارس جنوبی را با خارجی‌ها به مبلغ یک میلیارد دلار امضا کردیم، اما برای اجرای فاز دیگری به شرکت‌های ایرانی تا به حال ۳/۷ میلیارد دلار پول داده‌ایم، ولی هنوز پروژه تمام نشده، یعنی کیفیت لحاظ نشده و زمان اجرای پروژه هم هشت– نُه سال طول کشیده است.

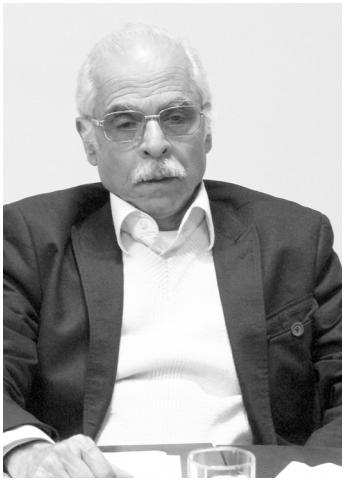

مهندس احمدعلی پیروزفرد: نباید با جوسازی علیه سرمایه‌گذاری خارجی، مانع ورود شرکت‌های خارجی بشویم، چون به نفع کشور و صنف ماست که آنها سرمایه و تکنولوژی خود را بیاورند و پیمانکاران داخلی با قراردادهای عادلانه در اجرای پروژه‌ها با آنها شریک شوند.

مهندس پیروزفرد همچنین گفت: وزیر نفت در بخش دیگری از سخنانش در نشست اتاق ایران گفته است که ما می‌خواهیم ۶۰ میلیارد دلار در صنعت نفت سرمایه‌گذاری کنیم. خوب، این مبلغ را از کجا باید تأمین کنیم؟ برخی می‌گویند از صندوق توسعه ملی بگیریم. مگر صندوق توسعه چقدر منابع دارد؟ و چه مقدار از منابع آن می‌تواند به صنعت نفت، پتروشیمی و غیره اختصاص یابد؟ ما قبلاً به رقم ۶۰ درصد ساخت داخل تجهیزات دست پیدا کردیم و پول سازندگان هم بموقع پرداخت می‌شد، ولی در دولت قبل، با آنکه بیشتر از دوره قبل از آن خرج شد، ولی طلب سازندگان و پیمانکاران پرداخت نشد.

مهندس پیروزفرد سپس قراردادهای IPC را برای بخش خصوصی نامناسب دانست و گفت: این نوع قراردادها نیازمند داشتن سرمایه‌های هنگفت است و در کشور ما، به جز شرکت‌های خصولتی! هیچیک از شرکت‌های بخش خصوصی چنین سرمایه‌ای ندارند. تکنولوژی آن را هم ندارند. به همین دلیل، نباید با جوسازی علیه سرمایه‌گذاری خارجی، مانع ورود شرکت‌های خارجی بشویم، چون به نفع کشور و صنف ماست که آنها سرمایه و تکنولوژی خود را بیاورند و پیمانکاران داخلی با قراردادهای عادلانه در اجرای پروژه‌ها با آنها شریک شوند. در غیر اینصورت، اگر پروژه‌ها را به شرکت‌های خصولتی بدهند، کارها می‌خوابد و کسی هم قدرت بازخواست از آنها را ندارد.

بوروکراسی و فضای پسابرجام

مهندس افشین شباب، عضو کمیته نفت و گاز سندیکا نیز ضمن بیان دیدگاهش در خصوص پیامدهای دوران پسابرجام گفت: اگرچه بخش خصوصی هیچگاه دل خوشی از بوروکراسی دولتی نداشته، ولی نسبت به فضای پس از برجام هم چندان خوشبین نیستیم. رویکرد کنونی وزیر نفت و همکارانشان، حل مشکلات از طریق ورود

سرمایه خارجی است، اما در مورد قراردادهای IPC یکسری مشکلات وجود دارند که آن را غیرعملی می‌کنند. به عنوان مثال، چون در این نوع قراردادها، شرکت‌های IOC دست بالا را دارند، لذا قرارداد را به سود خودشان تغییر خواهند داد. وی در ادامه افزود: علاوه بر این، با توجه به پایین‌بودن قیمت نفت، سرمایه‌گذاری در این بخش برای شرکت‌های خارجی چندان جذابیتی ندارد و اگر قواعد و مقررات محکمی برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد شود، بسیاری از آنها زیر بار نمی‌روند.

مهندس شباب همچنین گفت: در وهلهٔ اول، ما نیازمند سرمایه ایم، در وهلهٔ دوم، نیازمند تکنولوژی شرکت‌های خارجی هستیم و در وهلهٔ سوم، باید به انتقال تکنولوژی از طریق اجرای پروژه توسط شرکت‌های بخش خصوصی داخلی و رشد این شرکت‌ها فکر می‌کنیم، ولی واقعاً این طور نخواهد شد و مورد سوم تحقق پیدا نخواهد کرد، یعنی اگر شرکت خارجی طرف قرارداد، تمام پیمانکاران، مهندسان و حتی کارگران ساده پروژه را از خارج بیاورد، باز هم ما با آنها قرارداد می‌بندیم. به بیان دیگر، شرایط فعلی بازار نفت و کشور، ما را ناگزیر از انجام آن خواهد کرد.

آماده‌سازی شرایط برای استفاده از فرصت‌ها

این عضو کمیته نفت و گاز سندیکا سپس فقدان زیرساخت‌های لازم را یکی از مشکلات بزرگ دوره پسابرجام ذکر کرد و گفت: بانک‌ها برای ازسرگیری فعالیت شبکه سوییفت، ناگزیر از گذراندن دوره آموزشی شدند که در نتیجه این شبکه به زودی در کشور فعال نخواهد شد. شرکت‌های داخلی هم در نتیجهٔ شرایط چند سال گذشته، بیش از یک دهه عقب افتاده‌اند و حال، باید آن عقب‌ماندگی را جبران کنند و بعد وارد رقابت بسیار شدیدی بشوند که به نظر من، خارج از توان بخش خصوصی است. بنابراین، هم بخش دولتی باید شرایط استفاده از دوره پسابرجام را آماده کند و هم بخش خصوصی باید تلاش بیشتری برای بالابردن توانمندی‌هایش بکند تا در زمان شروع رقابت، در شرایط بهتری باشد. این مهم، همسویی تمام توان مدیریتی کشور را می‌طلبد، ولی تحقق آن بعید به نظر می‌رسد.

مهندس افشین شباب: هم بخش دولتی باید شرایط استفاده از دوره پسابرجام را آماده کند و هم بخش خصوصی تلاش بیشتری برای بالابردن توانمندی‌هایش بکند تا در زمان شروع رقابت، در شرایط بهتری باشد.

واقع گرایی در تحلیل شرایط پسابرجام

در این بخش از میزگرد، آقای دانایی ضمن اشاره به اهمیت واقع‌گرایی در تحلیل شرایط پسابرجام گفت: صاحبنظران عموماً معتقدند که نباید با این موضوع ساده‌انگارانه برخورد کرد، بلکه باید یاد بگیریم که قدری عمیق‌تر بشویم. وی افزود: رفع تحریم ها در شرایط پسابرجام، معجزه‌ای نیست که همه مشکلات ما را یکجا حل کند، اما فرصت‌هایی را ایجاد می کند برای خروج تدریجی از شرایط بحرانی و کاهش مشکلات. لذا باید عقلایی‌تر حرکت کنیم، یعنی باید نظام اداری را کارآمدتر کنیم تا برای استفاده از فرصت‌های دوره پسابرجام در شرایط بهتری قرار بگیریم.

سردبیر مجله توسعه سپس به ذکر برخی از فرصت‌های پسابرجام پرداخت و گفت: یکی از این فرصت‌ها، امکان افزایش صادرات غیرنفتی است که منجر به افزایش درآمد ارزی کشور می‌شود، به شرط آنکه از این درآمدها استفاده بهینه بشود و آنها را صرف واردات کالاهای مصرفی یا مثلاً توزیع یارانه‌های نقدی نکنیم. فرصت دیگر، امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی است که حجم آن مطابق برخی از اظهارنظرها، تا ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که به‌طور خاص می‌توان از آن برای توسعه صنعت نفت و گاز، گردشگری و معادن استفاده کرد و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرد. وی در ادامه افزود: یکی دیگر از فرصت‌هایی که می‌تواند ایجاد شود، امکان به پایان رساندن فازهای ناتمام پارس جنوبی و اتمام صدها پروژهٔ نیمه‌تمام دیگر است، پروژه هایی که اجرای آنها به علت کمبود منابع و ماشین‌آلات متوقف شده و گریبانگیر اقتصاد ملی شده اند. ما می‌توانیم با استفاده از منابعی که پس از رفع تحریم ها آزاد می‌شوند و با افزایش درآمدهای ارزی ناشی از افزایش صادرات نفت خام، این پروژه‌ها را به پایان

برسانیم و با بهره‌برداری از آنها، ضمن افزایش صادرات محصولات گازی و پتروشیمی، منابع حاصله را صرف سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و افزایش تولید و رشد اقتصادی کنیم.

آقای دانایی در بخش دیگری از سخنانش میزان منابع بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور را به نقل از رییس کل بانک مرکزی، معادل ۳۰ میلیارد دلار ذکر کرد و افزود: اگر این منابع پس از اجرایی‌شدن برجام آزاد شوند، فرصت بسیار خوبی خواهد بود برای پرداخت بدهی‌های دولت به پیمانکاران و ایجاد زمینهٔ توسعه بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و حرکت به سمت مردمی‌کردن اقتصاد، یعنی کاهش سهم دولت در اقتصاد، چابک‌شدن دولت و محدودشدن آن به قلمروهای کلاسیک که در همه دنیا رایج است، یعنی هدایت، حمایت و نظارت و نه تصدی‌گری مستقیم در امور. سردبیر فصلنامه توسعه همچنین خاطرنشان ساخت که با اجرایی‌شدن برجام، فرصت برای خروج از اقتصاد تک‌پایه و حرکت به سمت متنوع‌کردن پایه‌های اقتصاد و پایدارکردن بنیان‌های اقتصادی کشور و طبیعتاً متنوع‌کردن منابع درآمدی دولت نیز فراهم می‌شود.

آقای دانایی سپس در مورد میزان آمادگی بخش خصوصی و دولت برای بهره‌گیری از فرصت‌های دوره پسابرجام گفت: به طور کلی، استنباط می‌شود که بخش خصوصی تماس نزدیک و شایسته‌ای با مسایل پیش رو ندارد و برای ورود به این فضای تازه آماده نیست، یعنی طبق عادت گذشته، منفعل است و ایده و طرح مستقلی ندارد و منتظر راهگشایی ها و راهنمایی های دولت است. دولت هم که فقط به کلیات می پردازد و به سردادن شعارهای سیاسی و مقطعی اکتفا می‌کند، چون بیشتر به دنبال حل مشکلات فعلی خودش است و نه فضاسازی برای حضور بخش خصوصی در آینده اقتصاد کشور.

وی سپس از صاحبنظران حاضر در میزگرد خواست که در این بخش از میزگرد نظریات خودشان را در مورد روش‌های اعتلای جایگاه بخش خصوصی و حضور محترمانه‌تر و آبرومندانه‌تر در قلمرو اقتصاد بیان کنند.

بخش دوم
راهکارهای اعتلای بخش خصوصی در پسابرجام

مهندس حضرتی در این بخش از مباحث میزگرد ضمن تأکید بر لزوم آشنایی با قواعد جهانی در تعاملات بین‌المللی گفت: در حال حاضر، مشکل دولتمردان و بخش خصوصی ما این است که در ۲۰ سال گذشته با قواعدی بازی کرده‌ایم که در دنیا پذیرفته شده نیست و با بسیاری از قواعد دنیا هم آشنا نیستیم. لذا اولین اقدام لازم برای بهره‌گیری از دوران پساتحریم آن است که بپذیریم نمی‌توانیم در سطح دنیا با قواعد خودمان بازی کنیم، بلکه باید قواعد بین‌المللی را بیاموزیم، باید خودمان را با دنیا انطباق بدهیم و این قواعد را رعایت کنیم.

وی در ادامه گفت: یکی از ابتدایی‌ترین مسایل در این رابطه هم موضوع اعتبارسنجی کشور است، یعنی نرخ بیمه، نرخ بهره، سقف سرمایه‌گذاری و غیره به اعتبارسنجی کشورها برمی‌گردد. من نمی‌دانم که آیا دولت ایران قدمی در این رابطه برداشته است یا خیر؟ در حال حاضر، رتبه اعتباری کشور ما، C است، در حالی که در زمان دولت آقای خاتمی، رتبه ایران B+ و یا BB بود. لذا ابتدایی‌ترین و سریعترین اقدام برای اعتلای بخش خصوصی، افزایش رتبه کشور در اعتبارسنجی سازمان‌های بین‌المللی است، زیرا در بهترین حالت، رتبه شرکت‌های ایرانی نمی‌تواند بالاتر از رتبه کشور در اعتبارسنجی بین‌المللی باشد.

ما نمی‌توانیم در سطح دنیا با قواعد خودمان بازی کنیم، بلکه باید قواعد بین‌المللی را بیاموزیم، باید خودمان را با دنیا انطباق بدهیم و این قواعد را رعایت کنیم.

رییس هیأت مدیره اپک در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه موقعیت کنونی شرکت‌های

پیمانکاری بخش خصوصی به شدت اسفبار است، به طوری که بیم ازبین رفتن بسیاری از شرکت‌های بزرگ و نامدار وجود دارد، گفت: وزارت امور اقتصادی و دارایی، به دلایل نادرست، بعضی از شرکت‌هایی را که جزو افتخارآفرینان کشور در اجرای پروژه‌های زیربنایی هستند، گرفتار بدهی‌های مالیاتی سنگین کرده و بعضی دیگر هم به علت بدهی‌های سنگین به بانک‌ها درحال تعطیل‌شدن هستند. وی در ادامه افزود: زیرپای همهٔ شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی پوست خربزه است، به طوری که چندی پیش، یکی از شرکت‌های بسیار بزرگ به خاطر مقررات غلط بانکی، نتوانست یک ضمانتنامه کوچک بگیرد. مطابق یکی از آمارهایی که از یکی از تشکل‌های مهندسی شنیده‌ام، ۲۰ شرکت دارای رتبه یک در دادگاه درخواست اعلام ورشکستگی کرده‌اند. بنابراین و با توجه به این حقایق فاجعه‌بار، نسبت به نقش‌آفرینی شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی در آینده، بسیار بدبینم و فکر می کنم که در حال حاضر، پیمانکاران بخش خصوصی احتیاج به کمک مالی دولت، معافیت‌های مالیاتی و یا تعویق وصول مطالبات مالیاتی دارند تا بتوانند سرپا بمانند و فکر نمی‌کنم که شرکت‌های بخش خصوصی بتوانند بهره چندانی از گشایش‌های دوره پسابرجام ببرند.

آقای دانایی نیز ضمن تأیید شرایط دشوار شرکت‌های پیمانکاری بخش خصوصی، اظهار داشت که شواهد بسیاری وجود دارند مبنی بر آنکه علیرغم شعارهای نوشته‌شده در سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه در مورد حرکت به سمت خصوصی‌سازی، دقیقاً رویکردها در جهت تضعیف و نابودکردن بخش خصوصی است، آنچنانکه بخش خصوصی در حال حاضر، به جایی رسیده که حتی حفظ وضع موجود برایش ایده‌آل است، چه رسد به آنکه بخواهد قدمی به جلو بردارد.

ضرورت واگذاری امور به جوانان

مهندس حضرتی در بخش دیگری از سخنانش اعتلای جایگاه بخش خصوصی و افزایش کارآیی دولت را در گروی واگذاری امور به جوانان در همه بخش‌ها ذکر کرد و گفت: بایستی واقعیت‌ها را بپذیریم و نقش عمده را به جوان‌ها بدهیم. مسن‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه ما بنگاه‌های پیمانکاری هستند. اعضای هیأت مدیره تشکل‌های پیمانکاری هم همگی بیش از ۶۰ سال سن دارند و حاضر نیستند جای خودشان را به جوان‌ها بدهند، مثلاً صاحبان شرکت‌ها حاضر نیستند یک جوان ۳۵ ساله را به عنوان مدیر پروژه تعیین کنند و کارفرمایان دولتی هم آنها را نمی‌پذیرند. در بخش دولتی هم وضع به همین منوال است، یعنی میانگین سنی مدیران دولتی، بیش از ۶۰ سال است و عموماً افرادی با سابقه کار ۲۵ تا ۳۰ سال و بعضاً بازنشسته هستند، درحالی که بیشتر سیاستمداران و مدیران غربی و اروپایی، جوان هستند. بنابراین، اولین اقدامی که ما باید بکنیم و به نفع مملکت هم هست، بازنشسته‌کردن خودمان و واگذاری کارها به جوان‌هاست که ذهن راحت‌تر و فعال‌تری دارند و بهتر از ما از عهده انجام کار برمی‌آیند. قطعاً در آن صورت وضع بهتر می‌شود.

زیر پای همهٔ شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی پوست خربزه است.

اگر زیرساخت ها درست نشود، هیچ چیز عوض نخواهد شد

مهندس حضرتی در ادامه سخنانش گفت: مطابق تبصره «ج» ماده ۳ قانون بودجه، قرار است طرح‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی واگذار شوند، اما مسأله اینجاست که آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط کسانی نوشته شده که فکر می‌کنند دولت باید از این طرح‌های نیمه‌تمام پول دربیاورد و این آیین‌نامه اصلاً غیرقابل اجراست، درحالی که این طرح‌ها روی دست دولت مانده اند و حتی اگر به طور مجانی به بخش خصوصی واگذار شوند تا آنها را تمام کند و به بهره‌برداری برساند، باز به نفع مملکت است. البته دولت می‌تواند از مالکان خصوصی طرح‌ها تعهد بگیرد که کاربری طرح‌ها را تغییر ندهند.

وی در ادامه افزود: ما احتیاج به یک تحول بسیار بزرگتر از اینها داریم. من معتقدم که در پسابرجام، هیچ معجزه‌ای اتفاق نخواهد افتاد، مگر اینکه زیرساخت‌های استفاده از این شرایط آماده شود. یکی از این زیرساخت‌ها هم رفع مشکلات سیستم بانکی، مانند کهنه‌بودن سیستم‌ها، نرخ بهره،

بنگاهداری بانک‌ها و غیره است. یک کار ارزشمند رییس جمهور قبلی- با وجود آنکه با سیاست‌های ایشان موافق نبودم- آن بود که جلوی ورود بانک‌ها به خرید و فروش املاک را گرفت. بنابراین، ما به سیستم بانکی قوی و همکاری با بانک‌های خارجی و مقدم بر این، به اعتبارسنجی کشور نیاز داریم.

در ادامه این میزگرد، محمدحسین دانایی ضمن بیان دو نقل قول از مسوولان کشور در خصوص بخش خصوصی و پسابرجام گفت: مهندس خوانساری، رییس اتاق بازرگانی تهران می‌گوید: ما می‌خواهیم به رشد اقتصادی هشت درصد برسیم. رسیدن به این هدف هم فقط با کمک بخش خصوصی امکانپذیر است، اما بخش خصوصی ما از عدم مدیریت صحیح، شفاف‌نبودن فعالیت‌های مالی و تجاری و برندسازی رنج می‌برد و وجود این ضعف‌های ساختاری در بخش خصوصی موجب شده است که ما نتوانیم در بازارهای جهانی و حتی بازارهای منطقه‌ای محلی از اعراب باشیم. چند روز بعد هم آقای علیشیری گفتند: ما برای تحقق رشد اقتصادی سالانه هشت درصد در چارچوب برنامه ششم، باید به سمت بخش خصوصی برویم، سالانه ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنیم و مهمتر از آن، باید شاخص بهره‌وری عوامل تولید در داخل کشور را بالا ببریم که در آن صورت، نیاز کشور به سرمایه خارجی به شدت کاهش پیدا می‌کند.

دکتر طباطبایی نیز در این بخش از میزگرد با انتقاد از بی‌توجهی به شایسته‌سالاری در انتصاب‌های دولتی گفت: در کشور ما، اگر کسی بخواهد پیشرفت کند، یا باید «برش» باشد، یا «عارف»! وی سپس در باره عناوین ابداعی خود چنین توضیح داد: برش به این معنی است که انسان باید از پشتیبانی «باند» و «رانت» و «شانس» برخوردار باشد، چون در این صورت است که می‌توان در مقابل شرایط توفانی و بحرانی ایستاد و مقاومت کرد، اما کسانی که از این حمایت‌ها برخوردار نباشند، با تغییر دولت و تغییر سیاست‌ها، آسیب می‌بینند و ناچار سعی می‌کنند که با تملق‌گویی از دولت، امتیازاتی بگیرند. «عارف» هم به معنای «علم»، «اندیشه»، کمی «رأفت» و «فنا» ست، یعنی اگر شما در هر عرصه‌ای، مانند عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بخواهید حرف بزنید، باید کمی به فنا بروید. وی سپس افزود: تا قبل از برجام، این رویه ها متداول و جاری بوده، ولی از برجام به بعد باید وارد عرصه جدید بشویم و این عیب‌ها را برطرف کنیم، زیرا ایرانی‌ها توان آن را دارند که در صحنه رقابت، ژنوم مثبت خودشان را روکنند.

دکتر طباطبایی ضمن مذموم‌دانستن دخالت دولت در تمام زمینه‌ها گفت: البته جسارت بخش خصوصی کم است، چون سیستم دولتی بخش خصوصی را ترسانده است. به همین علت هم بخش خصوصی حرف نمی‌زند، موج‌سازی نمی‌کند، وارد بحث نمی‌شود و حتی از دردهایش هم سخن نمی‌گوید.

مهندس احمدعلی پیروزفرد نیز در مورد راهکارهای خروج از شرایط بحرانی، به صنعت توریسم اشاره کرد و آن را یکی از منابع درآمدی پس از اجرای برجام دانست که دارای پیش‌نیازهای سخت‌افزاری، مانند افزایش تعداد فرودگاها و هتل‌ها و پیش‌نیازهای نرم‌افزاری، مانند تسهیل صدور ویزا و آزادی‌های اجتماعی برای گردشگران است. وی افزود: اما با توجه به قوانین و مقررات و بوروکراسی حاکم بر دستگاه‌های دولتی، به نظر نمی‌رسد که این امر در کوتاه‌مدت عملی بشود و به همین علت هم هیچکس حاضر به سرمایه‌گذاری در این زمینه نیست.

عضو کمیته نفت و گاز سندیکا سپس افزایش صادرات نفت را یکی از فرصت‌های پسابرجام ذکر کرد، به شرط آنکه منابع حاصل از فروش نفت به درستی مدیریت شود. وی در ادامه در مورد استفاده حداکثری از منابع نفتی کشور گفت: لازم نیست که نفت را به صورت خام صادر کنیم، بلکه می‌توانیم

اولین اقدامی که ما باید بکنیم و به نفع مملکت هم هست، بازنشسته کردن خودمان و واگذاری کارها به جوان‌هاست که ذهن راحت‌تر و فعال‌تری دارند و بهتر از ما از عهده انجام کار برمی‌آیند. قطعاً در آن صورت وضع بهتر می‌شود.

آن را به محصولاتی با ارزش افزوده زیاد تبدیل و بعد آنها را صادر کنیم و به این طریق، کار در کشور ایجاد می‌شود. وی در ادامه افزود: می‌گویند اصولاً دولت تاجر خوبی نیست و باید از حوزه تولید و تجارت خارج شود و فعالیت‌های این حوزه را به بخش خصوصی واگذار کند و فقط به سیاستگذاری و نظارت اکتفا نماید.

مهندس پیروزفرد همچنین گفت: تا وقتی که بوروکراسی از بین نرود، آزادسازی اقتصادی و اجتماعی صورت نگیرد و تا وقتی که مطبوعات آزاد نباشند تا گزارش تخلفات مسوولان را منتشر کنند، حتماً فساد ایجاد می‌شود. تمام کشورهایی که از پول نفت و یا سایر منابع درآمدی به خوبی استفاده می‌کنند، دارای مطبوعات آزاد هستند، مطبوعاتی که بر فعالیت مسوولان حکومت نظارت دارند و کوچکترین تخلفات را افشا می‌کنند.

آقای دانایی سپس به منظور هدایت مباحث به سمت راهکارهای ارتقای شرایط بخش خصوصی کشور گفت: با توجه به مطالبی که تا به حال مطرح شده، به نظر می‌رسد که امکانات بالقوه فراوانی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در ایران وجود دارد، اما متأسفانه این امکانات بالفعل نیستند و ما هنوز ظرفیت‌ها یا شایستگی‌های اولیه برای حضور مثبت و فعال و آبرومندانه در شرایط تازه را نداریم. وی در ادامه برای تبیین این شرایط، به قول علی دشتی استناد کرد که گفته است: اوضاع عمومی ایران به‌گونه‌ای است که اگر بخواهید زندگی خودتان را سروسامان بدهید، باید مرتکب خلاف شوید و زندگی مردم را نابود کنید و اگر بخواهید به فکر زندگی مردم باشید، ناگزیر زندگی خودتان تباه می‌شود.

تجمیع سرمایه‌های بخش خصوصی

مهندس شباب هم راهکار اعتلای بخش خصوصی را خواست و اراده دولت برای واگذاری امور به بخش خصوصی ذکر کرد و گفت: اگر بخش خصوصی بخواهد در این دوره جایگاه بالاتری داشته باشد، باید جای عده دیگری را بگیرد و آن عده هم جایشان را به راحتی به بخش خصوصی نخواهند داد. وی در ادامه افزود: یکی از تفاوت‌های بخش دولتی و بخش خصوصی این است که بخش خصوصی باید به طور طبیعی به فکر منافع خود و کسب سود بیشتر باشد، ولی بخش دولتی باید به فکر منافع ملی و برنامه‌های رفاهی نیز باشد. در آن صورت، دولت به جای تسهیل شرایط واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی و اتمام و به بهره‌برداری‌رساندن آنها، به فکر پول‌درآوردن از پروژه‌های نیمه‌تمام نخواهد بود. به نظر من، تنها دو بخش دفاعی و سیاست خارجی باید در اختیار دولت باشند. در بخش دولتی، افراد باید به شدت علاقمند به کارشان باشند و یا اینکه وطن‌پرست باشند، ولی اگر بخش دولتی به دنبال کسب سود برود، آنوقت این اتفاقات می‌افتد.

مهندس شباب سپس عدم اجرای قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و رقابت نابرابر شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی را نشانه‌های عدم تمایل دولت در واگذاری امور به بخش خصوصی دانست و گفت: در لایحه برنامه ششم توسعه، قرار بود ارگان‌های خاصی هم که مالیات نمی‌دهند، مشمول پرداخت مالیات بشوند، ولی این بخش از لایحه در دولت حذف شد و به این ترتیب، آنها همچنان با ارایه قیمت‌های پایین‌تر به علت داشتن هزینه‌های کمتر، به رقابت نابرابر با بخش خصوصی ادامه می‌دهند. این وضع نشان می‌دهد که واقعاً خواست واگذاری امور به بخش خصوصی در دولت وجود ندارد، وگرنه چرا باید چنین اتفاقاتی بیفتد؟ اما امیدواریم که پرداخت مالیات از سوی ارگان‌های مذکور برقرار شود، چون تا زمانی که دولتمردان واقعاً نخواهند، بعید است که بخش خصوصی اعتلا پیدا کند.

این عضو کمیته نفت و گاز سندیکا همچنین پیشنهاد کرد که بخش خصوصی تمام قدرتش را برای انجام دو کار متمرکز کند: اول راهی را پیدا کنیم برای تجمیع سرمایه‌های خصوصی و هدایت آن به سوی افزایش توان رقابت بخش خصوصی با بخش دولتی و دوم بالابردن قدرت چانه‌زنی بخش خصوصی با دولت در تدوین و تصویب مقررات تسهیل‌کننده فعالیت این بخش. وی افزود: البته در دولت جدید، بیشتر از قبل در مورد قوانین و مقررات از بخش خصوصی نظرخواهی می‌شود.

جسارت بخش خصوصی کم است، چون سیستم دولتی بخش خصوصی را ترسانده است. به همین علت هم بخش خصوصی حرف نمی‌زند، موج‌سازی نمی‌کند، وارد بحث نمی‌شود و حتی از دردهایش هم سخن نمی‌گوید.

بخش سوم
نقش بخش خصوصی در تدوین برنامه ششم توسعه

در این بخش از میزگرد، آقای دانایی، سردبیر فصلنامه توسعه، ضمن بحث در مورد اینکه برنامه ششم توسعه تا چه حد به بهره‌گیری از شرایط پسابرجام و اعتلای جایگاه بخش خصوصی کمک می‌کند، به مرور انتقادی پنج برنامه توسعه پیشین و میزان تحقق اهداف آنها پرداخت و گفت: بر اساس اسناد و مدارک مندرج در نشریه روند که از انتشارات بانک مرکزی است، حداقل در سال ۹۴، فقط ۶۵ درصد اعتبارات طرح‌های عمرانی تأمین شده، ولی معلوم نیست که چه مقدار از آن واقعاً تخصیص یافته است. از آن طرف، گفته می‌شود که ۴۵۰ هزار میلیارد تومان برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام لازم است. این ارقام، نشانه شکست برنامه‌های قبلی و حتی نظام برنامه‌ریزی کشور است. وی افزود: حال سوال این است که از نظر علمی و تئوریک، آیا برنامه ریزی برای توسعه کشور و مدیریت این برنامه ها، فقط وظیفه دولت‌ها و در اختیار دولت هاست و مردم در این زمینه فقط پیمانکارند و امربرند؟ یا نه، مردم–اعم از تشکل‌های صنفی، نهادهای مدنی و احزاب نیز می‌توانند در ترسیم سرنوشت آینده مملکت سهم داشته باشند؟ آیا تاکنون این سهم را برای بخش خصوصی قایل شده‌ایم که مثلاً یک مهندس یا پزشک یا تشکل های بخش خصوصی بتوانند درباره آینده حرفه خودشان اظهارنظر بکنند؟ ضررهای ناشی از نادیده‌گرفتن مشارکت بخش خصوصی در تعیین سرنوشت خود چه بوده است؟ آیا در برنامه ششم هم از همین الگو تبعیت شده است؟ و سوال آخر این است که بخش خصوصی چگونه می‌تواند در تدوین برنامه ششم و ریل گذاری برای آینده کشور سهیم شود و به سمت واقعی‌کردن جایگاه خود حرکت کند؟

مهندس حضرتی در این زمینه ضمن بیان دیدگاهش درخصوص سوال مذکور گفت: من معتقدم که در شرایط فعلی، به علت ناروشن‌بودن قیمت نفت و نحوهٔ اجرایی‌شدن برجام و غیره، زمان مناسبی برای تصویب برنامه ششم توسعه نیست. به عنوان مثال، الآن صحبت از نفت بشکه‌ای ۲۵

در پسابرجام زمینه خوبی وجود دارد تا از تعارفات کم کنیم و فرصت‌های بیشتری را در اختیار جوانان قرار دهیم و در بهترین شرایط، پیشکسوتان به هدایت و ارشادگری جریانات بپردازند.

دلار است و ممکن است که فردا قیمت نفت به ۸۰ دلار برسد. به همین دلیل، پیشنهاد می‌کنم که فعلاً بحث تصویب بودجه متوقف شود تا برنامه–ای غیرقابل اجرا در دستور کار قرار نگیرد.

سیر قهقرایی نظام برنامه‌ریزی

دکتر سید احمد طباطبایی در این بخش از اظهاراتش به انتقاد از برنامه‌های پیشین توسعه و همچنین برنامه ششم پرداخت و گفت: به نظر من، در هیچیک از شاخص‌های پنج برنامه توسعه قبلی، بهبود حاصل نشده، بلکه بر خلاف اهداف برنامه‌های توسعه، رشد حجمی دولت، دوبرابر رشد جمعیت شده و هزینه‌های آن هم افزایش پیدا کرده است. ضمناً بهره‌وری عوامل تولید کمتر شده و اهداف ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری محقق نشده است. بنابراین، با وجود پیشرفت در برخی از حوزه‌ها، در زمینه نظام برنامه‌ریزی، سیری قهقرایی را طی کرده‌ایم. وی در ادامه افزود: متنی را به عنوان برنامه می‌نویسیم و برنامه دیگری را اجرا می‌کنیم. گویا اصلاً قرار نیست برنامه‌های توسعه اجرا بشوند!

عضو هیأت امنای موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی سپس دخالت وسیع دولت در همه امور را بر خلاف نظریات رهبر انقلاب دانست و گفت: امام می‌گوید کارهایی را که مردم می‌توانند انجام بدهند، باید توسط مردم انجام شوند و دولت باید کارهایی را انجام بدهد که مردم قادر به انجام آنها نیستند، ولی می‌بینیم که دولت در چیدن علف‌های کنار خیابان هم دخالت می‌کند! و رقیب بزرگ بخش خصوصی شده است. اینها نشان می‌دهند که

تفکرات بنیادین ما در جهت توسعه، یا دچار نوعی توهم و دچار ادراک ناشناخته است، یا اینکه عالمانه و آگاهانه خودمان را به بی‌خیالی زده‌ایم تا فرصت ها را از دست بدهیم، یا آن حس همبستگی و هویت جمعی و اعتماد عمومی ما ضعیف شده و دیگر به اینگونه مسایل فکر نمی کنیم.

دکتر طباطبایی در مورد فرایند تدوین برنامه ششم توسعه نیز گفت: به نظر من، برنامه ششم در بحث نظام اداری قابل نقد جدی است، توسعه منابع انسانی هم مورد توجه جدی قرار نگرفته و من به شدت از نظام اداری و تحولات آن نگرانم. وی افزود: یکی از کارشناسان ارشد آمریکایی، در سمیناری بعد از ظهور انقلاب و در تحلیل انقلاب اسلامی جمله ای گفته است که ما باید نسبت به آن بسیار حساس باشیم. او گفته است: انقلابیون قادر نخواهند بود نظامات بوروکراسی خود را سروسامان دهند و نظام اداری آنها را به شکست می کشاند. من صدای شکسته‌شدن نظام بوروکراسی را در همه ابعاد می‌شنوم و در یک کلام، ما در طول چهار دهه، نظامات را نه‌تنها بهبود نداده‌ایم، بلکه باید صادقانه بگویم، روند بازی بورکراسی قهقهرایی و بلکه از نظر بنده، بسیار شکننده، ضدتوسعه و دچار هرج و مرج بوده است. لذا توصیه دارم که برنامه توسعه محدود شود به دو- سه موضوع که ابعاد جهانی دارند، مانند کارآمدکردن بوروکراسی و توسعه منابع انسانی توانمند، وابستگی کمتر به نفت و اولویت‌دادن به نظریه پویایی کیهانی، به نحوی که همزیستی انسان و محیط زیست و توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. بقیه مسایل را باید رها کنیم تا بخش‌های تخصصی مرتبط برای آنها برنامه‌ریزی کنند و دولت فقط به ارایه شاخص‌های مورد نیاز برای برنامه‌ریزی اکتفا کند.

دکتر طباطبایی سپس با تصریح بر این که در برنامه‌ریزی‌های توسعه باید به تنوع‌ها و تکثرها توجه شود و در اجرای برنامه‌ها، باید به روش‌ها و ابتکارات مدیریتی بها داده شود، گفت: مجلس نباید وارد جزییات نظام برنامه‌ریزی بشود، بلکه می‌تواند سیستم دولتی را از نیمه‌دولتی‌ها، مثل بانک‌ها و صنعت نفت که با تولید سروکار دارند، جدا کند و سه بخش تعیین کند و در هر سه بخش یکسری اصول را مطرح کند و روش اجرای برنامه را به تشخیص کارشناسی این بخش‌ها واگذار نماید. به این ترتیب، برنامه در حد یک ماده می‌شود و حداکثر چند تبصره و قابل سنجش و اندازه‌گیری. آنوقت مجلس هم می‌تواند بر عملکرد دولت در مورد برنامه توسعه نظارت عالی داشته باشد.

وی همچنین خاطرنشان ساخت که شرایط کشور برای بودجه‌ریزی غیرقابل پیش‌بینی است و مدیران دولت هم از ترس و دلهره محکمه و دادگاه دست به ابتکار عمل و خلاقیت نمی‌زنند. مجموعه این عوامل باعث شده اند که تاکنون برعکس اهداف برنامه‌های توسعه اتفاق بیفتد. افراد جسارت خود را از دست داده اند و حرف‌های کارشناسی بیشتر شبیه‌سازی شده، چندلایه و بدون نقش‌آفرینی، در دام شعارزدگی عنوان می‌شود. بگذارید صریحاً بگویم که فضای کشور باید از حرف و گفتمان‌سازی ظاهری فاصله بگیرد. اجازه بدهید صادقانه بگویم که من بارها سخنانی تکراری و شعاری را شنیده ام، مثلاً نام بردن از مقامات کشور را بارها در یک مصاحبه دو دقیقه‌ای شنیده ام، آنقدر که نفاق و دورویی و نامعقولی در آن موج می زند. سخن گفتن کارشناسان و مدیران و برنامه ریزان، باید مملو از حرمت و آزادگی و جوانمردی و اخلاق باشد. درست کرداری و راست‌اندیشی باید در آن موج بزند. قهرمانان واقعی باید به فرمان مولایمان حضرت علی(ع) بدون لکنت سخن بگویند. همه ما باید بیاموزیم که در برابر مردم، مسوولان و به خصوص در برابر خودمان، بازیگر صادقی باشیم. قطعاً بیش از همه، رهبران و مدیران کشورمان از این فضا شاد خواهند شد و بهره خواهند برد.

در این بخش از مباحث میزگرد، مهندس شباب

هم به نقد نظام برنامه‌ریزی پرداخت و گفت: به هرحال، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغ می‌شود و دولت هم مجبور است در چارچوب آن سیاست‌ها، برنامه‌ریزی کند. این هم صحیح است که برنامه‌های توسعه هیچگاه عملیاتی نمی‌شوند، چون برپایه واقعیات نیستند و بیشتر جنبه شعاری دارند. شعاردادن کار ساده‌ای است، اما اصل ماجرا این است که از چه راهی و با استفاده از چه روش‌هایی می‌توان شعارها را عملی کرد. در عمل پس از به تحقق نرسیدن اهداف هیچکس به فکر آسیب شناسی آن نیست. همه دنیا به دنبال رسیدن به اهدافشان و افزایش رفاه عمومی، قدرت کشور و پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و غیره هستند، ولی همه آنها موفق نمی‌شوند، بلکه کشورهایی که روش‌های درست را انتخاب می‌کنند، به هدفشان می‌رسند. بنابراین، هرقدر که شعار بدهید و برنامه‌ریزی کنید، اگر برنامه‌ها را اجرا نکنید، موفق نمی‌شوید.

مهندس شباب همچنین گفت: در اوایل انقلاب در مجلس اول یا دولت موقت، بحث مفصلی در مورد کاهش سهم بودجه از درآمد حاصل از نفت وجود داشت، ولی در آن زمان، کسانی که برای تحقق این هدف در ۲۰ سال بعد برنامه دادند، مورد نکوهش واقع شدند، درحالیکه همچنان می‌بینیم که پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از آن زمان، هنوز مشکل وابستگی بودجه به نفت حل نشده و چه بسا وضع بدتر هم شده است.

ابتدایی‌ترین و سریع‌ترین اقدام برای اعتلای جایگاه بخش خصوصی، افزایش رتبه کشور در اعتبارسنجی سازمان‌های بین‌المللی است.

جمع‌بندی مذاکرات

در پایان این نشست، نکات برجسته مباحث و دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط آقای دانایی به شرح زیر جمع‌بندی شد:

در بحث‌های این میزگرد، شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره پساتحریم به طور نسبی مورد بررسی قرار گرفت و پیامدها یا فرصت‌هایی را که در شرایط جدید برای بخش خصوصی ایجاد می‌شوند، تشریح کردیم. علاوه بر این، توانایی‌ها و ضعف‌های موجود در ساختار نهاد دولت و نهاد بخش خصوصی را بررسی کردیم و مشخص نمودیم که چگونه می‌توان نقاط ضعف را- چه در بخش دولتی و چه در بخش غیردولتی- کاهش داد. سپس موانع سر راه بخش خصوصی برای به‌دست‌آوردن سهم بیشتر در عرصه عمومی را مشخص کردیم و به طور خاص عوامل بیرونی این بخش، یعنی عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی و عوامل سیاسی را که متغیرهای خارج از اختیار فعالان بخش خصوصی هستند، برشمردیم و در این رابطه، تقریباً به این اجماع رسیدیم که برای بخش خصوصی امکان تغییر و اصلاح این متغیرها وجود ندارد و برای حل این مشکلات ناگزیر باید در سطوح بالاتر از بخش خصوصی چاره‌اندیشی بشود. دیدگاه‌ها و عملکردهای لازم برای نظام برنامه‌ریزی را هم مورد نقد قرار دادیم و در پایان بحث‌ها به این نتیجه رسیدیم که باید چند توصیه اصولی و راهبردی و استراتژیک درمدنظر قرار بگیرد که عبارتند از:

۱) کوچک‌سازی و چالاک‌سازی دولت، با تأکید بر جذب نخبگانی که جوان، عالم و ریسک‌پذیر باشند برای تقویت بدنه دولت.

۲) ثبات سیاست‌ها، اعم از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به منظور شفاف‌شدن زمینه برای حضور کارآفرینان بخش خصوصی.

۳) برقراری انضباط مالی برای جلوگیری از فساد مالی، اداری و اقتصادی.

۴) احترام به حق مالکیت، ازجمله حق مالکیت فکری و معنوی.

۵) ایجاد امنیت، اعم از امنیت قضایی و امنیت سیاسی، برای جذب سرمایه و رونق سرمایه‌گذاری.

۶) نهادسازی علمی و ایجاد نهادهای قانونی برای حمایت از بخش خصوصی.

صنفی

مجمع عمومی عادی سال ۱۳۹۵

انجمن صنفی (سندیکای) شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران

مجمع‌عمومی عادی سال ۱۳۹۵ انجمن صنفی (سندیکای) شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران، در نهم خرداد سال جاری در شرایط رکود فعالیت‌های صنعت احداث کشور برگزار شد، شرایطی که طبق شواهد موجود، در سال ۹۵ هم ادامه خواهد داشت.

این اجلاس، با حضور نماینده اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سالن اجتماعات سندیکا برگزار شد و مطابق ماده ۱۰-۱۰ اساسنامه، پس از حضور بیش از دوسوم اعضای سندیکا، رسمیت جلسه توسط مهندس منوچهر اقبالی، دبیر انجمن، اعلام شد و پس از آن، هیأت‌رییسه به شرح زیر توسط حضار انتخاب شدند:

۱- رییس جلسه، مهندس محمد احمدی.

۲- نایب‌رییس جلسه، مهندس سیدمصطفی ذوالفقاری.

۳- ناظران جلسه: مهندس سیدیحیی مرتضوی و مهندس احسان درخشان.

۴- منشی جلسه، دکتر احسان طاهری.

متعاقب استقرار هیأت‌رییسه در جایگاه خود، از چند تن از اعضای کمیته‌های تخصصی به پاس تلاش و فعالیتشان در طول سال گذشته با اهدای لوح، تقدیر بعمل آمد.

گزارش هیأت مدیره

در اجرای اولین بند دستور کار مجمع عمومی سال ۱۳۹۵، گزارش هیأت‌مدیره توسط مهندس منوچهر اقبالی، دبیر انجمن (سندیکا) ارایه شد. وی در ابتدا اظهار داشت که هیأت مدیره و بازرسان سندیکا با تشکیل ۴۵ جلسه رسمی در سال ۹۴، با تجزیه و تحلیل و انجام کارشناسی‌های لازم به منظور اجرای خط مشی مصوب مجمع عمومی سال گذشته، به مسایل اساسی صنفی و نیازهای مبرم شرکت‌های عضو و فعالان حرفه پیمانکاری همت ورزیده و در این جهت در حد بضاعت تلاش نموده است.

مهندس اقبالی در بخش دیگری از گزارش خود، ضمن اظهار امیدواری نسبت به همفکری، همکاری و تعامل ارزشمند و ضروری اعضا با هیأت مدیره برای برون رفت از وضع دشوار و نامطلوب کنونی، تصریح کرد که با تلاش و همت رییس جمهور و دولت یازدهم، در زمینهٔ اخذ مطالبات پیمانکاران از دولت، توسعه امور پیمانکاری پروژه‌های عمرانی و ملی، توسعه صادرات و واردات، گشایش L.Cهای صادراتی و وارداتی، سرمایه‌گذاری و در نتیجه، بهبود روابط اقتصادی با سایر کشورها و نهایتاً سازش و آشتی بانک‌ها با پیمانکاران به منظور راه‌اندازی پروژه‌ها، گام‌های موثری درحال برداشته‌شدن است. وی همچنین خاطرنشان ساخت که در نتیجهٔ تعاملات سازنده با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که انتشار ضرایب منطقه‌ای جدید توسط سازمان مزبور نمونهٔ بارزی از آن است و متعاقب رایزنی‌های انجام‌شده، تسهیل و تسریع در نحوه انجام رتبه‌بندی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها در برنامه کاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفته است.

دبیر انجمن در ادامه گزارش خود، مشکلات مربوط به فاینانس پروژه‌ها در کشور را موجب عدم امکان راه‌اندازی طرح‌های عمرانی و ادامه رکود فعالیت‌های پیمانکاری بخش خصوصی کشور دانست و از اعضای سندیکا خواست تا پیشنهادها و تجربیات خود را برای رفع این مشکل ارایه کنند.

مهندس اقبالی همچنین بر ضرورت برگزاری مستمر جلسات کمیته‌های تخصصی و عمومی سندیکا و بهره‌گیری از تجارب مدیران پیشکسوت و توانمندی مدیران جوان برای ارایه راه‌حل معضلات فراروی صنف تأکید کرد. وی از آغاز فعالیت رسمی و مجدد شاخه مدیران جوان در سندیکا نیز خبر داد و اظهار امیدواری کرد که از حضور مستمر این جوانان در جلسات کمیته‌های سندیکا و نظریات آنها در پیشبرد اهداف سندیکا بهره‌گیری شود.

دبیر سندیکا در ادامه از راه‌اندازی کانال تلگرام سندیکا خبر داد و از مدیران عامل شرکت‌های عضو درخواست کرد که برای آگاهی از آخرین اخبار، اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به صنف، با اعلام شماره موبایل خود به سندیکا، به عضویت این گروه درآیند.

> **دبیر انجمن، مشکلات مربوط به فاینانس پروژه ها را موجب عدم امکان راه‌اندازی طرح های عمرانی و ادامه رکود فعالیت‌های پیمانکاری بخش خصوصی کشور دانست و از اعضای سندیکا خواست تا پیشنهادها و تجربیات خود را برای رفع این مشکل ارایه کنند.**

اهم فعالیت‌های هیأت مدیره

امسال نیز مانند چند سال اخیر، گزارش مهمترین فعالیت‌های هیأت مدیره سندیکا در سال ۱۳۹۴ به صورت کتبی در اختیار حاضران قرار گرفت. مطابق این گزارش، مهمترین اقدامات انجام‌یافته عبارت بودند از:

۱) تشکیل فدراسیون آب و عضویت مهندس سعید منوچهریان، عضو هیأت مدیره و مهندس حاجی‌کریم، از مدیران سندیکا، در هیأت مدیره فدراسیون مذکور.

۲) تشکیل فدراسیون صنعت نفت و عضویت مهندس محمدمهدی نصرالهی (خزانه‌دار سندیکا) در هیأت مدیرهٔ این فدراسیون.

۳) احیای مجدد شاخه مدیران جوان و اتخاذ تصمیم برای حضور نمایندگان آن برای همکاری با نمایندگان سندیکا در سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط، حضور در جلسات کمیسیون انتشارات و هیأت مدیره سندیکا به منظور ارایه راهکارها و پیشنهادها و

مشارکت‌دادن اعضای شاخه مدیران جوان در ادارهٔ امور سندیکا.

۴) انتخاب‌شدن مهندس محمدمهدی نصرالهی به عنوان رییس هیأت مدیره و مهندس مرتضی زمانی به عنوان عضو هیأت مدیره موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و مشارکت موثر در برگزاری پنجمین کنفرانس صنعت احداث و انرژی، راه اندازی سایت جدید مؤسسه در دو بخش فارسی و انگلیسی و امضای تفاهم‌نامه ارزیابی و احراز صلاحیت تأمین‌کنندگان تجهیزات و محصولات مرتبط با سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی.

۵) شرکت در جلسات کمیسیون ماده ۷۶ برای بررسی قانون مالیات بر ارزش افزوده که منجر به ارسال پیشنهادات به مجلس جهت اصلاحات گردید.

۶) پیگیری موضوع بیمه‌نامه پیمان‌ها به نفع پیمانکاران که منجر به ابلاغ بخشنامه ۱۴/۹ شد.

۷) پیگیری موضوع حذف مفاصاحساب تأمین اجتماعی از لیست مدارک که تنها به تسهیل فرایند آن انجامید.

۸) پیگیری موضوع اخذ یا تمدید کارت بازرگانی اتاق ایران.

۹) معرفی نماینده سندیکا در شورای هماهنگی

> **مدیران عامل شرکت‌های عضو می‌توانند برای آگاهی از آخرین اخبار، اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به صنف، با اعلام شماره موبایل خود به سندیکا، به عضویت کانال تلگرام درآیند.**

تشکل‌ها و حضور نمایندگان سندیکا در جلسات نهاد تعامل و ارایه راهکارهای مناسب برای حل معضلات پیمانکاران همچون مطالبات معوق، صدور L.C ریالی و...

۱۰) مشارکت در امر پیگیری برای تصویب طرح بازنشستگی کارگران مشاغل سخت که سرانجام از طریق کانون عالی کارفرمایان تصویب و ابلاغ گردید.

۱۱) حضور اعضای کمیته‌های سندیکا (هر ماه یکی از کمیته‌ها) در جلسات هیأت مدیره و طرح مسایل و دغدغه‌های آنان در این جلسات.

۱۲) معرفی پیمانکاران EPC بیمارستانی به شرکت کره‌ای CAELM جهت انجام پروژه‌های مزبور با مشارکت شرکت‌های خارجی.

۱۳) انتخاب مهندس احمدی (رییس هیأت مدیره سندیکا) به‌عنوان نماینده سندیکا در کمیته‌های حل اختلاف وزارت نفت.

۱۴) رسیدگی به مشکلات و اختلافات اعضا و حل و فصل آنها و تصویب عضویت هفت شرکت جدید در سندیکا.

در بخش دیگری از گزارش اهم فعالیت‌های هیأت مدیره در سال ۱۳۹۴ به اقدامات جاری اشاره شده بود، اقداماتی مانند:

۱) پیگیری عضویت سندیکا در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و انجام اقدامات لازم برای اخذ کارت عضویت اعضای هیأت مدیره در اتاق ایران و تأکید بر لزوم عضویت شرکت‌های عضو سندیکا در اتاق ایران.

۲) پیگیری موضوع کاهش ضرایب ۷ و ۱۵ شورایعالی تأمین اجتماعی از طریق اصلاح قانون مربوطه.

۳) پیگیری موضوع مشارکت در تشکیل فدراسیون صنعت پس از رسمیت یافتن عضویت سندیکا در اتاق ایران.

۴) پیگیری موضوع تشکیل مجمع پیشکسوتان سندیکا و تدارک برگزاری گردهمایی‌های فصلی با حضور شرکت‌های عضو کمیته‌های تخصصی و عمومی سندیکا.

در ادامه این گزارش، به معرفی کمیته‌های سندیکا و ارایه گزارش اهم فعالیت آنها در سال ۹۴ پرداخته شد.

گزارش خزانه‌دار

در ادامه این نشست، مهندس محمدمهدی نصرالهی، خزانه‌دار انجمن (سندیکا) گزارش عملکرد بودجه سال ۹۴ را ارایه کرد و حاضران به بحث و تبادل نظر در مورد آن پرداختند.

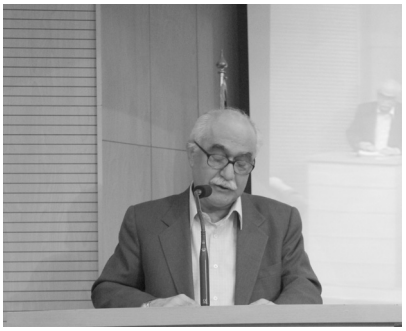

گزارش بازرسان

گزارش فعالیت بازرسان انجمن در سال ۱۳۹۴ نیز توسط مهندس منصور پیروی به جلسه مجمع عمومی سال ۹۵ ارایه شد. وی در ابتدای این گزارش، خاطرنشان ساخت که هیات بازرسان در تمامی جلسات هیات مدیره در سال ۱۳۹۴ و نیز در بسیاری از جلسات خارج از سندیکا به عنوان نماینده سندیکا حضور داشته و ضمن همفکری با هیات مدیره، بر نحوه عملکرد آن در حیطه وظایف اساسنامه‌ای و با دسترسی به اسناد و مدارک مورد نیاز تا حد امکان، نظارت داشته است.

مهندس پیروی همچنین از تعیین قدرالسهم سندیکا و شرکت همپا از ساختمان سعادت‌آباد و انجام نقل و انتقالات نهایی میان طرفین خبر داد. مهندس پیروی در ادامه گزارش خود با ابراز تأسف از عدم ایفای تعهدات مالی برخی از اعضا عمدتاً به علت مشکلات مالی و بعضاً به علت بی‌توجهی، از برگزاری منظم جلسات شاخه مدیران جوان و تلاش اعضای آن برای مشارکت در فعالیت‌ها و کمک به پیشبرد اهداف سندیکا قدردانی کرد.

تشکیل فدراسیون صنعت آب و فدراسیون صنعت نفت و عضویت نمایندگانی از سندیکا در این فدراسیون‌ها، از جمله اقدامات هیأت مدیره در سال گذشته می باشد.

در گزارش هیات بازرسان همچنین اظهار امیدواری شد که با عضویت سندیکا در اتاق بازرگانی و فدراسیون‌های آب، نفت، برق و کنفدراسیون صنعت، توان بالقوه بخش خصوصی بالفعل شود و رونق اقتصادی را در پی داشته باشد.

مصوبات

پس از ارایه گزارش‌های مزبور و بحث و بررسی در باره آنها، موارد زیر به‌اتفاق آرا به تصویب مجمع‌عمومی رسید:

۱) ترازنامه و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ انجمن (سندیکا).

۲) میزان ورودیه و حق‌عضویت ثابت اعضا در سال ۱۳۹۵.

۳) تفویض اختیار به هیأت مدیره برای تعیین تکلیف شرکت‌های تعلیقی، در صورت عدم اقدام لازم از سوی آنها.

۴) تعیین روزنامه اطلاعات به‌منظور درج آگهی‌های انجمن.

انتخاب هیأت بازرسان

در پایان جلسه مجمع‌عمومی عادی انجمن صنفی (سندیکای) شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۹۵، داوطلبان عضویت در هیأت بازرسان خود را معرفی کردند و سپس آرای حاضران در ظرفی بلورین و شفاف جمع‌آوری شد. نتایج آرا حاکی از انتخاب آقایان مهندسان: منصور پیروی، علی دوستدار و محمد صاحب‌الزمانی به عنوان بازرسان اصلی و احمد سپهرآرا به عنوان بازرس علی‌البدل بود.

فدراسیون صنعت آب ایران

در شماره قبل، گزارش کوتاهی از جریان تأسیس فدراسیون صنعت آب ایران و برگزاری اجلاس اولین مجمع عمومی آن به چاپ رسید. در مجمع عمومی مزبور مهندس سعید منوچهریان، عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران و نماینده این تشکل در هیأت موسس فدراسیون صنعت آب ایران، به عنوان یکی از اعضای اصلی هیأت مدیره این تشکل انتخاب شد. لذا در این شماره به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان مجله با این تشکل نوپا، گفتگویی داریم با مهندس منوچهریان، دربارهٔ مراحل تأسیس، ساختار تشکیلاتی، اهداف و ارکان و مسایل و مشکلات فراراه فدراسیون صنعت آب ایران. در ادامه چکیده این گفتگو را می‌خوانید.

توسعه تأسیسات و تجهیزات

در باب ضرورت تأسیس فدراسیون صنعت آب ایران

مهندس منوچهریان درمورد ضرورت تأسیس فدراسیون صنعت آب ایران و چگونگی انجام این امرگفت: از حدود سه سال پیش، ذهنیت ایجاد سندیکای صنعت آب ایران به عنوان تشکلی فراگیر و متولی صنعت آب کشور، در میان چهار تشکل باسابقهٔ صنعت احداث، یعنی انجمن شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران، انجمن شرکت‌های ساختمانی، جامعه مهندسان مشاور و انجمن آب و فاضلاب ایران شکل گرفت. البته از همان ابتدا، مخالفت‌هایی با تشکیل این سندیکا وجود داشت، با این استدلال که فعالیت سندیکاها و انجمن‌های فوق‌الذکر در حوزه صنعت آب وجود دارد و لذا نباید یک تشکل موازی با آن در صنعت آب ایجاد شود، چون این کار باعث تضعیف و پراکندگی نیروهای بخش خصوصی می‌شود. این موضوع سپس در جلسات متعدد و طولانی به بحث گذاشته شد و بالاخره پس از رایزنی‌هایی با اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ایدهٔ تأسیس سندیکای صنعت آب به فدراسیون صنعت آب ایران تغییر پیدا کرد و سرانجام، در اجرای بند «ک» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و ماده ۵ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و با موافقت و نظارت اتاق بازرگانی ایران، فدراسیون صنعت آب ایران مرکب از تشکل‌های صنعت آب

با تشکیل فدراسیون صنعت آب ایران، امکان تجمیع نیروهای کارشناسی، تخصصی، فکری و مادی فعالان صنعت آب در بخش خصوصی فراهم شده است.

کشور تأسیس شد و در ۱۷ آذرماه سال ۹۴، به دنبال فراخوان اتاق بازرگانی ایران، اولین مجمع عمومی این فدراسیون با حضور نمایندگان انجمن‌ها و سندیکاهای مرتبط با صنعت آب کشور برگزار شد. در این نشست، اساسنامه فدراسیون صنعت آب به تصویب رسید و اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و بازرسان آن نیز انتخاب شدند و به این ترتیب، فدراسیون صنعت آب ایران رسماً فعالیتش

را آغاز کرد. ضمناً این فدراسیون تحت شماره ۴۷۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ به ثبت رسیده است.

مزیت‌های فدراسیون صنعت آب نسبت به سندیکای صنعت آب

مهندس منوچهریان در این باره گفت: اصولاً ساختار فدراسیونی، فراگیرتر از ساختار سندیکایی است، یعنی سندیکا فقط فعالان یک صنف را دربرمی‌گیرد و وظیفه اساسی آن هم دفاع از منافع صنفی همان اعضاست، اما فدراسیون مفهومی فراگیرتر دارد و مجموعه تشکل‌های یک صنعت می‌توانند در آن عضویت داشته باشند، چنانکه فدراسیون صنعت آب ایران، متشکل از چهار دسته تشکل‌های پیمانکاران، مهندسان مشاور، سازندگان و تولیدکنندگان تجهیزات و انجمن های علمی تخصصی مرتبط با صنعت آب و فاضلاب است و بالغ بر ۳۰ رشته فعالیت در این حوزه را دربرمی‌گیرد. به این ترتیب، با تشکیل فدراسیون صنعت آب ایران، امکان تجمیع نیروهای کارشناسی، تخصصی، فکری و مادی فعالان صنعت آب در بخش خصوصی فراهم شده و آنها در موقعیتی به‌مراتب بهتر برای چانه‌زنی با دولت بر سر جایگاه بخش خصوصی و حضور برای ساماندهی صنعت آب کشور قرار گرفته‌اند.

وی همچنین خاطرنشان ساخت که فدراسیون

مهندس منوچهریان: به علت حاکمیت ساختار دولتی در همه حوزه‌ها، هنوز راه درازی برای احقاق حقوق بخش خصوصی درپیش داریم.

صنعت آب ایران، چهارمین فدراسیون به‌ثبت‌رسیده در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است.

ارکان و اعضای فدراسیون صنعت آب ایران

مهندس منوچهریان ضمن توضیحی درمورد اعضای فدراسیون صنعت آب ایران گفت: این فدراسیون دو نوع عضو دارد: عضو اصلی و عضو افتخاری. اعضای اصلی این فدراسیون، کلیه تشکل‌های صنفی، حرفه‌ای، صنعتی و علمی مرتبط با صنعت آب هستند که به صورت رسمی و با کسب مجوز از اتاق بازرگانی ایران فعالیت می کنند و با تصویب هیأت مدیره فدراسیون به عضویت پذیرفته می‌شوند. اما عضویت افتخاری، با تصویب هیأت مدیره، به اشخاص حقیقی و حقوقی‌ای اعطا می‌شود که منشأ خدمات برجسته‌ای به صنعت آب هستند.

وی در مورد ارکان فدراسیون صنعت آب نیز گفت: ارکان فدراسیون شامل مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرسان است. میزان حق رأی تشکل‌های عضو فدراسیون نیز از مدل وزنی مندرج در فصل ۵ اساسنامه تبعیت می کند و هر تشکل به نسبت وزن اعضایش صاحب کرسی در مجمع عمومی می‌شود.

به گفته مهندس منوچهریان، تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره فدراسیون ۱۵ نفر است که تعداد شش کرسی به پیمانکاران، پنج کرسی به مهندسان مشاور، سه کرسی به سازندگان و تولیدکنندگان تجهیزات و یک کرسی هم به انجمن علمی تخصصی اختصاص داده شده است.

چشم‌انداز و مأموریت‌ها

مهندس منوچهریان درمورد چشم‌انداز و مأموریت‌های فدراسیون صنعت آب ایران گفت: این فدراسیون صدای صنعت آب در حوزه سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و قانونگذاری است و در پی تأمین و دسترسی عادلانه همگان به آب سالم و کافی با رویکرد توسعه پایدار می‌باشد. وی همچنین مأموریت‌های فدراسیون صنعت آب ایران را به شرح زیر برشمرد:

۱) بهبود محیط کسب و کار صنعت آب ایران.

۲) توسعه کسب و کار صنعت آب ایران.

۳) دفاع از حقوق و حمایت از منافع مشترک اعضا.

۴) حفظ و ارتقای اعتبار و حیثیت حرفه‌ای اعضای صنعت آب ایران.

۵) تأمین خدمات جذاب برای اعضا و سایر ذینفعان.

۶) تولید، جمع‌آوری و انتشار اطلاعات، دانش و

فدراسیون صنعت آب ایران، در پی تأمین و دسترسی عادلانه همگان به آب سالم و کافی با رویکرد توسعه پایدار می‌باشد.

فناوری در حوزه صنعت آب.

۷) افزایش مشارکت موثر بخش خصوصی صنعت آب در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری عمومی.

۸) ایفای نقش تنظیم‌کننده (Regulatory) در صنعت آب ایران.

۹) ارتقا، پشتیبانی و حمایت از دسترسی به بازارهای جدید صنعت آب.

۱۰) توسعه ارتباطات بین‌المللی صنعت آب ایران.

مهندس منوچهریان درپاسخ به این سوال که فدراسیون چه برنامه‌هایی برای دستیابی به اهداف و انجام مأموریت‌هایش دارد؟ گفت: قبل از برنامه عملیاتی، ما به یک برنامه‌ریزی جامع احتیاج داریم، برنامه‌ریزی‌ای که جهت‌گیری آینده را مشخص کند، اولویت‌ها را مشخص کند، تصمیم‌های امروز را در پرتو پیامدهای آینده آنها اتخاذ نماید، در زمینه‌های تحت کنترل سازمان، حداکثر بصیرت را اعمال کند. وی افزود: در این برنامه‌ریزی، اهداف و خطوط کلی و رسالت‌های فدراسیون در درازمدت تعیین می‌شود و با دیدی بلند، چارچوب مشخصی را برای برنامه‌ریزی عملیاتی ترسیم می‌کند. لازم به ذکر است که بر همین اساس، برنامه استراتژیک فدراسیون صنعت آب ایران توسط مشاوران فدراسیون دردست تدوین است.

مشکلات مسیر تأسیس فدراسیون

از مهندس منوچهریان، به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره فدراسیون صنعت آب ایران پرسیدیم که در مراحل تأسیس این تشکل با چه مسایل و مشکلاتی روبرو بوده‌اید؟ وی در پاسخ به این سوال گفت: همانطور که گفتم، در ابتدا، همه تشکل‌ها با ایده تأسیس سندیکای صنعت آب، مخالف بودند و آن را تشکلی موازی با تشکل‌های موجود و باعث تضعیف آنها ارزیابی می‌کردند، اما همهٔ آنها با ایجاد یک تشکل فراگیر که صدای واحد صنعت آب کشور باشد، موافق بودند. بنابراین، پس از بحث‌ها و گفتگوها و مطالعات زیاد، همهٔ تشکل‌های مرتبط با تأسیس فدراسیون صنعت آب ایران موافقت کردند.

وی در ادامه گفت: یکی از نگرانی‌های تشکل‌های موسس فدراسیون، پرهیز از تکرار تجارب نامطلوب تشکل‌های فراگیر مشابه بود که گرفتار روزمرگی شده‌اند.

مهندس منوچهریان همچنین گفت: در جریان تأسیس فدراسیون که حدود سه سال طول کشید، اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت منافع گاهی اوقات باعث می‌شد که پیشرویمان کند شود، اما به هرحال، با همدلی و همراهی موفق شدیم این مشکلات را پشت سر بگذاریم و فدراسیون صنعت آب ایران سرانجام تأسیس شد.

در پایان، از مهندس منوچهریان پرسیدیم که در حال حاضر، فدراسیون با چه مشکلاتی بر سر راه فعالیتش روبروست؟ وی در پاسخ گفت: اگرچه به نظر می‌رسد که در چند سال اخیر، زمینه حضور بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مناسب‌تر شده، ولی به علت حاکمیت ساختار دولتی در همه حوزه‌ها، هنوز راه درازی برای احقاق حقوق بخش خصوصی درپیش داریم و قطعاً از همین آغاز راه، با مقاومت مخالفان افزایش مشارکت بخش خصوصی در امور کشور روبرو خواهیم شد، اما دست از تلاش برنمی داریم و همه تلاشمان را برای ادامه راه به کار خواهیم گرفت.

برگه اشتراک مجله توسعه تأسیسات و تجهیزات

نام..... نام خانوادگی..... شغل.....

نشانی.....کد پستی.....

تلفن..... نمابر.....

اشتراک جدید..... تمدید اشتراک..... تاریخ شروع اشتراک.....

هزینه اشتراک برای چهار شماره: ۲۰۰۰۰۰ ریال

لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۰۵۰۰۰۶۹۱۷۴۶۰۴ نزد بانک کارآفرین شعبه مرکزی، یا به شماره حساب ۱۲۴۴۲۲۰۸/۴۰ جام بانک ملت به نام سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران واریز نموده و فتوکپی رسید را به همراه برگه اشتراک به نشانی زیر ارسال نمایید: تهران- سعادت آباد- میدان کاج- خیابان نهم- پلاک ۱۸

تلفن: ۲۲۰۸۳۷۶۵-۲۲۰۸۳۴۲۰-۲۲۰۸۳۹۵۹-۲۲۰۸۳۹۶۱

نمابر: ۲۲۰۸۴۰۳۰

حل اختلاف در پیمان؛ موانع و راهکارها

● مهندس مهدی مسعودی آشتیانی

مقدمه

با انعقاد پیمان، رابطه‌ای حقوقی میان کارفرما و پیمانکار ایجاد می‌شود. این رابطه تا پایان عملیات اجرایی پابرجاست و در نتیجه، حقوق و تعهداتی برای طرفین ایجاد می‌شود که یکی از آنها حل اختلاف امور ناشی از پیمان است.

گرچه قرارداد و پیمان یک رابطهٔ حقوقی بین دو شخص است، اما این واقعیت شخصی و خصوصی، باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که مخالف قانون نباشد. به عبارت دیگر، گرچه بر اساس اصل حاکمیت اراده، دو یا چند شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) می توانند هر نوع قراردادی را بین خود منعقد کنند، مع‌الوصف خطوط قرمز این اصل تا جایی است که رابطهٔ حقوقی آنان، اولاً مغایر قانون و ثانیاً مخالف نظم عمومی و ثالثاً مباین اخلاق حسنه نباشد. بنابراین، قرارداد و پیمانی که با هر یک از سه مقولهٔ بالا در تعارض باشد، اصولاً یا باطل است و یا غیرقابل اجراست. مادهٔ ۱۰ قانون مدنی هم در بیان اصل حاکمیت اراده و ترسیم محدودهٔ آن مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

از سوی دیگر، پیدایش اختلاف در تفسیر یا در اجرای مفاد قرارداد امری طبیعی است و چون طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است» لذا حل اختلاف قراردادها هم برعهدهٔ دادگاه‌هاست. بنابراین، هرگاه دو طرف قرارداد، در مورد نحوهٔ حل اختلاف پیمان سکوت کرده باشند، براساس اصل فوق‌الذکر، مرجع حل اختلاف آنها دادگاه خواهد بود، لکن چنانچه آنان مرجع حل اختلاف خویش را در متن قرارداد تعیین کنند، در این صورت، باید دقت شود که آیا این امر مغایر قانون هست یا نه؟

در دنیای کنونی و در تمام رژیم‌های حقوقی، حل اختلاف به دو صورت امکانپذیر است: ۱) رسمی، ۲) غیررسمی (خصوصی). مرجع حل اختلاف رسمی، همان دادگاه است که در صورت سکوت طرفین، وارد دعوا می شود، ولی مرجع حل اختلاف غیررسمی (خصوصی) ارجاع آن به یک شخص یا نهاد غیررسمی (غیردولتی) است که اصطلاحاً «داوری» یا «حکمیت» نامیده می‌شود. حل اختلاف از طریق حکمیت (داوری) در تمام کشورها از طرف قانونگذار ضمن ترسیم شروط و قیودات خاص آن، به رسمیت شناخته شده است. کشور ما نیز علی‌رغم اعلام صلاحیت عام دادگاه‌ها در حل اختلاف طرفین قراردادها در اصل ۱۵۹ قانون اساسی، داوری اشخاص خصوصی نسبت به دعاوی طرفین قراردادها را در سایر قوانین پذیرفته است.

علاوه بر این که طبق مادهٔ ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳): «طرفین دعوا در صورت توافق، می‌توانند برای احقاق حق و حل و فصل خصومت، به قاضی تحکیم [داور] مراجعه نمایند.» اصولاً طبق مادهٔ ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی): «کلیهٔ اشخاصی که اهلیت اقامهٔ دعوا دارند، می‌توانند با تراضی یک دیگر، منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.» جزییات مربوط به انجام داوری نیز در مادهٔ ۴۵۴ تا ۵۰۱ همان قانون تبیین شده است.

مکانیزم حل اختلاف از طریق داوری در دعاوی حقوقی در حال حاضر در جوامع پیشرفته آنچنان مورد حمایت قانونگذار و دولت‌ها قرار گرفته که با تشکیل مؤسسات داوری، حل اختلاف از طریق حکمیت، به یک صناعت و پیشه و تخصص تبدیل شده و صاحبان حِرَف و بازرگانان و حتی اکثر مردم، حل و فصل اختلافات خود از طریق فوق را به مراجعه به دادگاه‌ها ترجیح می‌دهند، زیرا حل اختلاف از راه داوری دارای چهار مزیت مشخص زیر است: ۱) سرعت، ۲) دقت، ۳) تخصص، ۴) هزینهٔ کمتر.

لزوم رعایت قوانین امری مربوط به آیین دادرسی مدنی در دادگاه‌ها و تراکم پرونده‌های عدیده، باعث شده است که مردم رغبت آنچنانی به دادگاه‌ها نشان ندهند و برای پرهیز از جریان کند و بطئ رسیدگی به دعاوی خود، داوری را برای حل اختلافات خود برگزینند. از سوی دیگر، به لحاظ تراکم کاری دادگاه‌ها، قضات دادگاه‌ها بعضاً دقت کافی برای جزییات دعاوی مردم به کار نمی‌بندند و در نتیجه، گاهی –و شاید بتوان گفت در بسیاری از موارد– حقوق خواهان‌ها ضایع می‌شود. علاوه بر این، برخی از دعاوی دارای ابعاد فنی و تخصصی هستند که اساساً قضات سررشته‌ای از آن مسایل ندارند و ناچارند که موضوع را از حیث بررسی‌های فنی و تکنیکی به کارشناسان دادگستری احاله دهند. در بسیاری از موارد هم تجمیع اعضای هیأت‌های کارشناسی با توجه به ضوابط مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از عوامل بازدارندهٔ سرعت در رسیدگی پرونده‌ها می‌شود و این نیز مشکلی را بر مشکلات پرونده‌ها می‌افزاید.

پرداخت هزینهٔ دادرسی از سوی اصحاب دعوا، به ویژه در دعاوی‌ای که موضوع اختلاف مبلغ کلان مالی است نیز از دیگر معضلات حل اختلاف از طریق دادگاه‌هاست. در کشور ما هزینهٔ دادرسی مربوط به خواسته‌های مالی، در مرحلهٔ نخستین دو درصد و در مرحلهٔ تجدیدنظر سه درصد میزان خواسته می‌باشد و این درصد نیز متأسفانه حدّ یقفی ندارد و تا هر مبلغی از خواسته را شامل می‌شود. این امر از این جهت مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است که یکی از وظایف حکومت با توجه به درآمدهای ناشی از فروش نفت و مالیات، حل اختلاف میان مردم است، ولی معالاسف موضوع مورد پذیرش واقع نشده و دولت از این راه مبالغ هنگفتی را بدست می‌آورد، حال آن که خدمات ارایه شده در مقابل هزینهٔ دادرسی بسیار ناچیز است. البته اگرچه هزینهٔ دادرسی سرانجام با صدور حکم محکومیت، بر عهدهٔ محکوم علیه نهاده می‌شود، اما با وجود این، به نظر نمی‌رسد که کسب درآمد گزاف از این طریق توسط دولت، عادلانه باشد.

به هر حال، مزایای فوق موجب شده اند که استفاده از فرایند داوری مورد استقبال اشخاص حقیقی و حقوقی قرار گیرد، اما متأسفانه در کشور ما هنوز تبلیغات و اطلاع‌رسانی لازم در این خصوص انجام نشده و بیشتر مردم اطلاعی از امکان حل و فصل دعاوی خود از طریق داوری ندارند، یا اطلاعاتشان در این زمینه اندک است و در نگارش شرط داوری در قراردادها به طور ناشیانه رفتار می‌کنند، به گونه‌ای که گاه وجود خود آن شرط، مادهٔ نزاع می‌شود!

و اما حل اختلاف از طریق خصوصی (غیررسمی) دارای دو مرحله است: ۱) مرحلهٔ ریش‌سفیدی (Mediation)، ۲) مرحلهٔ داوری (Arbitration). مرحلهٔ نخست (ریش‌سفیدی) فاقد ضمانت اجرایی، اما دارای وجوه اخلاقی است که از اعتماد طرفین به داور مرضی‌الطرفین آنها ناشی می‌شود. اما مرحلهٔ دوم (داوری) دارای ضمانت اجرایی قانونی است و قانونگذار از تصمیم و رأی دادگاه حمایت می‌کند.

حل اختلاف در پیمان

همان طوری که می‌دانیم، مادهٔ ۵۳ شرایط عمومی پیمان، اختصاص به حل اختلاف طرفین دارد. اختلاف نیز یا ناشی از تفسیر بخشنامه‌ها و تفسیر مفاد پیمان است و یا ناشی از اجرای آن. برای هر مورد از آنها هم روش‌هایی در آن ماده پیش‌بینی شده است. درخصوص برداشت‌های متفاوت طرفین از متون بخشنامه‌ها، مرجع تفسیر آن را، سازمان برنامه و بودجهٔ سابق (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) تعیین می‌کند و در غیر آن مورد، همان روش‌های ریش‌سفیدی و داوری را می‌پذیرد.

در جزء ۲ بند «الف» مادهٔ ۵۳ شرایط عمومی پیمان آمده: «درمورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند ۱ است، رسیدگی و اعلام نظر دربارهٔ آنها به کارشناس یا هیأت کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی کارشناس یا هیأت کارشناسی، در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط اعلام می‌گردد، عمل کنند.» سپس در بیان نتیجهٔ این جزء از بند «الف»، بند «ب» مادهٔ ۵۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دو طرف در انتخاب کارشناس یا هیأت کارشناسی موضوع بند ۲، به توافق نرسند، یا نظر اعلام‌شده طبق بندهای ۱ و ۲، مورد قبول هر یک از دو طرف نباشد، برای حل اختلاف، طبق بند «ج» [یعنی داوری] اقدام می‌گردد.» بنابراین، چنانچه از طریق ریش‌سفیدی موضوع اختلاف به نتیجه نرسد، به‌ناچار باید طبق بند «ج» مادهٔ مرقوم رفتار شود. بند «ج» مادهٔ ۵۳ اشعار می‌دارد: «هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر

گرچه قرارداد و پیمان، یک رابطهٔ حقوقی بین دو شخص است، اما این واقعیت شخصی و خصوصی، باید به گونه ای تنظیم شود که مخالف قانون نباشد.

پیش آید، هر یک از طرف‌ها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رییس سازمان برنامه و بودجه ارایه نماید.»

تبصرهٔ ۱ بند «ج» همان ماده ادامه می‌دهد: «چنانچه رییس سازمان یادشده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود، مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود.» تبصرهٔ ۲ همان بند نیز بلافاصله مشعر است بر این که: «رسیدگی و اعلام نظر شورای عالی فنی، در چارچوب پیمان و قوانین مربوط انجام می‌شود. پس از اعلام نظر شورای یادشده، طرف‌ها بر طبق آن عمل می‌نمایند.»

از ملاحظهٔ مادهٔ ۵۳ شرایط عمومی پیمان نکات زیر قابل استحصال است:

۱) گرچه رییس سازمان یادشده و شورای عالی فنی از مراجع رسمی شناخته می‌شوند، ولی با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و مادهٔ ۴۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) اصولاً حل اختلاف خارج از دادگاه‌ها (چه در مرحلهٔ ریش‌سفیدی و چه در مرحلهٔ داوری) در مورد اموال عمومی و دولتی غیرقانونی و باطل است، چون مسایل مربوط به پیمان مربوط به اموال عمومی و دولتی است، پس مادهٔ ۵۳ شرایط عمومی پیمان با قانون اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مغایرت دارد.

۲) داوری در قرارداد به دو صورت قابل پیش‌بینی است: ۱) طبق قرارداد جداگانه، ۲) به صورت شرط ضمن عقد. توضیح اینکه هرگاه طرف‌های قرارداد در اثر غفلت یا هر عامل دیگری، حل اختلاف خود به طریق داوری را در قرارداد خود پیش‌بینی نکنند، می‌توانند طی قرارداد دیگری این امر را مورد توافق و تراضی قرار دهند. این قرارداد (داوری) که در تکمیل قرارداد اصلی است، طبق مادهٔ ۱۰ قانون مدنی، جزو عقود لازم است و هیچ یک از طرفین نمی‌تواند از زیر بار تعهدات آن شانه خالی کند. گذاشتن شرط داوری در ضمن عقد نیز چون لزوم خود را از عقد اصلی کسب می‌کند، لذا برای دو طرف لازم‌الوفاست. بنابراین، چنانچه در قراردادی شرط داوری درج شده باشد، یا طی قرارداد جداگانه‌ای، طرفین برای انجام آن ملتزم باشند، عمل بدان برای آنها گریزناپذیر است.

با توجه به مراتب فوق، ملاحضه می‌شود که

حل اختلاف از راه داوری دارای چهار مزیت مشخص زیر است: ۱) سرعت، ۲) دقت، ۳) امکان دادرسی تخصصی، ٤) هزینهٔ کمتر.

مادهٔ ۵۳ شرایط عمومی پیمان، بر خلاف اصل لزوم قراردادها، اجرای امر داوری را بر پیمانکار و کارفرما تخییری می‌کند و با استعمال واژهٔ «می‌تواند» و «می‌توانند» حل و فصل اختلاف از طریق داوری را غیرلازم الوفا تلقی می‌نماید، مثلاً در بند «الف» مادهٔ مزبور می‌گوید: «هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، دو طرف می‌توانند برای حل سریع آن، قبل از درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری طبق بند «ج» بر حسب مورد به روش تعیین‌شده در بندهای ۱ و ۲، عمل نماید.» یا در بند «ج» همان ماده آمده: «هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، هریک از طرف‌ها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رییس سازمان برنامه و بودجه ارایه نماید.» همانطور که ملاحظه می‌شود، واژهٔ «می‌تواند» یا «می‌توانند» حاکی از تخییر است نه الزام، حتی در تأیید عدم الزام‌آوربودن شرط داوری پیمان، مدیرکل دفتر امور فنی و تدوین معیارهای سازمان یادشده در پاسخ به استفسار انجمن شرکت‌های ساختمانی، در نامهٔ شمارهٔ ۵۱۳/۱۳۰/۴۰۴ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۷ صراحتاً اشعار داشته که: «مراجعه به شورای عالی فنی برای حل اختلاف، اجباری نمی‌باشد.» بنابراین، این امر نیز یکی دیگر از اشکالات حقوقی شرط داوری است که بدون لحاظ مبانی حقوقی در پیمان اشتراط شده است.

۳) در تبصرهٔ ۱ بند «ج» مادهٔ ۵۳، علی‌رغم این که شورای عالی فنی مرجع حل اختلاف کارفرما و پیمانکار شناخته شده، مع‌الوصف، رسیدگی به اختلافات، منوط و موکول به موافقت رییس سازمان شده است. این قید نیز بر خلاف اصل اصاله اللزوم شرط داوری است و محدودکردن داوری به موافقت شخص دیگر نیز فاقد مبنای حقوقی است، زیرا قانوناً داور پس از قبول داوری، مکلف به رسیدگی است و موکول کردن آن به امر دیگر نمی‌تواند وجاهت قانونی داشته باشد.

موانع و مشکلات داوری پیمان

با همهٔ کاستی‌هایی که در بالا گفته شد، اکنون حل و فصل اختلافات ناشی از پیمان، هم در دادگاه‌ها و هم در شورای عالی فنی انجام می‌شود، اما چگونگی انجام آن نیاز به توضیح دارد:

با این که در صورت اندراج شرط داوری در هر قراردادی، اصولاً طبق قانون، دادگاه صلاحیت رسیدگی به موضوع را ندارد، اما در اختلافات مربوط به مسایل پیمانکاری، در صورت طرح دعوا در دادگاه و ایراد هر یک از دو طرف در مورد عدم صلاحیت دادگاه با وجود شرط داوری، بسیاری از دادگاه‌ها با

توجه به تخییری‌بودن ارجاع امر به داوری در پیمان، خود را صالح به رسیدگی می‌دانند، زیرا مطابق قانون اساسی، دادگستری و دادگاه، مرجع رسمی تظلمات عمومی است. اما این استدلال دادگاه‌ها قانوناً صحیح نیست، چرا که وجود شرط داوری– ولو اختیاری‌بودن آن– نمی‌تواند مستمسکی برای صلاحیت دادگاه باشد. به هرحال، به هنگام رسیدگی توسط دادگاه‌ها، غالباً (حتی می‌توان گفت در همهٔ موارد) این گونه پرونده‌ها برای رسیدگی فنی به کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع می‌شوند و دادگاه بر اساس نظریهٔ کارشناسان مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

اما همانگونه که در مقدمهٔ مقاله گفتیم، رسیدگی در دادگاه‌ها معمولاً به لحاظ تراکم کاری دادگاه‌ها به درازا می‌کشد و سرعت رسیدگی به دعاوی را کند می‌نماید. طبعاً این امر خوشایند خواهان پرونده که برای احقاق حق خویش تعجیل دارد، نیست، اما به هر حال، به رغم طولانی‌شدن جریان رسیدگی، موضوع منتهی به رأی دادگاه می‌شود، اما در شورای عالی فنی وضع به‌گونهٔ دیگری است. در آنجا طبق دستورالعملی که منتشر نشده و کاملاً داخلی است، به اختلافات پیمانکاران و کارفرمایان رسیدگی می‌کنند، اما تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، جریان رسیدگی در شورای عالی فنی، به‌ویژه در مورد مطالبات مبالغ بالا، بسیار کندتر از دادگاه‌هاست، زیرا انبوهی از پرونده‌ها در شورای عالی فنی انباشته شده اند و این وضع باعث ناامیدی پیمانکاران از طرح دعوا در آن شورا شده و پیمانکاران رسیدگی دادگاه‌ها را به رسیدگی آن شورا ترجیح می‌دهند. علت این امر هم دو عامل اصلی زیر است:

۱) دستورالعمل داوری فعلی شورا، پاسخگوی جریان رسیدگی در شورا نیست. نگارنده در سال ۱۳۸۱ دستورالعملی را به توصیهٔ معاونت فنی وقت سازمان (جناب آقای مهندس تفضلی) با مطالعات و تحقیقات فراوان از منابع داخلی و خارجی تهیه کرده بود، لکن با جرح و تعدیل‌های وسیع در آن، متأسفانه آن دستورالعمل به صورت دیگری استحاله شد و با ایجاد تغییرات گسترده، نقش رفیع شورای عالی فنی در امر داوری را به جای نظارت و اشراف بر حل اختلافات، به نقش اجرایی و مباشرتی تنزّل داد، به‌گونه‌ای که اکنون شورای عالی فنی متأسفانه با کثرت پرونده‌های بدون اصدار رأی مواجه شده است. این است که با کمال تأسف پیمانکاران از ارجاع اختلافات خود به شورای مذکور ناامید شده‌اند.

۲) اعضای فعلی شورای عالی فنی به لحاظ دارابودن سمت‌های بالا مانند وزارت و غیره، فرصت کافی برای حضور در جلسات شورا را ندارند و درنتیجه، رسیدگی به دعاوی ناشی از پیمان که یکی از وظایف شوراست، طبیعتاً معطل و بر زمین می‌ماند، در صورتی که تدوین کنندگان شرایط عمومی پیمان به‌رغم موانع قانونی (اعم از قانون اساسی و عادی) درصدد بوده‌اند که کار پیمانکاران در رسیدگی به اختلافات آنان از طریق شورای عالی فنی تسهیل شود، اما در عمل نه تنها این تسهیل فراهم نشده، بلکه وضع بدتر هم شده است، به‌ویژه چنانچه دادگاهی با توجه به صلاحیت داوری شورای عالی فنی، خود را صالح به رسیدگی نیز نداند!

راهکارها

به نظر می‌رسد که با همهٔ کاستی‌ها در تدوین شرط داوری در پیمان و نقایص موجود در جریان رسیدگی دادگاه‌ها، اگر فرض کنیم که شرط داوری در پیمان قانونی است، پس شورای عالی فنی می‌تواند به جایگاه رفیع و واقعی خود در امر داوری در خصوص اختلافات پیمانکاران و کارفرمایان دست یابد، ولی باید اذعان

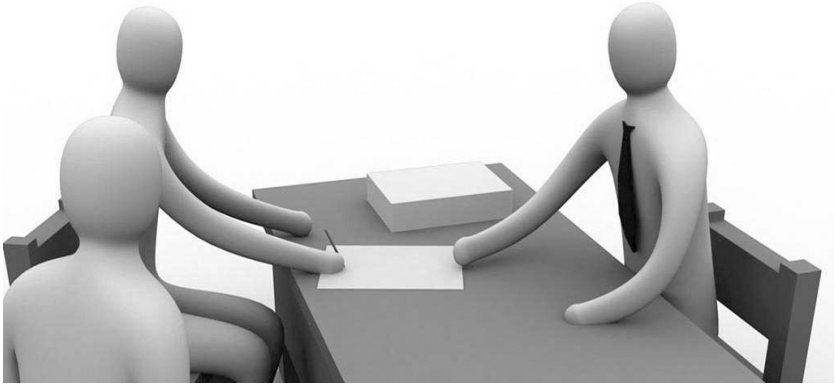

شایسته است که دستورالعمل داوری شورای عالی فنی، با توجه به تجاربی که تاکنون به دست آمده، در اسرع وقت اصلاح و سپس منتشر شود.

داشت که این مهم جز با اصلاح ساختار دستورالعمل داوری شورا محقق نخواهد شد. به همین منظور پیشنهاد می‌شود:

۱) دستورالعمل داوری شورای عالی فنی، با توجه به تجاربی که تاکنون به دست آمده، در اسرع وقت اصلاح و سپس منتشر شود.

۲) اعضای شورای عالی فنی به هیچوجه (مگر در موارد بسیار استثنایی و حساس که باید در دستورالعمل پیش‌بینی شود)، مستقیماً و مباشرتاً وارد حل و فصل اختلافات نگردند و این امر را با ایجاد هیأت‌های رسیدگی بدوی متشکل از کارشناسان زبدهٔ وارد به مسایل پیمان در رشته‌های گوناگون «به طور تمام وقت»، به هیأت‌های مزبور محول نمایند و اجازه دهند که هیأت‌ها مبادرت به رسیدگی و تهیهٔ پیش‌نویس رأی نمایند و سپس شورا در نهایت به امضای آرای صادر شده توسط کارشناسان و ابلاغ آن به طرفین اختلاف، دست یازد.

۳– برای اطمینان از سلامت آرای هیأت‌های بدوی، شورا می‌تواند شعبه یا شعبی را برای تجدیدنظرخواهی از آرای بدوی اختصاص دهد. در این صورت، نقش شورا علاوه بر این که یک نقش کاملاً نظارتی و اشراف بر مسایل پیمانکاری است، اصولاً نوعی تقسیم کار مدبرانه برای تسهیل امور داوری خواهد بود. به واقع و در مقام قیاس می‌توان گفت که نقش شورا در این حالت، به مثابه نقش ریاست قوهٔ قضاییه یا دیوان عالی کشور در نظارت بر دادگاه‌هاست که جنبهٔ نظارتی و هدایتی دارد و از دخالت و درگیری مستقیم در ماهیت دعاوی پرهیز خواهد کرد، زیرا همان طوری که رییس قوهٔ قضاییه یا دیوان عالی کشور قادر نیستند که شخصاً به همهٔ دعاوی مردم در سراسر کشور به تنهایی رسیدگی کنند، بلکه این امر توسط شعب مختلف دادگاه‌ها انجام می‌شود، شورای عالی فنی نیز در مقیاسی کوچکتر، نباید مستقیماً وارد رسیدگی ماهوی دعاوی پیمانکاران و صدور حکم داوری آنها گردد. در غیر این صورت، نتیجه همان خواهد بود که در حال حاضر شاهدش هستیم.

گزارشی از

دیدار نوروزی

اعضای سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران

امسال نیز همچون سال‌های گذشته، مراسم دیدار نوروزی مدیران شرکت‌های عضو سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در اردیبهشت ماه در محل سندیکا برگزار شد. لابی ساختمان سندیکا که با میزهای گرد آراسته به رومیزی‌های سفید و گلدان‌های زیبای گل تزیین شده بود، محل ملاقات و مرکز تجمع مهمانان بود و در اطراف هر میز هم گروهی از اعضا مشغول احوالپرسی و خوش و بش و کمی هم گفتگوهای جدی بودند. گفتگوهای جدی عموماً درمورد آینده نسبتاً ناروشن حرفه پیمانکاری بود. ما هم فرصت را غنیمت شمردیم و از چند تن از شرکت‌کنندگان در این مراسم سوال کردیم که با توجه به شرایط فعلی کشور، وضعیت فضای کسب و کار خود را در سال ۱۳۹۵ چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

مهندس صمد حبیبی پاسدار در جواب به این سوال گفت: در بودجه امسال هم اعتبارات عمرانی رقم چندان قابل توجهی نیست و لذا برای پیمانکاران عمرانی، چشم‌انداز روشنی از لحاظ رونق کسب و کار نمی‌بینم.

مهندس ادیب با وجود آنکه معمولاً فردی خوشبین است و تمایل به ارایه پیش‌بینی مثبت از وضعیت حرفه در سال جاری دارد، نمی‌تواند وضعیت خود و همکارانش را در سال جاری بهتر از سال گذشته پیش‌بینی کند.

دکتر الهی معتقد است که به دلیل وجود موانع متعدد بر سر راه ورود سرمایه خارجی به کشور، انتظار بهبود کسب و کار پیمانکاران بخش خصوصی وجود ندارد. او در این زمینه می‌گوید: با توجه به اینکه شرایط مانند گذشته نیست که دولت به عنوان کارفرمای

با توجه به اینکه شرایط مانند گذشته نیست که دولت به عنوان کارفرمای بزرگ، پروژه‌ها را میان پیمانکاران تقسیم کند، لذا پیمانکاران بخش خصوصی باید به دنبال راهکارهای تأمین مالی پروژه‌ها باشند و راهی را برای جمع‌آوری و هدایت نقدینگی جامعه به سمت اجرای پروژه‌های زیربنایی پیدا کنند.

بزرگ، پروژه‌ها را میان پیمانکاران تقسیم کند، لذا پیمانکاران بخش خصوصی باید به دنبال راهکارهای تأمین مالی پروژه‌ها باشند و راهی را برای جمع‌آوری و هدایت نقدینگی جامعه به سمت اجرای پروژه‌های زیربنایی پیدا کنند.

مهندس بقایی سال ۹۵ را بدتر از سال ۹۴ پیش‌بینی کرد و گفت: در سال‌های اخیر، شرکت‌های ما به علت مشکلات متعدد، روزبه‌روز کوچکتر و ضعیف‌تر شده‌اند و سندیکا هم نقش مناسبی را در راهنمایی شرکت‌ها و ارایه راهبرد به آنها بازی نکرده است. بنابراین، حتی درصورت انجام سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و بهبود اوضاع اقتصادی، باز هم شانسی برای رونق فعالیت شرکت‌های پیمانکاری کوچک وجود ندارد، مگر با تغییر نگرش مدیران شرکت‌ها و واگذاری اداره امور به نیروهای جوان و ادغام شرکت‌های کوچک و ایجاد شرکت‌های بزرگ و توانمند که توانایی سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌ها را داشته باشند. وی افزود: همه ما اهمیت تغییر نگرش در اداره شرکت‌ها را درک می‌کنیم، ولی حاضر نیستیم به آن تن بدهیم و همین وضع باعث می‌شود که همه مان ازبین برویم، بدان امید که شاید مانند ققنوس، از میان خاکسترمان شرکت‌های قوی‌تری ایجاد شوند.

مهندس میرزایی درمورد پیش‌بینی‌اش از شرایط فعالیت پیمانکاران در سال ۹۵ گفت: فکر می‌کنم که امسال مشکلات کمتری داشته باشیم، البته انتظار معجزه نداریم، ولی فکر می‌کنم که در شرایط بهتری نسبت به سال ۹۴ باشیم. وی همچنین اظهار امیدواری کرد که اختلاف نظر مدیران کشور درمورد اجرای برجام به حداقل برسد و راه ورود سرمایه خارجی به کشور و رونق فعالیت‌های اقتصادی و پیمانکاری هموار شود.

مهندس درخشان، عضو مجمع جوان سندیکا، اظهار داشت که در سال ۹۵ اتفاق خاصی در جهت

> **حتی درصورت انجام سرمایه گذاری خارجی در کشور و بهبود اوضاع اقتصادی، باز هم شانسی برای رونق فعالیت شرکت‌های پیمانکاری کوچک وجود ندارد، مگر با تغییر نگرش مدیران شرکت‌ها و واگذاری اداره امور به نیروهای جوان.**

رونق فعالیت پیمانکاران بخش خصوصی نخواهد افتاد، چون مشکل کمبود نقدینگی دولت ادامه دارد و به نظر نمی‌رسد که این مشکل در سال ۹۵ هم رفع بشود و به تبع آن، مشکل بیکاری پیمانکاران هم ادامه پیدا می‌کند. وی افزود: البته سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانست تا حدودی مشکل کمبود نقدینگی را حل کند، ولی آنهم احتیاج به بسترهای مناسب، یعنی تأمین امنیت سرمایه و ثبات سیاست‌ها دارد که متأسفانه این بسترها در کشور ما فراهم نیست.

مهندس امیری‌فر درمورد پیش‌بینی وضعیت پیمانکاران بخش خصوصی در سال ۹۵ گفت: قبل از به‌ثمررسیدن برجام، مسوولان کشور وعده و وعیدهای زیادی برای بهبود اوضاع می‌دادند، ولی وقایع پس از اجرایی‌شدن برجام، افق روشنی را در مقابل فعالان حرفه پیمانکاری قرار نمی‌دهد، مگر اینکه ما پیمانکاران فکری به حال خودمان بکنیم، یعنی با توجه به اینکه دولت پول کافی برای تأمین مالی پروژه‌ها ندارد، ما باید دور هم جمع شویم و به هم اعتماد کنیم و خودمان پروژه تعریف و اجرا کنیم و سرمایه‌گذاری خودمان را از عواید حاصل از بهره‌برداری پروژه برگردانیم.

مهندس حکیم‌پور فضای کسب و کار حرفه پیمانکاری در سال ۹۵ را مبهم ارزیابی کرد و ضمن ارایه توضیح بیشتری در این زمینه گفت: از ابتدای سال جاری، بدون اینکه تغییر مهمی در مملکت ایجاد شود، قیمت‌ها افزایش پیدا کرده است. همچنین به علت وضعیت سیاسی ایجادشده، میزان سرمایه‌گذاری داخلی رو به کاهش است و به نظر نمی‌رسد که سرمایه‌گذاری خارجی هم صورت گرفته باشد.

مهندس ذوالفقاری نیز که نظر مثبتی نسبت به شرایط فعالیت پیمانکاران در سال ۹۵ نداشت، گفت: هیچکس به فکر پیمانکارانی که ۵۰- ۴۰ سال در اقصی نقاط کشور با تحمل مشکلات فراوان کار کرده‌اند، نیست. هیچکدام از مشکلات عمدهٔ ما- مثل بیکاری، مطالبات معوق از دولت و رقابت نابرابر شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با پیمانکاران بخش خصوصی در مناقصات- هنوز حل نشده. این مشکلات باعث ورشکستگی ما شده و به نظر می‌رسد که این وضعیت در سال ۹۵ هم ادامه پیدا کند.

مهندس شریفی که از دست‌اندرکاران صنعت ساخت تجهیزات است، معتقد بود که مجادلات و کشمکش‌های سیاسی دولتمردان، پیش‌بینی شرایط فعالیت بخش خصوصی در سال ۹۵ را دشوار می‌سازد و باعث می‌شود که با احتیاط بیشتری به سمت گسترش فعالیت‌هایشان حرکت کنند.

مهندس راهبی در پاسخ به سوال ما گفت: به نظر من هم پیش‌بینی شرایط فعالیت‌های پیمانکاری در سال ۹۵ دشوار است، ولی بعضی مولفه‌های مثبت دیده می‌شوند که ممکن است باعث ایجاد شرایط بهتری برای فعالیت حرفه پیمانکاری باشند. یکی از این مولفه‌ها، درخواست دولت در بودجه سال ۹۵ برای اخذ مجوز فاینانس برای اتمام بخش نسبتاً بزرگی از کارهای نیمه‌تمام است. مولفهٔ مثبت دیگر هم کاهش

تعداد یارانه‌بگیران است که به افزایش منابع دولت کمک‌می‌کند.

دکتر چهاربخش، دستیار دبیر سندیکا، چشم‌انداز فعالیت بخش خصوصی را مشروط به کاهش تنش‌های سیاسی در کشور دانست و تأکید کرد که افزایش تنش‌ها، تضعیف دولت یازدهم و کاهش اعتبار آن در عرصه بین‌المللی را به همراه خواهد داشت. وی همچنین خاطرنشان ساخت که درصورت ایجاد تفاهم بیشتر میان مسوولان کشور، امکان استفاده از فرصت ناشی از اجرای برجام فراهم می‌شود.

مهندس خاکی شرایط آغاز سال ۹۵ را بهتر از سال‌های قبل دانست و خاطرنشان ساخت که درصورت اجرای کامل برجام، اوضاع اقتصادی کشور بهبود می‌یابد و به تبع آن، وضع پروژه‌ها بهتر خواهد شد.

مهندس رسولی اظهارنظر درمورد چشم‌انداز فعالیت پیمانکاران در سال ۹۵ را دشوار خواند و گفت: هنوز نشانه‌های بهبود اوضاع دیده نمی‌شود و بعضی‌ها هم سال ۹۵ را توأم با رکود ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال، همکاری بانک‌های بین‌المللی با بانک‌های ایرانی به دلایلی مانند مطالبات معوق بانک‌های ایران دچار مشکل است، چون مطابق مقررات بین‌المللی، بانکی که ۱۵ درصد مطالبات معوقه دارد، قابل اعتماد نیست. بنابراین، به دلایل متعدد، به نظر نمی‌رسد که حداقل در نیمه اول سال ۹۵، شاهد رونق فعالیت‌های پیمانکاری باشیم.

مهندس پرویز تیوای در پاسخ به سوال ما درمورد پیش‌بینی شرایط فعالان صنعت احداث در سال ۹۵ گفت: چرا باید فکر کنیم که سال ۹۵ با سال قبل از آن تفاوت دارد؟ باید عوامل و شواهدی برای تغییر یک وضعیت وجود داشته باشند، در حالی که در حال حاضر، عاملی برای تغییر وجود ندارد. وی همچنین خاطرنشان ساخت که بهبود شرایط فعالیت حرفه‌پیمانکاری، مستلزم سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تفکر مبتنی بر برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه است و هیچیک از این‌ها را فعلاً نمی‌بینیم. تفکر و برنامه‌ای برای رشد و توسعه وجود ندارد و طبیعتاً سرمایه‌گذاری نخواهد شد. بعد هم خیلی از این مسایل در سال‌های اخیر کاملاً سیاسی شده و اگر بخواهیم بیشتر وارد این بحث بشویم، به ناچار به مسایل سیاسی کشیده می‌شود، درحالی که در سایر جاهای دنیا، اقتصاد ارتباط چندانی به سیاست ندارد، ولی در کشور ما همه چیز به سیاست ارتباط دارد.

مهندس همایون ابراهیمی هم امیدی به بهبود شرایط فعالیت بخش خصوصی در شش ماه اول سال ۹۵ ندارد، اما فکر می‌کند که ممکن است

وقایع پس از اجرایی‌شدن برجام، افق روشنی را در مقابل فعالان حرفه پیمانکاری قرار نمی‌دهد، مگر اینکه ما پیمانکاران فکری به حال خودمان بکنیم.

در شش ماهۀ دوم سال ۹۵ شرایط تاحدودی مساعدتر شود. وی همچنین گفت: اقتصاد کشور شدیداً وابسته به صنعت ساختمان است و اگر صنعت ساختمان رونق بگیرد، می‌توان به رونق اقتصاد کشور هم امیدوار بود.

مهندس فریدنی نیز درمورد چشم‌انداز فعالیت حرفه پیمانکاری بخش خصوصی در سال ۹۵ گفت: تا پایان سال قبل، نسبت به بهبود اوضاع و رونق اقتصادی کشور در سال ۹۵ خیلی خوشبین بودم، ولی روند وقایع نشان می‌دهد که اقتصاد کشور هنوز با چالش‌های زیادی برای طی مسیر رونق روبروست. وی تأمین مالی پروژه‌ها توسط بخش خصوصی را راهکاری برای حل مشکل پروژه‌های نیمه‌تمام و حل معضل پیمانکاری بخش خصوصی کشور می‌داند و معتقد است که لازمۀ آن، توان مالی بخش خصوصی و ایجاد شرایط اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاران است.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برگزار کرد:

همایش تقدیر از پیشکسوتان صنعت احداث در نظام فنی و اجرایی کشور

در اسفند ماه سال گذشته، همایش تقدیر از پیشکسوتان صنعت احداث در نظام فنی و اجرایی کشور، با حضور مهندس غلامرضا شافعی، معاون فنی و توسعه امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با شرکت جمعی از دست‌اندرکاران این حوزه در محل این سازمان برگزار شد.

گزارش برگزاری همایش

در ابتدای این مراسم، مهندس غلامحسین حمزه مصطفوی، رییس امور نظام فنی و اجرایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور طی سخنانی، سابقهٔ تأسیس شرکت‌های مهندسی در ایران را اوایل قرن حاضر و سابقهٔ پایه‌گذاری نظام فنی و اجرایی را از سال ۱۳۵۲ به بعد ذکر کرد.

رییس امور نظام فنی و اجرایی در بخش دیگری از سخنانش، امضای توافقنامه میان شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی، حرفه‌ای و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تأسیس نهاد تعامل را رویدادی بزرگ در حوزه مهندسی کشور دانست که به رشد و شکوفایی شرکت‌ها و تشکل‌های مهندسی شتاب قابل توجهی بخشیده و در عین حال، به واسطه تغییر مدیریت‌ها و طبعاً نگرش‌های گوناگون در برخی مقاطع، عملکرد چشمگیری نداشته است.

مهندس مصطفوی سپس در مورد نحوهٔ انتخاب پیشکسوتان صنعت احداث در نظام فنی و اجرایی کشور خاطرنشان ساخت که شرکت‌های پیمانکاری فعال با سابقهٔ بیش از ۶۰ سال و شرکت‌های مهندسان مشاور با سابقهٔ ۵۵ سال، توسط یک کمیتهٔ کاری با حضور نمایندگان شورای هماهنگی تشکل‌ها مورد بررسی و انتخاب قرار گرفتند تا به صورت سمبلیک از آنها قدردانی شود. وی سپس متذکر شد که تعدادی از شرکت‌های جوانتر و موفق نیز توسط کمیتهٔ کاری مذکور انتخاب شدند تا در این مراسم از آنها تقدیر شود.

لازم به ذکر است که در پایان سخنان مهندس مصطفوی، دو پیشنهاد توسط حاضران در نشست جهت قرائت به ایشان ارایه شد: ۱) ایجاد کمیته دایمی در نهاد تعامل به منظور برنامه‌ریزی برای انتخاب برترین‌های عرصه سازندگی کشور در سال‌های آتی. ۲) تدوین تاریخ شفاهی مهندسی نوین ایران.

علاوه بر این، مهندس مصطفوی بنا به درخواست آقای نعمت‌اللهی، رییس امور حقوقی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، اعلام کرد که هیأت رسیدگی به شکایات، موضوع مواد ۷ و ۸ قانون برگزاری مناقصات به ریاست وی تشکیل شده و جلسات آن از یک سال قبل درحال برگزاری است.

مهندس مصطفوی در مورد نحوهٔ انتخاب پیشکسوتان صنعت احداث در نظام فنی و اجرایی کشور خاطرنشان ساخت که شرکت‌های پیمانکاری فعال با سابقهٔ بیش از ۶۰ سال و شرکت های مهندسان مشاور با سابقهٔ ۵۵ سال، توسط یک کمیتهٔ کاری با حضور نمایندگان شورای هماهنگی تشکل‌ها مورد بررسی و انتخاب قرار گرفتند تا به صورت سمبلیک از آنها قدردانی شود.

الزامات ماندگاری شرکت‌های صنعت احداث

مهندس محمدرضا انصاری، رییس هیأت اجرایی شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی، حرفه‌ای کشور نیز طی سخنانی ضمن قدردانی از توجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای تقدیر از شرکت‌های پیشکسوت و ماندگار صنعت احداث در این همایش، به موانع ماندگاری شرکت‌های صنعت احداث و الزامات رفع آنها اشاره کرد و گفت: شرکت ماندگار، شرکتی است که بیش از طول عمر بنیانگذارش زنده بماند. وی افزود: یکی از خسارات سنگین اقتصاد کشور در حوزهٔ صنعت احداث، آن است که همیشه اکثر شرکت‌های داخلی، یک‌نسلی بوده‌اند. به عبارت دیگر، در کشور ما، شرکتی که با عمری از کار و زحمات بسیار در قالب گذاشته می‌شود و بعد با جذب نیروهایی فعالیت می کند، یک سرمایه سازمانی است که با بازنشسته‌شدن و یا فوت بنیانگذار آن، ازبین می‌رود. لذا باید توجه داشت که این سرمایه سازمانی حفظ شود، ولو آن که مالکیت آن تغییر کند.

وی سپس تفکیک مالکیت از مدیریت را موجب شکل‌گیری استعدادها در مدیریت شرکت‌ها و گام بزرگی در جهت توسعه کشور ارزیابی کرد و گفت: باید تدابیری اتخاذ شود که شرکت‌ها ماندگار شوند.

شرایط صدور خدمات فنی و مهندسی را تسهیل کنید

مهندس انصاری در فراز دیگری از سخنانش با اشاره به اهمیت بخش ساختمان و صدور خدمات فنی و مهندسی در خروج از رکود اقتصادی کشور، به عمده‌ترین معضلات این بخش پرداخت و اظهار داشت که به علت تحریم‌ها، ۸۰ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور محدود به کشور عراق

مهندس محمدرضا انصاری: شرکت ماندگار، شرکتی است که بیش از طول عمر بنیانگذارش زنده بماند.

شد و پروژه‌های این کشور هم به علت مشکلات سیاسی و اقتصادی متوقف ماند و ۳۸ شرکت ایرانی در ۵۰ پروژه عراق گرفتار شدند. وی در ادامه ضمن تشکر از دولت و بانک مرکزی برای اختصاص ۲۰۰ میلیون دلار به منظور وام‌دادن به این شرکت‌ها و خروج آنها از ورطه پروژه‌های عراق، حذف جایزه صادراتی را یکی دیگر از موانع صدور خدمات فنی و مهندسی ذکر کرد و گفت: تصویب جایزه صادراتی در سال ۱۳۸۱، رشد ۱۲ درصدی صدور خدمات فنی و مهندسی را به رشد ۴۵ درصدی تبدیل کرد، اما این مشوق در سال ۱۳۸۸ حذف شد و به این ترتیب، میزان صدور خدمات فنی و مهندسی کشور به کمتر از یک میلیارد دلار در سال رسیده است، درحالی که ظرفیت کشور در این حوزه، ۲۵ میلیارد دلار در سال است.

مهندس انصاری سپس کارنامه فعالیت مهندسان ایرانی در خارج از کشور را عالی توصیف کرد و با بیان اینکه تاکنون ۶۴۰ ضمانتنامه برای شرکت‌های صادرکنندهٔ خدمات فنی و مهندسی صادر شده و از این تعداد، فقط یک ضمانتنامه ضبط شده و پیمانکاران و مهندسان کشور، جوایز متعددی را از روسای جمهور کشورهای محل اجرای پروژه‌شان دریافت کرده‌اند، خواستار برقراری مجدد جایزه صادراتی و تسهیل شرایط برای رشد صدور خدمات فنی و مهندسی و بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌های کشور در این حوزه شد.

آماده‌سازی شرایط حضور بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری

مهندس مسگرپور، دبیر هیأت اجرایی شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی، حرفه‌ای کشور نیز طی سخنانی در این همایش، از نیروی انسانی کارآمد و داشتن مرز مشترک با ۱۵ کشور به عنوان مزیت‌های نسبی کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی یاد کرد و متذکر شد که لازمهٔ استفاده از مزیت‌های کشور در پسابرجام، وجود قوانین و مقررات تسهیل کنندهٔ جذب سرمایه‌گذاری خارجی و هماهنگی با قوانین و مقررات جهانی است.

وی سپس اظهار داشت که در سال‌های اخیر، دولت قصد دارد به جای سرمایه‌گذاری در امر توسعه، به سیاستگذاری در این زمینه بپردازد و بنابراین، سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی واگذار می‌شود و بخش خصوصی باید آمادگی برعهده‌گرفتن این وظیفه جدید را داشته باشد و به تبع آن، از دولت انتظار داریم که زمینه‌های لازم را برای این تغییر فراهم کند تا بخش خصوصی بتواند با تشکیل شرکت‌های

مهندس مسگرپور متذکر شد که لازمهٔ استفاده از مزیت های کشور در پسابرجام، وجود قوانین و مقررات تسهیل کنندهٔ جذب سرمایه گذاری خارجی و هماهنگی با قوانین و مقررات جهانی است.

سرمایه‌گذار، شرکت- پروژه‌ها، جذب سرمایه از داخل و خارج از کشور، جذب سرمایه از مردم و فروش اوراق مشارکت، به سرمایه‌گذاری در توسعه زیربناها بپردازد.

مهندس مسگرپور همچنین آمادگی شورای هماهنگی تشکل‌ها برای همکاری با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در زمینه قراردادهای تیپ فیدیک، تدوین آیین‌نامه‌های بهبود فضای کسب و کار، تدوین سیاست‌های مربوط به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تهیه قراردادهای گروهی و سایر زمینه‌های مرتبط را اعلام کرد.

حمایت از ماندگاری شرکت‌ها

مهندس غلامرضا شافعی، معاون فنی و توسعه امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز طی سخنانی در این همایش، یکی از رموز پیشرفت کشورهای صنعتی و پیشرو را، نهادینه‌کردن و عمر طولانی شرکت‌های حوزه پیمانکاری و مشاوره صنعت و معدن و کشاورزی دانست و یادآور شد که اگرچه در کشور ما از قرن‌ها و شاید هزاران سال قبل، صنعت مهندسی وجود داشته، ولی هیچگاه به ایجاد بنگاه‌های ماندگار منجر نشده است. وی سپس خاطرنشان ساخت که تقدیر از پیشکسوتان صنعت احداث در این همایش، در راستای اعتقاد به حمایت از تداوم فعالیت شرکت‌های مهندسی صورت می‌گیرد.

معاون فنی و توسعه امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی همچنین با تأکید بر توجه جدی به کیفیت و امر نظارت در اجرای پروژه‌ها اظهار داشت که باید کسانی به عنوان ناظر انتخاب شوند که دارای استقلال رأی باشند و همه عوامل پروژه هم استقلال ناظر را بپذیرند. وی در ادامه با اشاره به تدوین شرایط احراز صلاحیت مجریان در سال گذشته و ارسال آن به دستگاه‌های اجرایی، اظهار امیدواری کرد که ضوابط مذکور مورد توجه مسوولان مربوطه قرار گیرد و مجریان صاحب صلاحیت برای اجرای طرح‌ها انتخاب شوند.

فرصت استفاده بخش خصوصی از منابع صندوق توسعه ملی

مهندس شافعی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به محدودیت منابع مالی دولت برای اجرای پروژه‌های ناتمام، بر لزوم جذب منابع داخلی از طریق پیمانکاران و مشاوران تأکید کرد. وی سپس درخصوص استفاده از منابع صندوق توسعه تصریح کرد: تاکنون ۲۰ درصد از عایدات حاصل از فروش نفت و گاز در صندوق توسعه ملی ذخیره می‌شد، اما مطابق پیش‌بینی برنامه ششم توسعه، این میزان به ۳۰ درصد خواهد رسید که البته در سال ۹۵، به علت محدودیت منابع، همان ۲۰ درصد به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود، ولی از آن پس، همان ۳۰ درصد واریز می‌شود و علاوه بر آن، هرسال دو واحد درصد به این عدد اضافه خواهد شد.

مهندس شافعی همچنین از فعالان بخش خصوصی صنعت احداث خواست که برای استفاده بهتر از منابع صندوق توسعه ملی، بخش‌های مرتبط در قانون برنامه ششم و لایحه بودجه سال ۹۵ را مطالعه کنند.

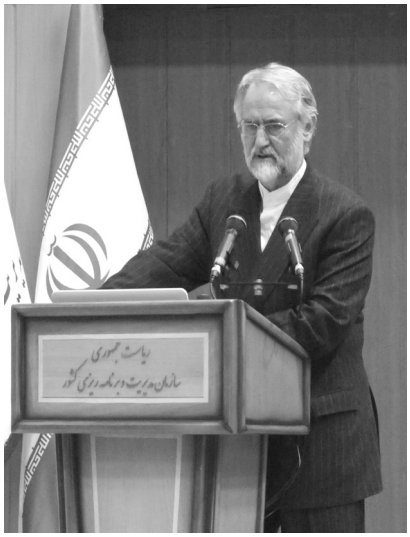

مهندس شافعی با اشاره به محدودیت منابع مالی دولت برای اجرای پروژه های ناتمام، بر لزوم جذب منابع داخلی از طریق پیمانکاران و مشاوران تأکید کرد.

فعالیت درخور تحسین یک شرکت عضو سندیکا

لازم به ذکر است که در پایان این همایش، از ۱۱ شرکت پیمانکار و مشاور پیشکسوت و پنج شرکت دارای فعالیت درخور تحسین صنعت احداث با اهدای لوح یادمان، قدردانی شد. یکی از این شرکت‌ها، شرکت مهندسی جروند به مدیریت مهندس میرصمد حبیبی پاسدار با ۳۶ سال سابقه فعالیت درخور تحسین است که در سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران عضویت دارد. مجله توسعه تأسیسات و تجهیزات این موفقیت را به ایشان تبریک می‌گوید.

گزارشی از :

بیست و یکمین نمایشگاه صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی ایران

در روز شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی با افزایش ۳۰ درصدی کشورهای شرکت کننده در این رویداد مهم، آغاز به کار کرد.

گزارش های منتشرشده در جراید مختلف به طور کلی، حاکی از آنند که نمایشگاه امسال شلوغ بود، زیرا حدود ۹۰۰ شرکت داخلی و ۸۸۰ شرکت خارجی در این نمایشگاه حضور داشتند. شرکت‌های خارجی هم از ۳۸ کشور دنیا شامل آلمان، اوکراین، چین، سوییس، ایتالیا، امارات، ارمنستان، اتریش، بلژیک، فرانسه، هنگ کنگ، هند، مالزی، موناکو، هلند، لهستان، آمریکا، کانادا، ونزوئلا، کره جنوبی، استرالیا، روسیه، اسپانیا، سنگاپور، ترکیه، انگلستان، جمهوری آذربایجان، نروژ، سوئد، برزیل، بلغارستان، رومانی، ژاپن، نیوزیلند، تایوان، پرتغال، اندونزی و فنلاند بودند، اما برخلاف سال قبل که نمایشگاه در قرق شرکت‌های چینی بود، امسال تعداد معدودی شرکت چینی در آن حضور داشتند.

به گزارش شانا، نمایشگاه بیست و یکم، نخستین نمایشگاه صنعت نفت ایران است که بعد از برچیده‌شدن تحریم ها علیه ایران و آغاز اجرای برجام، برگزار می شود و همین فضای امیدوار کننده، منجر به افزایش ۶۴ درصدی حضور شرکت های بین‌المللی نفت نیز شده است.

نمایشگاه نفت در ایران در مقایسه با نمایشگاه نفت در دیگر کشورها، بسیار گسترده است و سازماندهی بسیار خوبی هم دارد.

صادرات نفت خام ایران از مرز دو میلیون بشکه در روز گذشت

رکن الدین جوادی، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران و معاون وزیر نفت، نمایشگاه بین المللی نفت تهران را فرصت مناسبی برای آشنایی شرکت های داخلی و خارجی با یکدیگر می داند و معتقد است که این رویداد، زمینه را برای خودکفایی بیشتر در صنعت نفت و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم می کند. وی سپس با بیان این که تولید نفت خام ایران به روزانه سه میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه رسیده و به زودی این رقم به سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد، افزود: میانگین صادرات نفت خام ایران به روزانه دو میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. وی افزود: صادرات نفت خام ایران تا پایان امسال، به ۲/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و همراهی ایران با طرح فریز نفتی هم بستگی به سیاست های وزارت نفت دارد.

در مذاکرات با نمایندگان شرکت‌های خارجی، اولویت نخست مشارکت در ساخت طرح‌های جدید پتروشیمی است.

علی اکبر شعبانپور، مدیر عامل شرکت نفت وگاز پارس نیز در جریان برگزاری این نمایشگاه گفت: هم اکنون تولید میعانات گازی در میدان گازی پارس جنوبی، از مرز ۵۰۰ هزار بشکه در روز گذشته و بیش از ۵۰ درصد گاز تولیدی کشور از پارس جنوبی تامین می شود.

عادل نژادسلیم، مدیر عامل شرکت هلدینگ خلیج فارس نیز با تأکید بر این که در مذاکرات با نمایندگان شرکت های خارجی، اولویت نخست ما مشارکت در ساخت طرح های جدید پتروشیمی است، گفت: تأمین منابع مالی و انتقال فناوری، از دیگر اولویت های ما در مذاکرات با شرکت های خارجی می باشد. وی افزود: در آینده بسیار نزدیک، برخی تفاهمنامه های مربوط به حوزه فاینانس منجر به عقد قرارداد و تزریق منابع ارزی خواهد شد، اما به دلیل تعهدات داده شده به طرف های خارجی مبنی بر افشانکردن اطلاعات، از بازگوکردن اطلاعات بیشتر معذورم.

حسین علیمراد، سرپرست مدیریت سرمایه گذاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز با بیان این که طی ماه‌های گذشته بسیاری از بانک‌های معروف اروپایی تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران مطابق شرایط این شرکت اعلام کرده‌اند، گفت: در این میان، شرکت‌های آلمانی و کره‌ای جدیت بیشتری دارند.

نمایشگاه از نگاه مهمانان خارجی

مدیر فروش شرکت انگلیسی بروکسبنک که جزو شرکت کنندگان این نمایشگاه بود، اعلام کرد: پیشرفت نمایشگاه نفت و حضور شرکت‌های بین‌المللی در این نمایشگاه، نسبت به سال‌های گذشته چشمگیر بوده است. مدیر فروش شرکت انگلیسی انگوس فایر هم که برای نخستین بار در نمایشگاه بین‌المللی نفت ایران شرکت کرده، با ابراز رضایت از نحوه سازماندهی این نمایشگاه، گفت: مشارکت در این نمایشگاه از نظر شرکت کنندگان و بازدیدکنندگان زیاد است. مدیرعامل شرکت کوموتو از کشور کره جنوبی نیز گفت: این شرکت تاکنون شش بار در نمایشگاه بین‌المللی صنعت نفت ایران حضور یافته و هر بار، به ویژه این بار که تحریم‌ها لغو شده، بهتر از دوره گذشته شده است. وی افزود: این شرکت در بهره‌برداری از فازهای ۱۲، ۲۱ و

با وجود تحریم‌ها، درآمد شرکت‌ها به شدت کاهش یافته بود، اما اکنون نوید افزایش درآمد و سودآوری نیز در بازار وجود دارد.

۲۲ پارس جنوبی با شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز ایران، همکاری دارد. مدیر بازاریابی شرکت آلمانی آر اچ آی نیز گفت: بیش از ۳۰ سال است که با ایران همکاری تجاری داریم و اکنون همه کشورها مایل به همکاری با ایران هستند. من تصور نمی‌کردم که تعداد حضوریافتگان بین‌المللی در نمایشگاه نفت ایران در این وسعت باشد.

رییس واحد فنی و علمی شرکت سوکار از جمهوری آذربایجان نیز ضمن بیان تجربیات خود از حضور در نمایشگاه صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی اظهار امیدواری کرد که پایان تحریم‌ها، تأثیر مثبتی بر روابط دوجانبه ایران و آذربایجان بگذارد. این مدیر آذربایجانی در پایان گفت: نمایشگاه نفت در ایران در مقایسه با نمایشگاه نفت در دیگر کشورها بسیار گسترده و متنوع است و همواره با استقبال زیادی روبروست و ایران ظرفیتی بالا دارد.

نایب رییس شرکت زیمنس و مسوول ارتباطات و امور دولتی این شرکت در خاورمیانه که جزو مهمانان خارجی حاضر در نمایشگاه بود، با بیان اینکه زیمنس به بازگشت به بازار ایران افتخار می‌کند، افزود: زیمنس آمادگی دارد تا به صنعت نفت و گاز ایران در حوزه‌های برق، اتوماسیون و دیجیتالیزه کردن تاسیسات کمک کند. شرودر سپس به قرارداد اخیر زیمنس با شرکت توربو کمپرسور نفت اشاره کرد و افزود: ما با وزارتخانه‌ها و شرکت‌های ایرانی برای گسترش همکاری‌ها در حال مذاکره هستیم.

مدیر فروش و صادرات شرکت گریف ولوکس آلمان هم که در زمینه ماشین‌آلات مدرن فعالیت می‌کند، اظهار کرد: گریف ولوکس تصمیم به تأسیس شرکت‌های وابسته دیگری پس از پایان تحریم‌ها دارد. وی افزود: این شرکت با شرکت‌های پتروشیمی آبادان، غدیر، بندر امام و کارون همکاری می‌کند و نخستین باری است که در نمایشگاه بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی ایران شرکت می‌کند.

مدیر فروش منطقه شرکت ایتالیایی پیتروفیورنتینی نیز اظهار کرد که این شرکت همکاری خود با ایران را در دوره پساتحریم ازسر می‌گیرد. وی سپس ابراز خرسندی کرد که پایان تحریم‌ها فرصت بسیار خوبی را به منظور همکاری با شرکت‌های ایرانی فراهم آورد.

یکی از بازدیدکنندگان خارجی می‌گوید: ما بیشتر تمایل داریم در حوزه‌هایی که قبلاً هم در آنها کار کرده‌ایم، فعال باشیم، چراکه موقعیت زمین‌شناختی و جغرافیایی آن مناطق را به خوبی می‌شناسیم.

این مدیر ایتالیایی در پایان گفت: نمایشگاه نفت در ایران در مقایسه با نمایشگاه نفت در دیگر کشورها، بسیار گسترده است و سازماندهی بسیار خوبی هم دارد.

تجربه خودمانی‌ها

گزارش ها نشان می دهند که شرکت‌های داخلی نیز امسال نظر مساعدتری درباره حضور در نمایشگاه داشتند. در همین راستا یکی از کارشناسان فروش محصولات شرکت پتروشیمی جی گفته است: نمایشگاه به نسبت دوره‌های قبل بازدیدکنندگان خارجی و همینطور بازدیدکنندگان داخلی بیشتری داشت. به گفته او، بیشترین تعداد مشتریان هم به کشورهای آسیایی تعلق داشتند. او می‌گوید: عمده مشتریان ما از بنگلادش، افغانستان، پاکستان و هند بوده‌اند. البته بازدیدکننده اروپایی نیز داشتیم. البته به

گفته این کارشناس فروش، بیشتر شرکت‌های حاضر در نمایشگاه، مشتریان خاص خود را دارند، اما این بازدیدکنندگان در حقیقت مشتریانی بالقوه هستند که در آینده احتمالاً بالفعل خواهند شد. او در باره انتخاب مشتریان آسیایی از سوی شرکت‌های مشابه می‌گوید: بازار اروپا برای بسیاری از شرکت‌ها منفعتی ندارد و مقرون‌به‌صرفه نیست، چون در آن‌جا شرکت‌های بزرگی حضور دارند که نیاز آن بخش را تامین می‌کنند. در نتیجه، بیشتر محموله‌های ایرانی در نهایت به شرکت‌هایی در آسیای شرقی، بخشی از آفریقا، هند، چین و مصر می‌رسند.

یکی دیگر از شرکت‌های ایرانی حاضر در این نمایشگاه، پتروشیمی خارک است. به گفته آزیتا همایون‌پور، سرپرست فروش این شرکت، نمایشگاه امسال در مقایسه با سال‌های قبل، پربارتر بود. او در ادامه افزود: بیشتر مشتریان ما از چین و هند هستند و البته بازدیدکنندگان متعددی نیز از کنیا داشتیم. او معتقد است که با رفع تحریم‌ها، اوضاع بهتر می‌شود. همایون‌پور در این‌باره اضافه می‌کند: شرکت‌های اروپایی، ژاپنی و کره‌ای که به دلیل تحریم‌ها ایران را ترک کرده بودند و تا ماه آوریل سال جاری هیچ تماسی برای ادامه همکاری نداشتند، دوباره بازگشته‌اند، حتی شرکت‌هایی که در دوبی دفتر داشتند و از این طریق برای خرید اقدام می‌کردند نیز دوباره برای خرید به ما رجوع کرده‌اند.

او درباره مشتریان قدیمی هندی و چینی شرکت‌های پتروشیمی که در دوران تحریم‌ها خریدار اصلی محصولات ایرانی بوده‌اند نیز توضیح می‌دهد: واضح است که یک‌سری خریدارهای درجه یک چینی و هندی در دوران تحریم‌ها داشته‌ایم. این شرکت حاضر نیست این مشتریان را کنار بگذارد و دوباره از طریق واسطه به فروش محصول بپردازد. بنابراین، در این بازارها مشتری جدید جذب نمی‌کنیم. به گفته همایون‌پور در دوران تحریم، حجم فروش محصولات شرکت متبوعش تغییری نکرده بود، اما در مقابل کشورهای حوزه خلیج فارس موضع پایین‌تری داشتند و مجبور بودند برای فروش تخفیف قایل شوند، زیرا محموله‌هایشان خریداری نداشته‌اند. او می‌افزاید: بعد از تحریم‌ها، تناژ تولید ما تفاوتی نکرده است، اما سود بیشتری خواهیم داشت، زیرا به‌عنوان مثال، در صادرات محصولات گازی مجبور بودیم از واسطه استفاده کنیم، یا ناچار بودیم که محموله خود را به شرکت‌های درجه سه بفروشیم، اما حالا می‌توانیم مشتریان درجه یک خودمان را داشته باشیم و از بازگشت پول خود مطمئن باشیم.

OMV در انتظار نهایی‌شدن قراردادهای جدیدنفتی

بنا به گزارش شهروند، یکی از تفاوت‌های نمایشگاه امسال در مقایسه با سال گذشته، غرفه شرکت‌های بزرگی مانند زیمنس، OMVاتریش، لینده آلمان و لوک اویل روسیه بود. مطابق این گزارش، در سال گذشته، بیشتر نمایندگان شرکت‌های بزرگ نفتی چراغ خاموش در نمایشگاه حضور داشتند، یعنی از خبرنگاران فرار می‌کردند و حاضر به هیچ‌گونه اظهار نظری نبودند، درحالی که امسال نمایندگان بیشتر این شرکت‌ها منتظر خبرنگاران بودند. در این میان، غرفه شرکت OMV اتریش بسیار شلوغ بود و علاوه بر خبرنگاران مختلف، مشتریان قدیمی و جدید متعددی از آن بازدید می‌کردند. با وجود این «اروین کرول» نایب رییس مدیر ارشد بخش خاورمیانه و آفریقای این شرکت، بدون مقدمه و در ابتدای مصاحبه می‌گوید: ما در عراق، یمن و امارات متحده عربی در حال فعالیت هستیم. همچنین فعالیت‌هایی در ایران و پاکستان نیز داریم و ایران یکی از مهم‌ترین مشتریان ما به حساب می‌آید. کرول پس از شرح سابقه فعالیت در ایران، می گوید: در حال حاضر، مشغول مذاکره با وزارت نفت ایران هستیم، ولی هنوز درباره پروژه خاصی تصمیم نگرفته‌ایم، اما فکر می‌کنم که مهم‌ترین نکته، نهایی‌شدن قراردادهای جدید نفتی ایران باشد و پس از آن، باید منتظر برگزارشدن مناقصات بود تا شرایط نهایی قراردادها هم مشخص باشد. طبق این گزارش، او تمایلی ندارد از پروژه‌های مورد نظر خود در ایران نامی ببرد و می‌گوید: ما بیشتر تمایل داریم در حوزه‌هایی که قبلاً هم در آنها کار کرده‌ایم، فعال باشیم، چراکه موقعیت زمین‌شناختی و جغرافیایی آن مناطق را به خوبی می‌شناسیم.

او راجع به مشکلات هم صحبت می‌کند و در باره یکی از موانع فعالیت در ایران می‌افزاید: هرچند که تحریم‌های اولیه برداشته شده، اما بخش ثانویه آن هنوز پابرجاست. سیستم بانکی هنوز به‌طور کامل کار نمی‌کند و انتقال پول هم کمی مشکل است، اما واقعیت این است که در بخش نفت و گاز ایران، فرصت‌های ایده‌آلی وجود دارد. وقتی که از او در باره رقابت با شرکت‌های دیگر در صنعت نفت ایران می‌پرسم، می‌گوید: بازار ایران چنان وسیع است که رقابت در آن معنایی ندارد و هر شرکتی می‌تواند در آن فعالیت کند.

منبع:
–خبرگزاری شانا
–شهروند، مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۵

فضای کسب و کار ایران، آماده جهش

گرچه طی سال‌های گذشته، فضای کسب و کار در ایران به مراتب بدتر شده بود، اما به نظر می‌رسد که تلاش‌های دولت یازدهم باعث شده است که با بهبود شاخص‌های مختلف، محیط کسب و کار ارتقا یابد، به طوری که بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود، از صعود ایران در رده‌بندی جهانی فضای کسب و کار خبر داده و اعلام کرده است که ایران رتبه ۱۱۸ را بین ۱۸۹ کشور به دست آورده است.

براساس گزارش بانک جهانی، ایران امسال در رده‌بندی جهانی فضای کسب و کار، در میان ۱۸۹ کشور در رده ۱۱۸ جهان قرار گرفته و نسبت به سال قبل، تنها یک پله صعود داشته است.

بانک جهانی در تازه ترین گزارش خود موسوم به «گزارش فضای کسب و کار ۲۰۱۶» به مقایسه وضعیت ۱۸۹ کشور جهان از نظر سهولت فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت فضای کسب و کار آنها پرداخته است. براساس ارزیابی این نهاد بین‌المللی که بر پایه آمار مربوط به یک ساله منتهی به ژوئن ۲۰۱۵ (خرداد ۹۴) تهیه شده، فضای کسب و کار در ایران بهبود نسبی داشته است.

براساس گزارش بانک جهانی، ایران امسال در رده‌بندی جهانی فضای کسب و کار در میان ۱۸۹ کشور در رده ۱۱۸ جهان قرار گرفته و نسبت به سال قبل تنها یک پله صعود داشته است. درعین حال، این نهاد بین‌المللی ارزیابی خود از وضعیت فضای کسب و کار ایران در سال قبل را نیز مورد اصلاح قرارداده و رتبه ایران در پایان این سال را ۱۱۹ اعلام کرده است. یادآوری می‌نماید که درگزارش سال گذشته بانک جهانی، رتبه جهانی ایران از نظر فضای کسب و کار ۱۲۰ اعلام شده بود که درگزارش امسال این رقم به ۱۱۹ اصلاح شده است. براین اساس، درمجموع، رتبه ایران بهبود داشته است.

شایان ذکر است که شاخص کلی فضای کسب و کار بر پایه ۱۰ شاخص کوچکتر با عناوین آغاز کسب و کار،کسب مجوز، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاری، مالیات، تجارت، اجرای قراردادها و ورشکستگی و دریافت انرژی برق محاسبه می‌شود. این شاخص در واقع، نشان دهنده سهولت و مناسب بودن فضای عمومی هر کشور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است. نمره ایران در شاخص کلی فضای کسب و کار ۵۷/۴۴ اعلام شده، در حالی که در سال گذشته، نمره ایران ۵۶/۷۴ بوده است. در جهان سنگاپور با نمره ۸۷/۳۴ رتبه نخست از نظر فضای کسب و کار را به خود اختصاص داده و نیوزیلند و دانمارک به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را از این نظر به خوداختصاص داده‌اند. کشور آفریقایی اریتره نیز در رتبه آخر قرار گرفته است.

شاخص‌های راه‌اندازی کسب و کار در ایران سخت‌تر شد.

بر اساس این گزارش، سختی آغاز کسب و کار در ایران طی یک سال گذشته، بیشتر شده است. ایران از لحاظ شاخص آغاز کسب و کار در رتبه ۸۷ قرار دارد که نسبت به سال گذشته، پنج پله نزول داشته است. ایران از این نظر در گزارش سال گذشته، در رتبه ۸۲ جهان قرار داشت.

شاخص آغاز کسب و کار بر پایه چهار فاکتور: تعداد رویه‌های قانونی لازم برای آغاز کسب و کار، زمان لازم برای آغاز و راه‌اندازی یک کار، هزینه متوسط آغاز یک کار و حداقل سرمایه لازم برای آغاز یک کار محاسبه می‌شود. تعداد رویه‌های قانونی لازم برای آغاز کسب و کار در ایران هشت فقره، زمان لازم برای آغاز کسب و کار در ایران، ۱۵ روز و هزینه آغاز کسب و کار در ایران، معادل ۲/۷ درصد درآمد سرانه ملی محاسبه شده است. به‌علاوه، حداقل سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب و کار معادل صفر درصد درآمد سرانه اعلام شده است.

شاخص کلی فضای کسب و کار بر پایه ۱۰ شاخص کوچکتر با عناوین آغاز کسب و کار، کسب مجوز، ثبت دارایی ها، کسب اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاری، مالیات، تجارت، اجرای قراردادها و ورشکستگی و دریافت انرژی برق محاسبه می‌شود.

دریافت مجوز ساخت و ساز بهتر شد

اما ایران از نظر دریافت مجوزهای ساختمانی در رده‌بندی جهانی ۲۹ پله صعود داشته است که نشان می‌دهد سازوکار دریافت مجوزهای ساختمانی در ایران طی یک سال گذشته آسان‌تر شده است، در حالی که ایران از این نظر در سال گذشته، در رتبه ۹۸ جهان قرار داشت. ایران از این لحاظ در گزارش جدید بانک جهانی، رتبه ۶۹ را به دست آورده است. تعداد رویه‌های قانونی لازم برای کسب مجوزهای ساختمانی در ایران، ۱۵ عدد بوده است. مدت زمان اخذ مجوزهای ساختمانی نسبت به سال گذشته کاهش قابل توجه داشته و از ۳۱۸/۵ روز به ۹۷ روز کاهش یافته است. میزان هزینه لازم در این زمینه نیز معادل ۲/۱ درصد ارزش خانه مربوطه برآورد شده است. این رقم در سال گذشته بیش از پنج درصد بود. نمره ایران

مدت زمان لازم برای اخذ مجوزهای ساختمانی، نسبت به سال گذشته کاهش قابل توجه داشته و از ۳۱۸/۵ روز، به ۹۷ روز کاهش یافته است.

از نظر شاخص کنترل کیفیت ساختمان نیز ۸/۵ اعلام شده است.

نزول دو پله‌ای ایران در رده‌بندی سهولت ثبت‌دارایی‌ها

از نظر ثبت دارایی‌ها، رتبه جهانی ایران دو پله سقوط داشته است. در سال گذشته، رتبه ایران از این نظر ۸۹ بود، اما طی سال جاری جایگاه ایران به رتبه ۹۱ کاهش یافته است. لازم به ذکر است که ثبت دارایی‌ها در ایران، بیش از ۱۲ روز زمان می‌برد و هزینه ثبت دارایی‌ها در ایران نیز معادل ۶/۱ درصد ارزش دارایی بوده است. همچنین برای ثبت دارایی‌ها و اموال در ایران، باید به هفت سازمان و ارگان دولتی مراجعه کرد. نمره ایران از نظر شاخص کیفیت مدیریت زمین نیز ۱۵ اعلام شده است.

وام گرفتن همچنان دشوار

رتبه جهانی ایران از نظر سهولت دریافت وام و مطلوبیت قوانین و مقررات مربوط به آن نیز پس‌رفت داشته است. به عبارت دیگر، ایران از این نظر در سال گذشته در رتبه ۹۰ قرار داشت، ولی در سال جاری به جایگاه ۹۷ تنزل یافته است. شاخص‌هایی که برپایه آنها این رتبه تعیین شده، عبارتند از: شاخص قدرت حقوق قانونی که ایران در آن از ۱۲ نمره دو را به دست آورده و شاخص عمق اطلاعات اعتباری که نمره ایران از هشت نمره هفت اعلام شده است.

حمایت از سرمایه‌گذاران کمتر شد

از نظر حمایت از سرمایه گذاران، رتبه جهانی ایران طی یک سال گذشته یک پله نزول داشته است. در گزارش جدید بانک جهانی، رتبه ایران از نظر حمایت از سرمایه گذاران، ۱۵۰ اعلام شده که نسبت به سال گذشته یک پله بدتر شده است. ایران در سال گذشته رتبه ۱۴۹ را از این نظر به خود اختصاص داده بود.

رتبه جهانی ایران از نظر پرداخت مالیات‌ها

در ایران افراد حقیقی و حقوقی باید ۲۰ نوع مالیات به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بپردازند که نسبت به سال گذشته تغییری نداشته است. همچنین برای محاسبه و پرداخت مالیات در ایران، بیش از ۳۴۴ ساعت زمان لازم است. نرخ کلی مالیات در ایران در سطح ۴۴/۱ درصد سود برآورد شده که نسبت به سال قبل تغییری نکرده است. بر اساس این گزارش، رتبه ایران از نظر پرداخت مالیات‌ها یک پله نزول کرده و به ۱۲۳ رسیده است. رتبه ایران در سال گذشته از این نظر ۱۲۲ بوده است.

نزول یک پله‌ای ایران در رده‌بندی سهولت تجارت

کیفیت تجارت کالا در ایران نیز کاهش داشته و رتبه جهانی ایران از این نظر یک پله نزول داشته است. ایران از نظر کیفیت تجارت کالا در سال گذشته رتبه ۱۶۶ را به دست آورده بود، اما در سال جاری به رتبه ۱۶۷ تنزل پیدا کرده است. زمان لازم برای صادرات کالا از طریق مرزها در ایران ۱۰۷ روز و هزینه صادرات برای هر کانتینر نیز ۵۶۵ دلار برآورد شده است. برای واردات کالا از طریق مرزهای ایران نیز به ۱۴۸ روز زمان نیاز است. هزینه واردات کالا به ایران نیز برای هر کانتینر ۶۶۰ دلار اعلام شده است.

رتبه ایران از نظر سهولت اجرای قراردادها تغییرنکرد

برای نهایی شدن و اجرای قراردادهای تجاری در ایران، بیش از ۵۰۵ روز زمان نیاز است و از نظر کیفیت رسیدگی قضایی به این موضوع هم از ۱۸ نمره، نمره ۶/۵ به ایران داده شده است. رتبه ایران از نظر سهولت اجرای قراردادهای تجاری در سطح جهان نسبت به سال گذشته تغییری نداشته و در سطح ۶۲ باقی مانده است.

رتبه ۱۴۰ ایران از نظر تعطیلی شرکت‌ها

بر اساس این گزارش، رتبه ایران در زمینه ورشکستگی و پایان‌یافتن یک فعالیت تجاری، سه پله نزول داشته و از ۱۳۷ در سال گذشته، به ۱۴۰ در گزارش امسال رسیده است. زمان مربوط به تعطیلی یک کارگاه اقتصادی در ایران، ۶/۵ سال اعلام شده است. در شاخص کیفیت مقررات اعلان ورشکستگی، نمره ایران از ۱۶ نمره، هفت اعلام شده است. در شاخص مدیریت دارایی‌های فرد یا شرکت ورشکسته نیز نمره ایران از شش نمره، سه اعلام شده است.

منبع:
http://iran-newspaper.com/Newspaper/BlockPrint/122059

برای ثبت دارایی‌ها و اموال در ایران، باید به هفت سازمان و ارگان دولتی مراجعه کرد.

فنی

جستجو و تحلیل برای

تقلیل گرمازایی همراه با فعالیت‌های اجتماعی

بخاطر رفع نیازمندی ها و رفاه در سطح جهانی

● مهندس منوچهر معتمدی کردستانی

حضور نمایندگان یکصدونود کشور جهان در اجلاس اخیر پاریس و دستیابی به یک توافق جهانی در مورد جلوگیری از بالارفتن تدریجی و خطرناک درجه حرارت زمین که گزارش آن را در شماره قبل همین مجله ملاحظه فرمودید، اثرات گسترده و بسیار خوشایندی داشت و موجب امیدواری است. بدون تردید، چنانچه همه ما متفقاً و با اقدامی ثابت در مسیر این مقصود جدی نباشیم، با گذشت زمان هم‌هماهنگی‌های دست‌جمعی کنونی و دستاوردهای توافقنامه مزبور با خلل توام خواهندشد و هم از آثار ناخواسته خطرات تزایدی ناشی از این بلیه جهانی در رنج بیشتری خواهیم بود.

امضای این موافقتنامه، نشانه ای از این اجماع همگانی است که جلوگیری از افزوده‌شدن دمای زمین، مسأله‌ای جدی و جهانی است و نیل به این مقصود هم در بسیاری از موارد، مستلزم بعضی تغییرات نواندیشانه است، تغییراتی همچون کاهش مصرف ذخایر سوخت زیرزمینی و در توازی با آن، استفاده از انرژی‌های تجدیدشونده، هم در سطح زمین و هم در اعماق زمین، یعنی راهکارهایی که متأسفانه تاکنون به‌طور جدی مورد نظر و استفاده واقع نشده‌اند.

بدیهی است که هر اندازه برنامه‌های اجرایی در راه بهسازی‌های صنعتی و رفع نیازهای اجتماعی در این راه بیشتر باشد، موفقیت‌های چشمگیرتر و ارزشمندتری را شاهد خواهیم بود، مثلاً یکی از راه‌های تقلیل در مصرف مولفه‌های انرژی، افزایش بازده واحدهای صنعتی است. یکی از طرق افزایش بازده در مورد ماشین‌های حرارتی نیز افزودن اختلاف درجه حرارت سیال‌های ورودی و خروجی ماشین‌های مزبور است و شاید در بعضی از حالات میسر باشد که برای افزودن به این اختلاف درجه حرارت، از انرژی‌های تجدیدشونده مانند انرژی خورشیدی استفاده شود، کاری که تاکنون عملی نشده است. درواقع، استفاده از انرژی گرمایی تجدیدشونده خورشیدی برای رفع نیازهای بزرگ و متعدد صنعتی در جهان، تاکنون به‌جز موارد معدود، سهم کاربردی چشمگیری نداشته است.

فهرست مصرف کنندگان عمده انرژی

اما به‌منظور موفقیت بیشتر در تقلیل مصرف انرژی، شایسته است که مراتب عمده و مختلف مصارف اصلی انرژی را به‌طور ردیفی جمع‌بندی کنیم و آنها را مورد بررسی قرار دهیم و با دیدگاه‌های اصلاحی،

تغییرات ممکن را که می‌توانند موجب تقلیل مصرف انرژی شوند، آشکار نماییم. به همین خاطر، اقلام اصلی مصرف‌کنندگان انرژی را به‌شرح زیر مرتب نموده و اضافه می‌نماییم که این فهرست به‌طور کامل و جامع نمی‌تواند دربرگیرنده تمامی مصرف‌کنندگان باشد، زیرا تهیه فهرست کامل آن نه تنها در این مختصر نمی‌گنجد، بلکه از توان نگارنده هم خارج است و شایسته است که فرزانگان متخصص در این زمینه دست به کار شوند. اقلام اصلی و مهم مصرف‌کنندگان انرژی در حال حاضر به شرح زیر می‌باشند:

۱) کلیه ساخت‌وسازها و نوسازی‌های شهری شامل واحدهای مسکونی، اداری، آموزشی، تجاری، خدماتی، ارتباطی، ورزشی، فرهنگی، تفریحی، فضای سبز، راه‌های دسترسی شهری، پایانه‌های زمینی و دریایی، فرودگاه‌ها و ارتباطات ریلی شهری و بین شهری.

۲) ساخت‌وساز تاسیسات شهری شامل نیروگاه‌ها، شبکه‌های برق، آب، فاضلاب، گاز و ارتباطات الکترونیک.

۳) ساخت‌وسازهای مربوط به معادن شامل اکتشاف، گردآوری و خالص سازی مواد معدنی و دستیابی به مواد اولیه برای مصارف صنعتی.

۴) ساخت‌وساز صنایع مربوط به تولید وسایل و تجهیزات خانگی و اداری و کارگاهی مورد نیاز برای ایجاد رفاه و رفع نیازمندی‌ها در تراز زندگی مدرن.

۵) ساخت‌وساز صنایع تولیدات مواد پتروشیمی از نفت و گاز طبیعی با شبکه‌های لازم برای انتقال، نگهداری، توزیع و فروش.

۶) فعالیت‌های بخش کشاورزی شامل:

۶/۱) مزارع و تأسیسات کشت و استحصال مواد استراتژیک، از جمله گندم، جو، برنج، ذرت، چغندر، نیشکر و پنبه.

۶/۲) ساخت و ساز صنایع و مجتمع‌های فراوری و نگهداری محصولات کشاورزی و بسته‌بندی.

۶/۳) ساخت‌وسازهای مربوط به کشت و استحصال مواد استراتژیک کشاورزی، مانند میوه، سبزی، قارچ، عسل و سیفی کاری‌ها.

۶/۴) مجموعه‌های پرورش انواع دام شامل طیور و چهارپایان و همچنین آبزیان.

۷) بخش حمل و نقل برای جابجایی‌ها با تاسیسات و ماشین‌آلات لازم.

۸) ساخت‌وسازهای بخش نگهداری از مواد آماده‌شده، بسته‌بندی، سردخانه‌ها.

۹) ساخت‌وسازهای مربوط به تجهیزات، ماشین‌آلات و ابزارهای سازنده.

مسلم است که تمامی موارد نه‌گانه فوق هم در دوران ساخت‌وساز و توسعه و نوسازی و هم در دوران بهره‌برداری، نیازمند مقادیر مناسبی انرژی و آب می‌باشند. ضمناً به‌خاطر تعالی تدریجی سطح زندگی و از طرف دیگر، به‌خاطر رشد جمعیت در دنیا، مرتباً مصرف انرژی و آب با گذشت زمان رو به تزاید بوده است. بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که ذخایر جهانی انرژی، با گذشت زمان، با سرعت شتابدارتری به پایان می‌رسند و همراه با آن، درجه حرارت زمین نیز با سرعت بیشتری بالا خواهد رفت و در نتیجه، یافتن روش مناسب برای تقلیل مصارف بالای انرژی، از اولویت برخوردار خواهد شد.

اینک با توجه به‌مراتب توضیحی فوق مشخص می‌شود که کل مصرف مولفه‌های انرژی مربوط به دو دوره است: یکی در دوران ساخت‌وساز و نوسازی ساختمان‌ها و دیگری، در دوران بهره‌برداری از آنها. حال باید از خود بپرسیم که از لحاظ مصرف انرژی برای دوران ساخت‌وساز، چه عیب و نقصی در روش‌های فعلی دیده می‌شود که می‌بایست مرتفع شوند؟

یکی از طرق افزایش بازده در مورد ماشین‌های حرارتی، افزودن اختلاف درجه حرارت سیال‌های ورودی و خروجی ماشین‌های مزبور است.

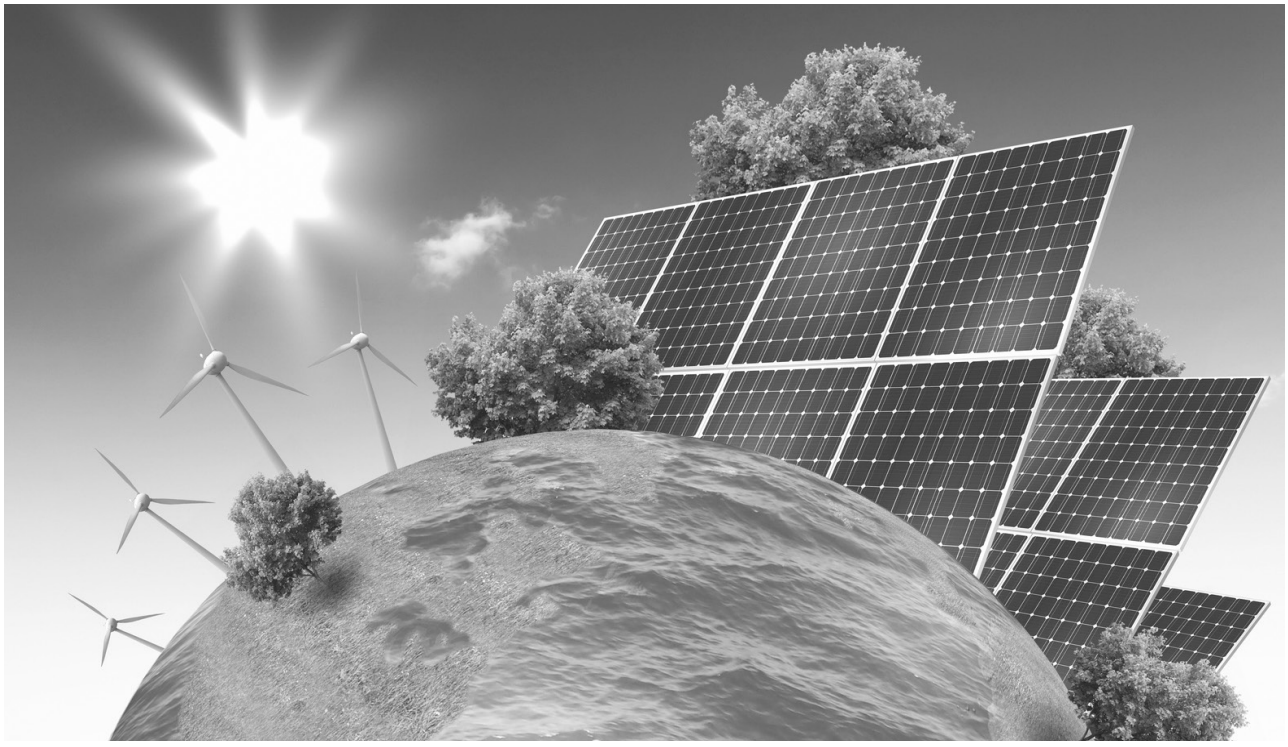

آسیب‌شناسی عملیات دوره ساخت و ساز

تصور عمومی در مرحله انتخاب مصالح و اجرای پروژه‌های مختلف، به‌گونه‌ای است که گویی قصد استفاده جاودان از آنها را داریم! و اصلاً به این فکر نیستیم که فرایند ساخت‌وساز باید برای یک دوره زمانی مناسب باشد، دوره‌ای که از قبل پیش‌بینی شده است. به همین علت، چنانچه خواسته باشیم کلاً و یا قسمتی از ساخته‌ها را مورد بازسازی قراردهیم، شکی نیست که قسمت قدیمی آنها را کاملاً تخریب می‌کنیم و مصالح حاصله از آنها را به‌صورت غیرقابل بازگشت و بازیافت و مانند خاکروبه دور می‌ریزیم و به جای آن، از مصالح نو و جدید استفاده می‌کنیم! شکی نیست که اعمال این روش، نیازمند صرف و حتی اتلاف انرژی و تقبل هزینه‌های بسیار بالاست، اما چنانچه مهندسان و معماران فرزانه، به‌گونه‌ای عمل کنند که مصالح ساخت‌وساز در هنگام تخریب، ضایع نشوند و قابل جداسازی و بازیافت به‌طور سالم باشند، درآن صورت، هم صرفه‌جویی بالایی در هزینه ساخت و نوسازی خواهیم داشت و هم زمان ساخت و مصرف مولفه‌های انرژی‌مان کاهش خواهد یافت.

استفاده از انرژی گرمایی تجدیدشونده خورشیدی برای رفع نیازهای بزرگ و متعدد صنعتی در جهان، به جز موارد معدود، سهم کاربردی چشمگیری نداشته است.

آسیب‌شناسی عملیات در دوره بهره‌برداری

به منظور تقلیل مصرف انرژی در طول دوران بهره‌برداری از سازه‌ها نیز لازم است که الزامات مربوط به سازگاری عملیات با شرایط سبز در مدنظر باشد و توجه داشته باشیم که این الزامات، فقط محدود به یک ساختمان با ارتفاع و ابعاد و جهت دلخواه نیست، بلکه لازم است که عملیات برابر آیین‌نامه به‌دقت تنظیم‌شده منطبق با شرایط سبز و متناسب برای کل منطقه انجام شود. مشخص است که در صورت رعایت شرایط سبز در مجموعه ساختمان‌ها، در مصرف مولفه‌های انرژی در طول بهره برداری نهایت صرفه جویی ممکن به‌عمل خواهد آمد.

با توجه به اینکه ایجاد تغییرات ضروری در ساخت‌وسازها و بهره‌برداری بهینه از آنها برای دستیابی به یک رژیم ماندگار به منظور حداکثر جلوگیری از افزایش دمای زمین، نیازمند زمانی طولانی است و این امر موجب می‌شود که بیشترشدن درجه حرارت زمین ادامه داشته باشد، لذا لازم است در فکر آن باشیم که چگونه در این راستا تعادل ممکن و مطمئن را به‌دست آوریم.

نور خورشید به‌طور دایم با شدتی معادل ۱/۹۴ کالری بر هر سانتیمترمربع در دقیقه در جهت عمود بر سطح کره ارض پرتوافشانی دارد و تنها عملکرد موثر آن علاوه بر اقدامات صرفه‌جویانه که قبلاً به‌طورخلاصه به آن اشاره شد، استفاده از نعمت فوتوسنتز است. در مورد عملیات فوتوسنتز لازم به یادآوری است که تمامی گیاهان ضمن رشد خود، با جذب انرژی از نور خورشید و جذب گاز انیدرید کربنیک که در هوای اتمسفر زمین محلول است، آنرا تجزیه نموده، کربن آنرا از طریق بافت‌های مویین خود جذب می نمایند تا برای ساخت سلول از آنها استفاده شود. اکسیژن آزادشده در اثر تجزیه انیدرید کربنیک را هم از طریق منافذ موجود در جدار برگ‌ها به اتمسفر زمین بازمی‌گردانند. به عبارت دیگر، ضمن تصفیه هوای زمین، کربن بجامانده از تجزیه را برای ساخت‌های سلولی خود مورد استفاده قرار می‌دهند و نتیجه کار چنان است که مقداری از انرژی حرارتی رسیده از خورشید، بدون آنکه موجب بالارفتن درجه حرارت

ذخایر جهانی انرژی، با گذشت زمان، با سرعت شتابدارتری به پایان می‌رسند و همراه با آن، درجه حرارت زمین نیز با سرعت بیشتری بالا خواهد رفت.

اتمسفر شود، به‌طور ذخیره جذب اتم‌های کربن تجزیه شده از گاز انیدرید کربنیک می‌شود و اینجاست که اهمیت حفظ و توسعه جنگل‌ها نمایان می‌شود و ما را از خطرات غیرقابل بازگشت ناشی از عدم نگهداری و حفظ به مورد جنگل‌ها آگاه می‌سازد.

نتایج ارزشمند عملیات فوتوسنتز

برای آن که معیاری علمی از نتایج ارزشمند عملیات فوتوسنتز در دست باشد، محاسبات زیر به استحضار می‌رسد: فرض کنیم برنامه‌ریزی برای توسعه، نگهداری و بهره‌برداری از جنگل‌ها، به بهترین وجه و موافق با شرایط استاندارد برقرار باشد و فرزانگان مسوول این امر نیز برنامه برداشت از محصول را به‌طریقی مدون نمایند که اولاً، امور حفاظت از جنگل‌ها در مقابل آتش سوزی‌ها و پارازیت‌ها مرتباً و تحت نظر گروه متخصص و مجهز به نحو شایسته انجام‌پذیر باشد و بهره‌برداری سالانه از جنگل را نیز به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که مثلاً طی یک دوره ۲۰ ساله، کلیه پهنه های جنگلی متدرجاً احیا و بازسازی شوند. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از جنگل به‌گونه‌ای باشد که در هر سال، پنج درصد کل مناطق جنگلی مورد بهره برداری و دوباره کاری واقع شود. حال اگر فرض کنیم که کل مساحت جنگل‌های ایران معادل چهار درصد مساحت کل کشور باشد، در این صورت، شرایط بهره‌دهی از جنگل‌ها و پیامدهای آن از لحاظ کاهش دمای زمین بعد از بیست سال اول به طور مرتب و سالانه به‌شرح زیر خواهد بود:

۱) مساحت کل کشور ایران تقریباً $۱۰^{۶}$ * ۱/۶ کیلومترمربع، معادل $۱۰^{۱۲}$ *۱/۶ مترمربع

۲) جمع مساحت جنگل‌ها در کشور

$۱۰^{۱۰}$ *۶/۴ = ۰/۰۴ * $۱۰^{۱۲}$ * ۱/۶ مترمربع

۳) تعداد درختان کشت‌شده

$۱۰^{۹}$ *۲/۵۶ = ۲۵ ÷ $۱۰^{۱}$ * ۶/۴ اصله

۴) تعداد اصله‌های برداشت‌شده در هر روز به‌طور متوسط ۳۵۰۶۸۵ = (۳۶۵ *۲۰) ÷ $۱۰^{۹}$ * ۲/۵۶ اصله

۵) وزن خشک محصول برداشت‌شده از هر اصله ۲۰ ساله که معادل ۱/۷ برابر وزن خشک تنه با قطر متوسط ۰/۱۲ متر و ارتفاع نُه متر می‌باشد، با وزن ویژه ۶۰۰ کیلوگرم در مترمکعب

۱۰۳ =۱/۷ * ۶۰۰ *۴÷۹*۳/۱۴ * $۰/۱۲^{۲}$ کیلوگرم

۶) وزن خشک محصول بهره‌برداری‌شده برای ۳۵۰۶۸۵ اصله مورد بهره‌برداری در هر روز معادل

۳۶۱۲۰۰۰۰ = ۳۵۰۶۸۵ *۱۰۳ کیلوگرم

۷) مقدار انرژی گرمایی نهان ذخیره‌شده در محصول روزانه ۲۱۶،۷۲۰،۰۰۰،۰۰۰ = ۶۰۰ * ۳۶۱۲۰۰۰۰

۸) برابری این ارزش حرارتی از محصول با انرژی حرارتی حاصل از نفت خام بر حسب تعداد بشکه در روز

۱۳۸۵۵۰ =(۰/۹ * ۱۵۸ *۱۱۰۰۰) ÷ ۲۱۶۷۳۰۰۰۰۰۰۰

نکته جالب توجهی که از نتایج این محاسبات به دست می آید، این است که در صورت بهره‌برداری صحیح از پهنه‌های جنگلی کشور، در هر روز حرارتی برابر با انرژی حرارتی حاصل از مصرف ۱۳۸۵۵۰ بشکه نفت خام، به‌جای اینکه صرف گرم‌شدن زمین گردد، به‌صورت گرمای نهان سوخت در محصول روزانه جنگل ذخیره می‌شود!

بهره گیری از فناوری GTL

راهکاری مناسب برای تحرک بخشیدن به صادرات گاز و تولید محصولات سوختی با کیفیت بالا

بخش پنجم و پایانی

● مهندس سید موسی میرقربانی گنجی

یکی از گزینه‌های پیش روی ایران به عنوان دومین کشور دارندهٔ ذخایر گاز طبیعی جهان، تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌های نفتی در یک فرآیند GTL (Gas To Liquid) است. در این نوشتار که چهار قسمت آن را در شماره های قبل ملاحظه فرموده اید، علاوه بر بحث در باره ضرورت بکارگیری فناوری‌های جدید در صنعت نفت و گاز و اشاره به تاریخچه و بررسی فرآیند تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌های مایع (GTL)، به تشریح مزایای فرآورده‌های GTL نسبت به فرآورده‌های عادی پرداخته‌ایم و چگونگی اجرای این روش در ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اینک توجه شما را به آخرین بخش این بحث جلب می کنیم.

بعضی نکات کلیدی در زمینه سرمایه گذاری GTL

الف) بررسی بازار: یکی از عوامل موثر در میزان سرمایه‌گذاری در بخش GTL در ایران، وجود توانمندی‌های فنی و مهندسی بالقوه در صنایع نفت و گاز این کشور، به لحاظ مدیریتی و فنی است. درحدود دوسوم ماشین آلات و مخازن مورد کاربرد در یک واحد تولیدی GTL را در صنایع نفت و گاز ایران می‌توان یافت. از طرف دیگر، از لحاظ نیروی انسانی ماهر و متخصص هم شرکت‌های مهندسان مشاور ایران تاکنون دو واحد تولیدی متانول و یک واحد تولیدی MTBE را بدون کمک شرکت‌های خارجی به پایان رسانده‌اند و یا در حال تکمیل آنها هستند. به همین دلیل، این اعتقاد که انجام مهندسی تفصیلی پروژه‌های GTL در ایران با قیمتی کمتر از نصف عرف جهانی امکانپذیر است، دور از واقع نخواهد بود. در ضمن، وجود نیروی انسانی آموزش دیده در ایران می‌تواند هزینه‌های عملیاتی یک واحد تولیدی GTL را به میزان قابل ملاحظه‌ای در قیاس با دیگر نقاط جهان کاهش دهد.

وجود مخازن عظیم گازی، یکی دیگر از عوامل اساسی در اقتصادی بودن یک طرح GTL است. برای مثال، میزان گاز مورد نیاز برای یک واحد تولیدی GTL به ظرفیت ۷۰ هزار بشکه در روز و به مدت ۲۵ سال، حدود ۵/۵ تریلیون فوت مکعب است. با این حساب، منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی در بندر عسلویه و میدان‌های نار و کنگان در نزدیکی پارس جنوبی، یکی از مناسب‌ترین مراکز برای ساخت واحد تولیدی GTL است.

در زمینه بازار محصولات GTL نیز به نظر نمی‌رسد که نگرانی خاصی وجود داشته باشد، حتی در این مورد مطالعات بازار هم ضروری به نظر نمی‌رسد، چون همانگونه که اشاره شد، محصولات GTL درواقع، همان فرآورده‌های نفتی هستند که روند بازار و تقاضایشان کمابیش مشخص است. علاوه بر این، کیفیت محصولات مزبور بسیار بالاتر از فرآورده‌های مشابه پالایشگاهی است و با توجه به استانداردهای سختگیرانه زیست محیطی در زمینه فرآورده‌های نفتی که روبه‌توسعه است، فرآورده‌های GTL شانس بیشتری نسبت به فرآورده‌های نفتی دارند، حتی اینک در کشورهایی که فرآورده‌های GTL تولید می‌شوند، برای رساندن فرآورده‌های پالایشگاهی به سطح استانداردهای قابل قبول، این فرآورده‌ها را با فرآورده‌های مزبور مخلوط می‌کنند. مطالعات فراوانی هم در زمینه تقاضای بلندمدت نفت خام و فرآورده‌های نفتی در دنیا انجام شده است که موید رشد تقاضای این حامل‌ها و به‌ویژه فرآورده‌های میان‌تقطیر می‌باشند.

البته در شرایط ایران باید توجه داشت که هنوز قیمت‌های فرآورده‌های نفتی کنترل شده است و بسیار بدیهی است که پروژه‌های GTL با فروش محصول به قیمت‌های کنترل‌شده، از توجیه اقتصادی برخوردار نخواهد بود و در صورتی توجیه خواهد داشت که یا به بازارهای جهانی صادر شود و یا دولت (شرکت نفت) این محصولات را به قیمت‌های رقابتی بازار آزاد منطقه خلیج فارس خریداری نماید. البته این مسأله در بند «الف» ماده ۱۲۲ قانون برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده، اما هنوز تجربه عینی از اجرای عملی آن وجود ندارد. در هر حال، در سرمایه‌گذاری GTL به این ریسک نیز باید توجه شود.

ب) وضعیت عمومی: فناوری GTL هنوز در سطح بین‌المللی نیز کاملاً عمومی و جا افتاده نشده است. بنابراین، در هرحال ریسک‌هایی از این ناحیه برای سرمایه‌گذار وجود خواهد داشت.

پ) تامین خوراک و هزینه آن: یکی از حساس‌ترین مسایل در بحث مطالعات فنی-اقتصادی پروژه‌های GTL تامین گاز و مسأله قیمت گاز خوراک این واحدهاست. شواهد نشان می‌دهند که وزارت نفت به عنوان تامین‌کننده انحصاری گاز در کشور، برای تامین گاز جهت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی

یکی از عوامل موثر در میزان سرمایه‌گذاری در بخش GTL در ایران، وجود توانمندی‌های فنی و مهندسی بالقوه در صنایع نفت و گاز این کشور، به لحاظ مدیریتی و فنی است.

در زمینه‌هایی مانند پتروشیمی یا GTL هنوز فرمول قیمت‌گذاری روشنی ندارد، درحالی که دوران بازگشت سرمایه در این پروژه‌ها ممکن است طولانی باشد و درنتیجه، ممکن است در بلندمدت مشکلاتی از ناحیه تغییر سیاست‌های احتمالی وزارت نفت بوجود آید. بنابراین، اخذ تضمین‌های بلندمدت از وزارت نفت در مورد تامین خوراک واحد GTL و نحوه قیمت‌گذاری آن، از اهمیت کلیدی برخوردار است.

ت) درجه خلوص گاز: کاتالیست‌های مورد استفاده در فرایند FT به‌شدت نسبت به ترکیبات سولفور حساسند و لذا درجه خلوص گاز مورد استفاده در این فرایند از درجه خلوص قابل قبول فعلی بیشتر است و اگر گاز تحویلی به واحد از استاندارد مناسب در این زمینه برخوردار نباشد، یک مرحله گوگردزدایی نیز باید صورت پذیرد. این امر در مورد ایران کاملاً محتمل است.

هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی GTL

۱) هزینهٔ سرمایه‌ای: در سال‌های اخیر، توسعهٔ این تکنولوژی باعث شده است که هزینهٔ سرمایه‌ای واحدهای GTL به میزان قابل توجهی کاهش یابد. با مروری بر منابع صنعتی اخیر و نظرسنجی فروشندگان تکنولوژی GTL، برآورد هزینه سرمایه‌ای حدود ۲۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰ دلار آمریکا برای هر بشکه به دست می‌آید. البته این نکته را نیز باید در مدنظر قرار داد که عوامل متعددی، از جمله موارد زیر بر هزینه‌های سرمایه‌ای تاثیرگذار می‌باشند: ۱) تکنولوژی به کار برده شده، ۲) موقعیت مکانی تاسیسات پیشنهادی برای ساخت، ۳) اندازه و میزان تجهیزات مربوط به ارتقای کیفیت محصولات، ۴) ظرفیت تأسیسات.

بدیهی است که همجواری با سایر تاسیسات پتروشیمی، می‌تواند به میزان قابل توجهی موجب کاهش هزینه‌های جانبی شود. از عوامل موثر دیگر در کاهش هزینه‌ها، می‌توان به افزایش تجارب مهندسی در این امر و ساختار شرکت‌های مجری طرح اشاره نمود. از آنجا که تکنولوژی GTL یک تکنولوژی مرکب است، لذا هزینه‌های سرمایه‌ای بین فازهای مختلف این فرایند متفاوت است و می‌توان آن‌ها را در فازهای مختلف تقسیم‌بندی نمود.

همانطور که می‌دانیم، در این تکنولوژی نیازمند تهیهٔ اکسیژن از طریق هوا هستیم. از آنجا که تکنولوژی تهیهٔ اکسیژن از هوا در حال پیشرفت است، لذا می‌توان انتظار داشت که بر روی هزینه‌های تولید هر بشکه فراورده تاثیر بگذارد. همچنین تحقیق و پژوهش در مورد بهبود

کاتالیست‌های مورد استفاده و بهبود طراحی راکتورها نیز از عوامل موثر در کاهش هزینهٔ سرمایه‌ای می‌باشند.

۲) هزینه‌های عملیاتی: هزینه‌های عملیاتی به غیر از مواد اولیه برای تاسیسات GTL بنا به آنچه گزارش شده، رقمی درحدود چهار تا ۵/۵ دلار برای هر بشکه از فرآورده‌های مایع است. البته درمورد هزینه‌های عملیاتی باید هزینهٔ گاز به عنوان خوراک و همچنین حمل و نقل آن را نیز در مدنظر قرار دارد.

تامین منابع مالی برای پروژه‌های GTL در ایران

تاسیس واحدهای تبدیل گاز به مایع در اندازه‌های قابل رقابت جهانی در ایران، با توجه به امکانات و توانایی‌هایی همچون موجودی ذخایر گاز، تجربیات مهندسی و قابل رقابت‌بودن هزینهٔ کارگر، یک فرصت تلقی می‌شود و منابع مالی لازم برای ایجاد تاسیسات GTL نیز عموماً از دو منبع اصلی می‌تواند تهیه شود:

الف) سرمایهٔ سهام: این منبع شامل سرمایه‌گذاری مستقیم به‌وسیله سرمایه‌گذاران ایرانی در دو قسمت تعاونی و موسسات و همچنین شرکت‌های بین‌المللی می‌شود.

ب) وام: وام های مستقیم برای پروژه‌های تبدیل گاز به مایع را نیز می‌توان از طرق زیر تامین نمود: ۱) بانک‌های توسعه‌ای ناحیه‌ای و چندجانبه، ۲) بانک‌های تجاری بین‌المللی، ۳) نمایندگی اعتبار صادرات، ۴) نمایندگی های دو جانبه‌ای مانند جیبی آیسی (JBIC)، ۵) بانک‌های تجاری ایران.

در این رابطه گفتنی است که برقراری یک موازنهٔ صحیح بین نسبت سرمایهٔ سهام به وام بسیار اهمیت دارد و عموماً نسبت مناسب ۵۰ درصد سرمایهٔ سهام به ۵۰ درصد بدهی مورد توجه است، اما برای واحدهای GTL، کم‌شدن سرمایه سهام به ۴۰ درصد و افزایش وام به ۶۰ درصد به مبنای تجربیات جهانی در مقابل ریسک، مطلوبتر به نظر می‌رسد. ضمناً رسیدن به موازنه صحیح بین‌المللی و ایرانی در سرمایه سهام از یک طرف، و بین سرمایه‌گذاران تعاونی و مؤسسات از طرف دیگر، بسیار با اهمیت خواهد بود.

ویژگی‌های فناوری GTL برای ایران

در دهه اخیر، مخازن گازی متمرکز، عظیم و متعددی در آب‌های خلیج‌فارس و در مناطق جنوبی ایران کشف شده‌اند. بسیاری از این میدان‌ها، هنگام فعالیت‌های اکتشافی شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های بین‌المللی خارجی برای یافتن میدان‌های نفتی جدید به اثبات رسیده‌اند. هم اکنون احتمال اکتشاف‌های جدید دیگری از مخازن گازی متمرکز در نواحی خشک و در آب‌های دریای خزر و خلیج فارس وجود دارد. بهره‌گیری از فناوری GTL برای تحرک‌بخشیدن به صادرات گاز و تولید محصولات سوختی با کیفیت بالا، از جمله هدف‌هایی است که ایران نباید حتی یک لحظه از آن غافل باشد. واقع‌شدن این میدان‌های گازی نزدیک به آبراه‌ها و در فاصله کمی از خشکی، یکی از عواملی است که پروژه‌های صادراتی گاز طبیعی را به شکل GTL و LNG اقتصادی میکند.

یکی دیگر از ویژگی‌های اجرای پروژه‌های GTL در ایران آن است که صرف نظر از سهم ایران در سازمان کشورهای صادرکننده (اوپک)، می‌توان از مایعات میان‌تقطیری برای مصارف داخلی به جای نفت خام بهره برد. از این رو، به همان میزان نفت خام صادراتی و درآمد ملی افزایش می‌یابد. اگر ایران بتواند تولیدات نفت خام خود را از طریق سهمیه اوپک افزایش دهد، سهم آن نیز بیشتر از میزان صادرات کنونی خواهد بود. از لحاظ مقدار، تولید هر بشکه محصولات فناوری GTL دو بشکه نفت خام برای صادرات را در پی دارد. بنابراین، با توجه به روند رو به رشد مصرف آینده محصولات سوختی برای ایران، استفاده از GTL لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

فرصت تاسیس واحدهای تبدیل گاز به مایع در اندازه‌های قابل رقابت جهانی، برای همه کسانی که امکانات و توانایی ایران، موجودی ذخایر گاز، تجربیات مهندسی و قابل رقابت‌بودن هزینهٔ کارگر و مواد را مطالعه کرده اند، روشن است.

وابستگی کشورهای اروپایی به گاز طبیعی در دهه‌های آینده شدیداً افزایش خواهد یافت.

در طرح‌های تحقیقاتی محقق‌شده وزارت نفت، به ازای تولید هر بشکه فرآورده نفتی، حدود ۲۵۰ مترمکعب گاز طبیعی استفاده میشود. ۹۹/۳ درصد محصول مستقیم طرح، بنزین، گاز مایع، سوخت جت و گازوییل است و بقیه محصول نیز در فرآیندی دیگر به فرآورده‌های یادشده تبدیل میشود. بنزین حاصل از گاز طبیعی به دلیل درجه آرام‌سوزی مناسب و خوب و نیز مناسب‌بودن برای محیط زیست، هفت تا ۱۰ درصد از بنزین سوپر بدون سرب حاصل از نفت خام گرانتر است.

صادرات گاز ایران از طریق خط لوله در مقایسه با سایر روش‌ها

صادرات گاز طبیعی، یکی از مقوله‌های مهم و استراتژیک کشور بشمار می رود، چون با وجود ذخایر بیکران گاز، توان بالقوه صادرات گاز طبیعی برای ایران همواره وجود دارد. به طور کلی، صادرات گاز برای کشور از سه راه امکان پذیر است: ۱) انتقال گاز طبیعی از طریق خط لوله، ۲) انتقال گاز از طریق تبدیل گاز به LNG و حمل توسط کشتی به بازارهای مصرف، ۳) تبدیل گاز به فرآورده‌های مایع (GTL) و سپس انتقال آن به بازارهای هدف.

یکی از مهمترین و سهل‌الوصول‌ترین راه‌ها برای صادرات گاز، به ویژه برای نواحی همجوار، انتقال گاز از طریق خط لوله است، اما ارسال گاز ایران از طریق خط لوله به بازارهای جهانی، با مشکلات زیادی مواجه است که ممکن است بسیاری از برنامه‌های موجود را بلندپروازانه جلوه دهد. این مشکلات عبارتند از:

۱) غیراقتصادی‌بودن صادرات گاز به اروپای غربی به عنوان بزرگترین بازار. اروپا گرچه می تواند بازار مهمی برای طرح‌های صادراتی بشمار رود، ولی ارسال گاز از طریق خط لوله از ایران به این بازار، نمی‌تواند منافع اقتصادی برای کشور داشته باشد. به عقیده برخی از کارشناسان، تنها وجود برخی دلایل سیاسی می‌تواند توجیه‌گر این امر باشد.

۲) وجود موانع سیاسی و جغرافیایی جدی در راه صدور گاز به بازار هندوستان و مواجه بودن پروژه با ریسک سیاسی بالا به دلیل کشمکش بین هند و پاکستان. بدیهی است که این مشکل، جذابیت طرح‌های صادرات گاز با خط لوله به هند را از میان می‌برد. بهترین گزینه صادرات گاز به این کشور، تبدیل گاز به LNG و نهایتاً حمل آن به بازار هند است.

۳) عدم پایبندی همسایگان ایران مانند ترکیه و پاکستان به قراردادهای بین‌المللی. این مشکل باعث میشود که برخلاف اصول قراردادهای طویل‌المدت خرید، مبادرت به انصراف از خرید نمایند که موجب بروز مشکلات در این زمینه میشود.

۴) وجود رقبایی بزرگ همچون قطر در پروژه‌های صادرات گاز ایران به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس. این موضوع قطعاً طرح‌های صادرات گاز از ایران به وسیله خط لوله به این منطقه را با مشکلاتی مواجه می‌کند. از طرف دیگر، کشور ترکمنستان نیز توان ارسال مقادیر قابل توجهی گاز به کشور پاکستان را داراست.

۵) محدودبودن بازار گاز کشورهایی همچون ارمنستان و نخجوان. ضمناً پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز تقاضای گاز این کشورها ناچیز خواهد بود.

کدام گزینه برای صادرات گاز ایران بهتر است؟

وابستگی کشورهای اروپایی به گاز طبیعی در دهه‌های آینده شدیداً افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی عرضه و تقاضای گاز طبیعی برای سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی باید به دنبال به‌دست‌آوردن منابع جدید عرضه گاز طبیعی در جهت تأمین نیازهای مازاد خود باشند. بدیهی است که ایران که به لحاظ سوق الجیشی در همسایگی روسیه، جمهوری‌های شوروی سابق، قفقاز و در مرزهای شرقی اروپا قرار گرفته، پتانسیل لازم برای صدور میزان قابل توجهی گاز طبیعی به بازارهای اروپا در غرب و بازارهای در حال رشد انرژی در جنوب آسیا و فراتر از آن را دارد.

درواقع، ایران که مالک دومین ذخایر گاز طبیعی جهان بعد از روسیه است، باید هم‌اکنون خود صادرکننده اصلی گاز طبیعی به بازارهای جهانی باشد، اما عوامل زیادی وجود دارند که مانع این امر شده اند. این عوامل عبارتند از: عدم سرمایه‌گذاری کافی سرمایه‌گذاران، تقاضای قوی در بازارهای داخلی برای سوخت، تحت‌فشار گذاشتن مجدد بعضی از منابع نفتی توسط گاز، سیاست‌های زیست‌محیطی داخلی در جهت جایگزینی مازوت و گازوییل با گاز طبیعی و ناتوانی بعضی از خریداران بالقوه در تفکیک سیاست‌ها از مشاغل یا رفع بحث‌های قدیمی و بی‌فایده، مانند مناقشه هندوستان و پاکستان در ارتباط با منطقه کشمیر.

با وجود این، کشور ایران برنامه‌های متعددی را برای استفاده از گاز، به‌ویژه برای صادرات از طریق خط

لوله دنبال می‌کند. برنامه‌های صادرات گاز از طریق خط لوله عمدتاً برای کشورهای همجوار طرح‌ریزی شده است. طرح‌های صادرات گاز از طریق خط لوله به برخی از بازارهای نزدیک در مقایسه با سایر گزینه‌ها، ازجمله گاز طبیعی مایع LNG و تبدیل گاز به فرآورده‌های مایع GTL گزینه‌ای کاملاً اقتصادی و توجیه‌ناپذیر جلوه می‌کند، اما با توجه به مسایل ذکرشده، ریسک‌های سیاسی متعددی برای آن وجود دارد. در مقاصد دوردست، ازجمله بازارهای اروپا و هندوستان، مطالعات نشان می‌دهند که انتقال گاز توسط تکنولوژی LNG بسیار مطلوب‌تر از انتقال گاز با خط لوله است. این نکته را نیز باید در مدنظر قرار داد که طرح‌های صادرات گاز از طریق خط لوله، نسبت به استفاده از تکنولوژی‌های پیچیده‌تری از جمله LNG و GTL به میزان کمتری در بکارگیری طیف وسیعی از متخصصان و شرکت‌های پیمانکار در این صنعت تاثیرگذار است.

برای کشورهایی همانند کشور ما که دارای ذخایر عظیم گازی است، تحقیق و توسعه در زمینه طرح‌های GTL و CNG به عنوان راهکارهای جدید انتقال گاز، در تحقیق و پژوهش صنعت گاز می‌تواند بشمار رود. توسعه و توجه بیشتر به این فناوری‌ها و به‌ویژه فناوری GTL در کشور می‌تواند توسعه بازارهای صادراتی گاز را به همراه داشته باشد.

با توجه به محدودیت‌های موجود در بازارهای LNG برخی از کارشناسان عقیده دارند که روی‌آوری به استفاده از تکنولوژی‌های GTL که دستاوردهای مهمی از کسب دانش فنی آن در داخل کشور وجود دارد، فرصت‌های جذابتری را برای به‌کارگیری از گاز در کشور می‌تواند به وجود آورد.

نکته مهم: در زمینه استفاده از ذخایر بیکران گاز، به این نکته مهم نیز باید اشاره شود که کسب ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های سطوح بالاتر تکنولوژی، مطلوبتر از کسب درآمد از طریق صدور مواد خام و اولیه است، مسأله‌ای که پس از حدود ۱۰۰ سال استفاده از نفت خام هنوز هم مورد توجه جدی واقع نشده است. لذا با وجود جوان‌بودن صنعت گاز و برخورداری کشور از منابع عظیم گازی، امید میرود که با جلب توجه مسوولان به تکنولوژی‌های برتر و به روز صنعت گاز،

کسب ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های سطوح بالاتر تکنولوژی، مطلوبتر از کسب درآمد از طریق صدور مواد خام و اولیه است، مسأله ای که پس از حدود ۱۰۰ سال استفاده از نفت خام، هنوز هم مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

ارزش افزودهٔ مناسبی از این ثروت ملی حاصل گردد.

پژوهشگاه صنعت نفت، سال‌های زیادی است که در زمینه فناوری GTL فعالیت‌های مهمی را انجام داده و به سطوح مناسبی از دانش فنی آن دست یافته است. انتخاب فناوری GTL به عنوان راهکاری در استفاده از منابع گازی، علاوه بر آن که می‌تواند درآمدهای مناسبی را برای کشور به وجود آورد، قادر است زمینه مساعدی را برای رشد و توسعه دانش فنی آن در کشور فراهم نماید تا حتی بتوان روزی از دانش فنی آن ارزش افزوده بیشتری نسبت به صدور فراورده به دست آورد.

علاوه بر این، استفاده از فناوری GTL نیازمند طیف وسیعی از تجهیزات، دانش فنی و نیروی انسانی ماهر می‌باشد که خود می‌تواند محرکی برای توسعه صنعت و اقتصاد کشور تلقی شود. امید است به این نکات جنبی فراتر از اقتصاد اولیه چنین طرح‌هایی نگریسته شود و در برنامه‌ریزی‌های کلان صنعت گاز کشور لحاظ شود.

نتیجه‌گیری

۱) از بُعد فنی، فناوری GTL کاملاً شناخته شده و اثبات شده است و در عین حال، صاحبان فناوری آن نیز از کشورهای مختلف جهان هستند، به طوری که هیچیک از فناوری‌های مورد نیاز این صنعت، یعنی تولید گاز سنتز، فناوری FT و فرآیندهای پالایش نفت خام، در انحصار یک کشور و یا یک شرکت نبوده و در استفاده از این فناوری محدودیت خاصی برای ایران وجود ندارد.

۲) سودآوری پروژه‌های GTL تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که عمده‌ترین آنها هزینه سرمایه‌ای، قیمت گاز و قیمت نفت است. اظهار نظر در مورد اینکه پروژه‌های GTL اقتصادی هستند، یا خیر، بستگی به عوامل متعدد، به‌ویژه رویکرد کشور میزبان به پروژه GTL دارد. در صورت بهره‌مندی از گاز ارزان (حداکثر ۵۰ سنت در هر میلیون BTU)، معافیت مالیاتی و ظرفیت بالای تولیدی برای بهره‌مندی از مزایای مقیاس تولید، می‌توان پروژه‌های GTL را گزینه‌ای سودآور در بهره‌برداری از ذخایر گازی کشور دانست.

۳) فناوری GTL ایران را قادر می‌سازد تا بدون مواجهه با چالش‌های موجود در مورد خطوط لوله مانند تنش‌های سیاسی، تعرفه ها و دیگر محدودیت‌های بازاری پیش رو در بازار LNG اقدام به کسب درآمد ارزی از منابع گازی خود نماید و مهمتر آنکه مشتریان فرآورده‌های GTL، واحدهای سیاسی (کشورها) نیستند، بلکه فرآورده‌های آن به صورت تک‌محموله در بورس‌های نفتی معامله می‌شوند.

۴) استفاده از فناوری GTL ایران را قادر می‌سازد تا ده‌هزار فوت‌مکعب ذخایر گاز طبیعی کشور را به یک بشکه فرآورده نفتی مرغوب تبدیل کند و درنتیجه، به

یکی از مسایل مهم در توسعه صادرات گاز، تامین منابع مالی است.

صورت بالقوه ۹۴۰ تریلیون فوت مکعب ذخیره گازی کشور قابل تبدیل به ۹۴ میلیارد بشکه فرآورده نفتی است. توضیح اینکه در حال حاضر، در پالایشگاه‌های کشور، تنها درحدود ۶۰ درصد از یک بشکه نفت خام قابل تبدیل به برش‌های پایین C20 (یعنی گازوییل، نفت سفید، بنزین و نفت گاز) است و این درصد در پالایشگاه‌های پیشرفته جهان حداکثر ۷۰ تا ۸۰ درصد است.

۵) با توجه به وضع استانداردهای زیست‌محیطی مبنی بر کاهش مواد آلاینده در فرآورده‌های پالایشگاهی از یک سو و افزایش سهم تولید نفت خام‌های متوسط و سنگین در جهان از سوی دیگر، انتظار می‌رود که فرآورده‌های GTL از سال ۲۰۱۰ به بعد به‌تدریج از حق مرغوبیت بالایی نسبت به فرآورده‌های عادی برخوردار شوند و درنتیجه، سودآوری طرح‌های GTL افزایش خواهد یافت.

۶) احداث واحدهای GTL کوچک، با ظرفیت ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ بشکه در روز که خوراک گاز موردنیاز آنها بین ۱/۵ تا حداکثر ۴/۵ میلیون مترمکعب در روز است، یکی از راهکارهای پیش رو برای جلوگیری از سوزانده‌شدن گازهای همراه در میادین نفتی است.

۷) در فرآیند GTL به‌ازای هر بشکه تولید فرآورده نفتی، حدود یک بشکه آب به عنوان فرآورده جانبی (By-Product) تولید می‌شود که می‌تواند به مصارف موردنیاز واحد GTL، مصارف آبیاری و حتی در صورت تصفیه، به مصرف آشامیدنی برسد. این امر در مناطقی چون عسلویه که برای تولید آب از شیرین کردن آب دریا (Desalination) استفاده می‌شود، از ارزش اقتصادی بالایی برخوردار است.

۸) با توجه به اهمیت استراتژیک صنعت GTL برای آینده اقتصادی منابع گازی ایران، لازم است تا با سرمایه‌گذاری در احداث واحدهای GTL ، از ابتدای شکل‌گیری بازار خاص برای فرآورده‌های این محصول، به‌صورت یک بازیگر فعال ایفای نقش کرده و علاوه‌بر کسب تجربیات عملی در زمینه‌های مختلف این صنعت، امکان کسب تکنولوژی GTL را فراهم سازیم.

۹) درنهایت توصیه می‌شود که قبل از هرگونه ایجاد تعهد نسبت به صادرات گاز از طریق خط لوله و یا LNG به بازار اروپا و آسیای شرقی، وضعیت اقتصادی چنین طرح‌هایی با وضعیت اقتصادی طرح‌های GTL مورد بررسی و مقایسه کامل قرار گیرد و سپس اقدام به سرمایه‌گذاری در چنین طرح‌هایی گردد.

آنچه مسلم است، پیشرفت‌های تکنولوژی در زمینه هیدرات و CNG همچنان ادامه دارد، ولی گمان می‌رود که تا سال ۲۰۲۰، راه‌حل مطمئن و اقتصادی برای انتقال گاز طبیعی به مناطق دوردست، همانا استفاده از تکنولوژی LNG و یا تبدیل به فرآورده های مایع GTL و حمل آن به مناطق موردنظر باشد.

در پایان خاطرنشان می‌گردد که تنها با دسترسی به منابع گاز ارزان نمی‌توان اقدام به ایجاد واحدهای GTL نمود، بلکه قبل از هر چیز باید به موارد زیر توجه نمود: ۱) ظرفیت تولید و میزان صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید، ۲) مکان‌یابی ایجاد تاسیسات، ۳) قیمت‌های نفت، ۴) راه‌های تامین منابع مالی.

منابع

۱) قابلیت‌های گازطبیعی درجهان/ گروه علمی تحقیقاتی نفت‌تایمز.

۲) انتقال گاز طبیعی با فناوری‌های جدید/ گروه علمی تحقیقاتی نفت‌تایمز.

۳) بازار عرضه و تقاضای فرآورده‌های حاصل از تبدیل گاز به مایع در آسیا در انتقال گاز طبیعی(CNG و LNG و GTL) / علیرضا پیمان‌پاک، مصطفی ساغری.

۴) امکان‌سنجی اقتصادی کاربرد فناوری GTL برای ایران/علیرضا احمدخانی/رساله کارشناسی ارشد/ دانشکده اقتصاد/دانشگاه تهران/۱۳۸۲.

۵) GTL (Gas To Liquid) چیست؟ و اهمیت آن چیست؟/سیدغلامحسین حسن‌تاش.

6) The BP magazine of technology and innovation, December 2002

7) Petroleum Economist, September 2001

8) Kinetics, Selectivity and Scale Up of the Fischer-Tropsch Synthesis, Gerard P. van der Laan, RIJKSUNIVERSITEIT GRONINGEN,1999, ISBN 1 1011 367 90.

عمومی

قانون چک

● فاطمه صیادی– مشاور بانکی سندیکا

در ایران، مقررات مربوط به چک از حقوق فرانسه گرفته شده است. قانون تجارت از مواد ۳۱۰ به بعد، چند ماده‌ای را به چک اختصاص داده و قانونی هم تحت عنوان صدور چک از سال‌های ۱۳۳۰ وجود داشته که هر دو قانون را قانونگذار ایران از حقوق فرانسه گرفته است، منتها در عمل، اشخاص– چه در ایران و چه در خارج– استفاده‌ای را که قانون از چک در مدنظر داشته است، نمی‌نمایند.

کلیات

از آنجایی که چک وسیله پرداخت فوری است، لذا اساساً چیزی به نام تاریخ پرداخت در مورد آن مصداق ندارد و تنها تاریخ صدور در مورد آن مطرح است. به همین علت، چه در قوانین قدیمی (قانون تجارت و قانون صدور چک) و چه در قوانین بعدی، هیچگاه صحبت از تاریخ پرداخت نشده، با وجود این، در عمل از چک به عنوان وسیله اعتباری، مانند برات، استفاده می‌شود. در فرانسه اگر معلوم شود که چکی به وعده و مدت صادر شده و تاریخ تسلیم آن با تاریخ مندرج در آن یکی نیست، صادرکننده بایستی جریمه (مالیات) بپردازد، چون چک وسیله پرداخت فوری است. در واقع، دولت یک وسیله تسهیل برای وصول طلب ایجاد کرده که چک نامیده می‌شود، اما چه در عمل، چه در قانون و چه در رویه‌های قضایی ایران، به صراحت صحبت از چک‌های وعده‌دار! می‌شود.

در اروپا علی‌رغم اینکه چک نبایستی مهلت پرداخت داشته باشد، به طور معمول، چک را با تاریخ مؤخر صادر می کنند و به آن تاریخ وعده نمی‌گویند، بلکه عنوان «پُوست دات» (تاریخ صدور مؤخر بر تاریخ تسلیم) را بر آن می‌گذارند. چنانچه دارنده و صادرکننده توافق کنند که چک در تاریخ مؤخر (آینده) پرداخت شود، از نظر حقوقی ایرادی ندارد، چرا که اگر چک تاریخ نداشته باشد، باطل است (یعنی چک نیست) نه اینکه تاریخ غیرواقعی داشته باشد. در حقوق ما نیز همین‌طور است. به عبارت دیگر، قانون تجارت یکی از شرایط اساسی صحت چک را تاریخ صدور می‌داند و در عمل نیز بانک‌ها چک بدون تاریخ را پرداخت نمی‌نمایند. تاریخ چک، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که به دادسراها و دادگاه‌ها مربوط می‌شود و یکی از ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که چک با سند مادر آن (برات) دارد، همین تاریخ است. در حقوق انگلیس، در تعریف چک وقتی می‌خواهند آن را از برات جدا کنند، (چرا که چک در واقع، برات بوده است)، به این ویژگی اشاره می‌کنند که چک تاریخ پرداخت ندارد و پرداخت آن فوری است.

چک سند خاصی از اسناد بازرگانی است که علیرغم اینکه سند عادی تجاری است، در برخی موارد با رعایت اصول آن قابلیت صدور اجراییه را دارد. چک، چه بر عهده بانک‌های داخل کشور باشد یا شعب بانک ایرانی در خارج از کشور، در حکم سند لازم‌الاجرا است و دارنده چک می‌تواند در صورت برگشت چک و عدم پرداخت وجه آن، طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای ثبت اسناد رسمی، وجه چک یا باقی‌مانده آن را وصول کند.

منشأ و علت صدور چک، باید بدهی صادرکننده معادل مبلغ چک باشد. اگر مبنا و علت صدور چک، بدهکاری صادرکننده نباشد، و چک به عنوان تضمین معامله یا تعهد صادر شده باشد، صادرکننده قابل تعقیب کیفری و مجازات نخواهد بود، مثل آن‌که شخصی یک مغازه یا یک منزل مسکونی را اجاره کرده باشد و موجر در اجاره‌نامه از مستاجر تعهد بگیرد که در راس انقضای مدت اجاره و در پایان مدت اجاره، محل را تخلیه کند.

در تمامی این موارد به دلیل آن‌که صادرکننده در حقیقت مبلغ ذکرشده در متن چک را بدهکار نیست، لذا چک قابل تعقیب کیفری و مجازات نخواهد بود. این‌که چک بابت تضمین صادر شده باشد، ممکن است در متن چک ذکر و یا آن‌که ذکر نشده باشد، اما صادرکننده باید بتواند به طریق دیگری (مانند ارایه قولنامه معامله یا شهادت شهود) این موضوع را اثبات کند.

از آنجایی که چک وسیله پرداخت فوری است، لذا اساساً چیزی به نام تاریخ پرداخت در مورد چک مصداق ندارد و تنها تاریخ صدور چک مطرح است.

چک باید به صورت نقد و بدون وعده صادر شود، زیرا چک باید مانند اسکناس وسیله پرداخت نقدی باشد. بنابراین، اگر به فرض مثال، امروز چکی برای تاریخ فردا یا هفته یا ماه یا سال آینده صادر شود، صادرکننده چک مجازات کیفری نخواهد شد، زیرا این چک حقوقی است. در حال حاضر، صدور چک بدون وعده، بسیار نادر است و حتی بسیاری از چک‌هایی که صادرکنندگان آن توسط دادگاه به مجازات حبس محکوم می‌شوند، در واقع، چک‌های وعده‌دار و حقوقی

چنانچه دارنده و صادرکننده توافق کنند که چک در تاریخ مؤخر (آینده) پرداخت شود، از نظر حقوقی ایرادی ندارد.

هستند، اما دلیل تعیین مجازات در این موارد آن است که صادرکنندگان چک به عنوان متهم در دادسرا یا دادگاه قادر به اثبات این موضوع که چک به صورت وعده‌دار صادر شده است، نبوده‌اند. بنابراین، نحوه اثبات این موضوع و شیوه دفاع از موضوع، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

چنانچه چکی سفید امضا صادر شده باشد، یعنی این‌که صادرکننده بدون قید مبلغ، تاریخ و نام دارنده، فقط چک را امضا و ارایه کرده باشد، در این صورت، معمولاً دارنده چک، قبل از مراجعه به بانک و قبل از شکایت، مبادرت به درج تاریخ می‌کند، اما چنانچه در مرجع قضایی ثابت شود که صادرکننده در هنگام صدور، تاریخ چک را ننوشته است، صادرکننده مسوولیت کیفری نخواهد داشت.

چک فقط در تاریخ مندرج یا پس از آن قابل وصول خواهد بود. صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن، معادل مبلغ قید شده در متن آن را در بانک وجه نقد داشته باشد. ضمناً نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت آن را بدهد.

چک نباید به صورتی تنظیم شود که به عللی، مثل عدم مطابقت امضا، یا قلم‌خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات آن و امثال آن، قابل پرداخت توسط بانک نباشد. لازم به ذکر است که هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

هرگاه وجه چک به علل ذکرشده در بالا پرداخت نشود، بانک مکلف است در برگ مخصوصی مشخصات چک، هویت و نشانی کامل صادرکننده را همراه با علل عدم پرداخت صراحتاً ذکر کند (مثلاً فقدان موجودی) و آن را به دارنده چک تسلیم دارد. بانک ضمناً مکلف است که نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب ارسال کند.

چنانچه مبلغ موجود در نزد بانک، کمتر از مبلغ چک باشد، بانک به تقاضای دارنده چک مکلف است مبلغ موجود را به وی تسلیم کند. در این صورت، چک نسبت به مبلغ پرداخت نشده بی‌محل محسوب می‌شود و بانک هم گواهی لازم را در این مورد صادر و به دارنده چک تقدیم می‌کند. دارنده چک هم می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌ها، اعم از اینکه قبل از صدور حکم یا بعد از آن باشد، از دادگاه تقاضا کند. این دادخواست باید به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم شود.

بدیهی است که در این موارد، کلیه خسارات و

اگر مبنا و علت صدور چک، بدهکاری صادرکننده نباشد، و چک به عنوان تضمین معامله یا تعهد صادر شده باشد، در این صورت، صادرکننده قابل تعقیب کیفری و مجازات نخواهد بود.

هزینه‌های وارده، شامل خسارت تاخیر تادیه که بر اساس نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی محاسبه می‌شود، قابل مطالبه‌است. این خسارات، شامل هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله هم می شود.

انواع چک

انواع چک مطابق قوانین جاری کشور به شرح زیر است:

*چک عادی، چکی است که اشخاص از محل موجودی حساب خودشان عهده بانک‌ها صادر می‌کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.

* چک تأییدشده، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می کنند و پرداخت وجه آن توسط بانک صادرکننده چک تأیید می‌شود.

* چک تضمین‌شده، چکی است که به درخواست مشتری، توسط بانک به عهده همان بانک صادر می‌شود و پرداخت وجه آن هم توسط بانک تضمین می‌شود.

* چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر می شود و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

* چک بحواله کرد، چکی است که نام گیرنده در آن ذکر نشده باشد. بنابر این، دارنده این نوع چک می‌تواند در بانک آن را امضا کند و وجه آن را دریافت دارد و یا به دیگری انتقال دهد.

* چک بسته (**Crossed check**) چکی است که روی آن دو خط موازی کشیده شده باشد. چنین چکی قابل نقدکردن نیست و فقط باید به حساب بانکی ذینفع چک منظور گردد.

ادامه دارد

... که در آب مُرده بهتر که در انتظار آبی (سعدی)

جنگ آب در ایران شروع شده، خبرش منتشر نمی‌شود

بحران آب ما را در آینده در شرایطی بارها بغرنج‌تر از مذاکرات هسته‌ای قرار خواهد داد.

دکتر محسن رنانی می‌گوید: «در آینده، این نه آمریکا و عربستان و فرقه‌های مذهبی تندرو و...، بلکه آب خواهد بود که بیشترین ضربه را به این نظام وارد خواهد کرد.»

خانه اندیشمندان علوم انسانی چندی پیش میزبان کارشناسان، اصحاب رسانه و علاقمندانی بود که برای شرکت در نشستی دیگر از مجموعه نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه در این مکان حضور یافته بودند تا راه‌های برون‌رفت از بحران خشکسالی و آب در ایران را بررسی کنند.

به گزارش ایرنا، شرایط آبی ایران نه تنها خوب نیست، بلکه بحرانی و وخیم است. این، حقیقتی است که طی ماه‌های گذشته و درپی هشدارهای برخی از کارشناسان و خشک‌شدن پی‌درپی سدها و تالاب‌های کشور، همگی کمابیش به آن پی برده‌ایم. با وجود سر بیرون‌آوردن غده خشکسالی و کم‌آبی در بسیاری از منطقه‌های کشور که حتی شهرهای شمالی و سرسبز را نیز گرفتار ساخته، این مشکل بدون شک حاصل نه یک سال و دو سال، بلکه مدت‌ها بی‌توجهی و بی‌تدبیری در سیاست‌گذاری و مصرف این نعمت خدادادی است. آب ایران اکنون در شرایطی قرار دارد که به گفته بسیاری از کارشناسان، بی‌اعتنایی به وخامت اوضاع آن، در آینده‌ای نه‌چندان دور، کشور را با فاجعه‌ای زیست‌محیطی درگیر خواهد کرد.

محسن رنانی: با آتش آب، بازی نکنیم!

اما مهمترین سخنران این نشست که جدیترین سخنان را مطرح کرد، دکتر محسن رنانی بود. این نظریه‌پرداز اقتصادی و اجتماعی برجسته که از اصفهان برای شرکت در این نشست به تهران سفر کرده بود، سخنان خود را با جمله «با آتش آب، بازی نکنیم!» آغاز کرد. رنانی سپس با اشاره به اینکه او یک اقتصاددان نهادگرا است (به این مفهوم که عقیده دارد که اقتصاد را نمی‌توان تنها با پول و سرمایه مدیریت کرد و باید از ابزارهای فرهنگی و اجتماعی نیز در این راه کمک گرفت) گفت: «ولی در خصوص آب، می‌خواهم بحث خود را با ورود از دریچه انتقاد از عنوان این نشست آغاز کنم، چرا که متهم کردن مردم، جامعه و فرهنگ در بحران آبیای که امروز با آن روبرو هستیم، نوعی نعل وارونه‌زدن و به‌دور از انصاف است.» به گفته رنانی، سهم مصرفی اندک مردم در چرخه آب به ما اجازه نمیدهد که آنها را در معرض اتهام قرار دهیم و از کسانی که خود قربانی سیاست‌های آبی غلط هستند، بخواهیم که تقصیر خود را بپذیرند و الگوی مصرف خود را اصلاح کنند.

رنانی همچنین گفت: «جنگ پراکنده آب در ایران هم‌اکنون به گونه خزنده و آرام شروع شده و فقط اخبار آن منتشر نمی‌شود. در حال حاضر، این جنگ به صورت پراکنده رخ می‌دهد، اما تا پنج سال آینده، شاهد جنگ فراگیر آب در داخل شهرها و بین مناطق و استان‌ها خواهیم بود.» به گفته وی، این آن خطری است که امنیت ما را تهدید می‌کند و سیاستمداران چشم خود را به روی آن بسته‌اند.

این استاد اقتصاد در ادامه گفت: «اگر الگوی مصرف مردم در جایی خراب شده است، این حکمرانی غلط آب است که آن را تخریب کرده است. مردم ما طی سه هزار سال می‌دانستند که چگونه آب را مصرف کنند و به تعادلی پایدار در طبیعت برسند. گراف‌های

> **در این شرایط، نمی‌توان از اصلاح الگوهای مصرفی مردمی که سهمی بسیار ناچیز در مصرف آب در مقایسه با صنعت و کشاورزی دارند، سخن گفت. باید سیاست‌های غلط حکمرانی نادرست آب را زیر سوال ببریم و به اصلاح آنها بپردازیم.**

میزان بارش در کشور هم حاکی از آن است که طی سی سال گذشته، میزان بارش در کشور تفاوت چندان محسوسی با ۳۰ سال پیش از آن نداشته و حتی آسمان نیز بر ما جفا نکرده است، ولی نظامی ناکارآمد و بی‌تدبیر در حوزه حکمرانی آب، به راحتی فرهنگ آبی سه هزار ساله ما را بر باد داده و اکنون اقدام به زیر سوال‌بردن جامعه و فرهنگ می‌کنند.»

رنانی در ادامه با اشاره به این که فرهنگ نیز نقش مهمی در این میان دارد و بدون شک اصلاح الگوی مصرف آب باید از طریق فرهنگی صورت گیرد، گفت: «با وجود این، موضوع این است که بحران آب اکنون به بیماری در شرف تشنج و ورود به کمایی مرگبار شبیه است. بدون شک نمیتوان در این شرایط بحرانی به بیمار گفت که با تغییر الگوی تغذیه خود جلوی بحران را بگیرد. شرایط آبی کشور نیز در معرض ورود به تشنج است و ما باید از وقوع این فاجعه جلوگیری کنیم»

رنانی سپس با بیان این که سطح‌هایی از نزاع آبی در بسیاری از قسمت‌های کشور آغاز شده، گفت: «با ادامه روند کنونی، این نزاع در کشور افزایش خواهد یافت و طی سال‌های آینده، به صورت روزانه، زندگی مردم را متأثر خواهد کرد. پس در این شرایط، نمی‌توان از اصلاح الگوهای مصرفی مردمی که سهمی بسیار ناچیز در مصرف آب در مقایسه با صنعت و کشاورزی دارند، سخن گفت. ما باید سیاست‌های غلط حکمرانی نادرست آب را زیر سوال ببریم و به اصلاح آنها بپردازیم»

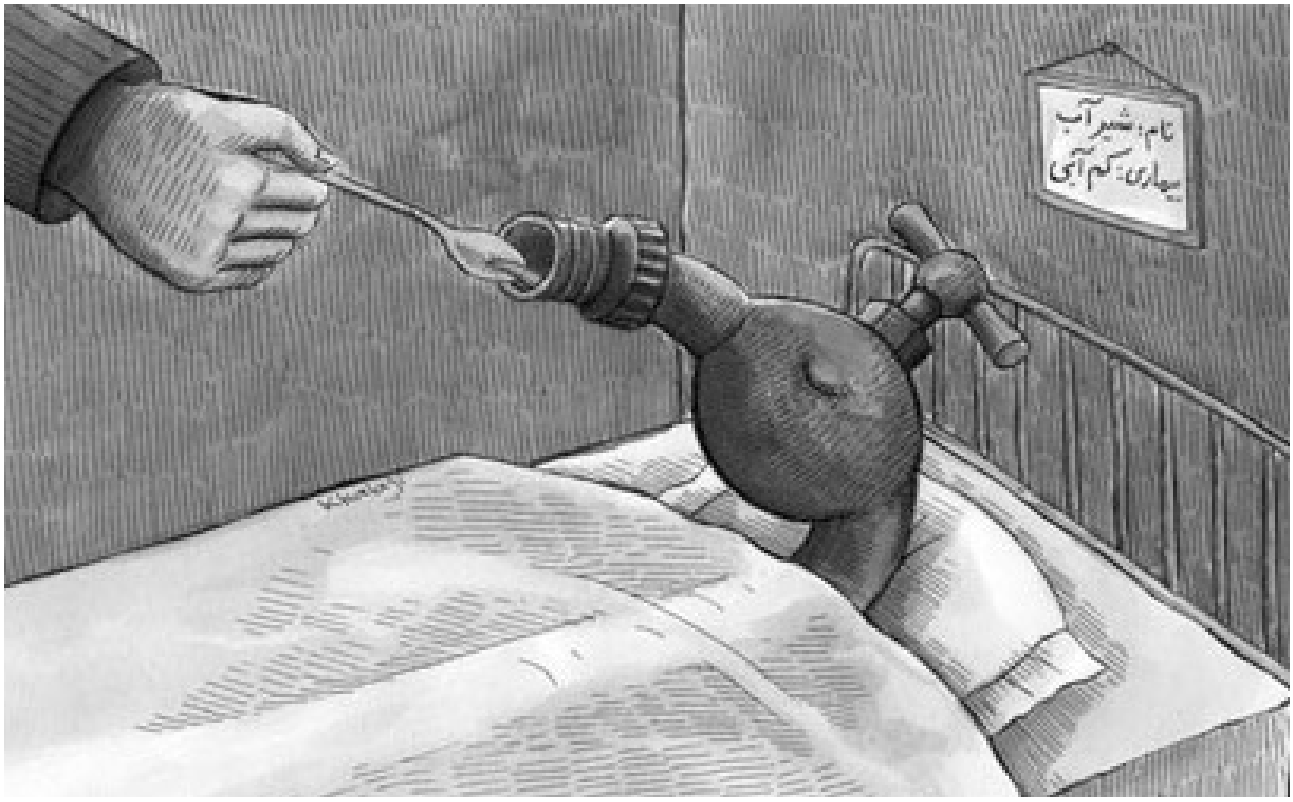

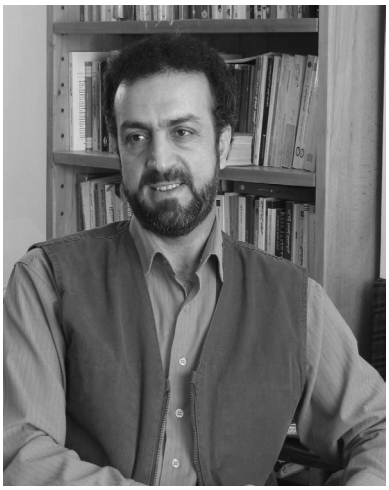

دکتر محسن رنانی: اگر الگوی مصرف مردم در جایی خراب شده است، این حکمرانی غلط آب است که آن را تخریب کرده است.

به گفته دکتر رنانی، در تغییرهای نهادی و اجتماعی، چهار سطح فرهنگی، بنیادی، حکمرانی و رویه‌های اجرایی و در نهایت، تخصیص منابع مطرح می‌شوند. برای تغییر دو سطح آغازی، ما به صدها سال زمان نیاز داریم و بنابراین، دست گذاشتن بر روی این سطوح در شرایط فعلی بی‌فایده خواهد بود، این در حالی است که دو سطح پایینی، موجب تخریب آب در کشور شده‌اند و باید به اصلاح و تغییر آنها اهتمام ورزیده شود. در صورتی که حکمرانی نادرست آب به عنوان دلیل اصلی بروز بحران، متحول و تلاش‌ها برای اصلاح آن آغاز شود، می‌توان با جلب اعتماد فرهنگ و جامعه از آنها نیز انتظار داشت که در این راه دست به کمک و اصلاح بزنند. وی افزود: «خطری که اکنون وجود دارد، این است که عده‌ای از سیاستگذاران آبی کشور حاضر به پذیرش شرایط بحرانی آب نیستند و سعی در عادی جلوه‌دادن آن دارند. ادامه این رویه ما را در آینده در شرایطی بارها بغرنج‌تر از مذاکرات هسته‌ای قرار خواهد داد. در آینده، این نه آمریکا و عربستان و فرقه‌های مذهبی تندرو و ...، بلکه آب خواهد بود که بیشترین ضربه را به این نظام وارد خواهد کرد.»

رنانی با اشاره به این که نزاع‌های استانی در حوزه آب مدت‌ها است که در اصفهان، شهرکرد و چهارمحال و بختیاری و برخی دیگر از نقاط آغاز شده، گفت: «این نزاع تا جایی پیش رفته که دیگر حتی صحبت‌های کارشناسی نیز تاثیر چندانی در کاهش و تلطیف آن ندارد. ما باید از گسترش این نزاع‌ها به سایر استان‌ها و خانه به خانه‌شدن این نزاع که اکنون در قالب مشاجره‌های لفظی در برخی استان‌ها شاهد آن هستیم، جلوگیری کنیم و باید در این راه سریع عمل کنیم.»

دولت‌های مختلف کشور، همگی در رسیدن به بحران کنونی مقصر بوده‌اند و با وضع سیاست‌های غلط و کارشناسی نشده‌ای نظیر توسعه کشاورزی، خودکفایی در گندم، سدسازی و... کشور را به بحران کنونی دچار کرده‌اند. پس همگی باید به این اشتباه‌ها اذعان کرده و با پذیرش آن، برای خروج از بحران تلاش کنند.

پنهان‌کاری و لاپوشانی بحرانی بودن شرایط آبی کشور، خطر بزرگ دیگری است که رنانی با ذکر آن افزود: «عده‌ای نمی‌گذارند گفتگو در این باب شکل بگیرد و از نتایج آن وحشت دارند، این در حالی است که اگر اکنون ما می‌توانیم با گفتگو و اذعان به وجود این بحران، برای برون‌رفت از آن به چندین چاره توسل جسته و از شدت آن بکاهیم، با ادامه روند کنونی، در آینده به جایی خواهیم رسید که دیگر هیچ چاره‌ای جز قبول آنچه به ما تحمیل خواهد شد، نداریم. نخستین ضرورت ما این است که نظام حکمرانی، متوجه بحران باشد و به وجود آن اذعان کند و مدیریت و حاکمیت خود را بر این مبنا تغییر دهد.»

رنانی در پایان با اشاره به مسأله حذف یارانه‌ها گفت: «چرا نظام ما در حوزه‌های سیاسی همواره قاطع عمل می‌کند و در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی محتاطانه و گاه با ترس رفتار می‌کند؟ ماه‌ها است که دولت قصد دارد در خصوص حذف یارانه‌ها تصمیم‌گیری کند، ولی آنها جرأت حذف یارانه بگیران پردرآمد را ندارند. اگر دولت با اذعان به وجود مشکلات اقتصادی خود و طرح آنها در قالب گفتگوی مستقیم و بی‌پرده با مردم به آنها اعتماد کند، مردم بدون شک در این راه به نظام حکمرانی کمک خواهند کرد. در خصوص آب نیز همینطور است. دولت‌های مختلف کشور همگی در رسیدن به بحران کنونی مقصر بوده‌اند و با وضع سیاست‌های غلط و کارشناسی نشده‌ای نظیر توسعه کشاورزی، خودکفایی در گندم، سدسازی و... کشور را به بحران کنونی دچار کرده‌اند. پس همگی باید به این اشتباه‌ها اذعان کرده و با پذیرش آن، برای خروج از بحران تلاش کنند.»

حسین ایمانی جاجرمی: بحران آبی، خطرآفرین‌ترین بحران برای تمدن فلات ایران

حسین ایمانی جاجرمی، دیگر سخنران این نشست، سخنان خود را با ذکر اهمیت آب در شکل‌گیری تمدن و زندگی اجتماعی در فلات ایران آغاز کرد. به گفته ایمانی جاجرمی، در حالی که بسیاری از تمدن‌ها بر پایه توسعه پدید می‌آیند، در ایران این آب است که به همه چیز معنا می‌دهد و در نتیجه، بحران آبی، خطرآفرین‌ترین بحران برای ما خواهد بود. آب چیزی است که در ایران در طی قرون و اعصار به فرهنگ و

دکتر حسین ایمانی جاجرمی: نگاهی که اکنون به منابع آبی کشور حاکم است، این است که تا چه میزان می‌توان از آنها سوددهی و درآمدزایی داشت. با همین هدف است که ما سلامت و حفظ تالاب‌های خود را به سود ناشی از کارخانه‌هایی که در کنار آنها احداث می‌شود، می‌فروشیم.

تمدن شکل بخشیده است و نبود آب نیز مایه نابودی آنها خواهد شد.

او سپس با اشاره به اینکه بحران آبی در کشور سبب شده است تا ما با مشکل‌های جدیدی نظیر آوارگان آب (افرادی که به دلیل خشکسالی از شهرهای خود کوچ کرده‌اند) روبرو شویم، گفت: «این نشست قرار است به نقش باورها و ارزش‌ها در حکمرانی آب بپردازد. ما باید در همه این باورها و ارزش‌ها و اصول زندگی فعلی خود با نگاهی به آب تجدید نظر کنیم. ما ایرانی‌ها مردمی به شدت مادی هستیم که همه چیز را با پول می‌سنجیم. شهرسازی کنونی تهران که ناشی از فروش بی‌ضابطه مجوز ساخت و ساز از سوی شهرداری است، گواهی بر این نکته است. ما همه چیز را کالا و قابل فروش می‌پنداریم و این مساله‌ای بسیار خطرناک است.» ایمانی جاجرمی در ادامه با اشاره به این که بسیاری از چیزهایی که ما تصور می‌کنیم با پول می‌توان آن‌ها را کسب کرد، دارای ارزش و بار اخلاقی هستند، ادامه داد: «این رویه محتوای اخلاقی را زیر سوال برده و نابود خواهد کرد. وقتی شما می‌توانید با پول، خدمت سربازی را که یک اصل اخلاقی و ارزشی است، بخرید، دیگر چه کسی حاضر خواهد بود خون خود را برای وطن فدا کند؟ سربازی با این رویه به مساله‌ای طبقاتی نزول پیدا خواهد کرد.»

او با اشاره به این که ما همین معامله را با منابع آبی خود نیز کرده‌ایم، افزود: «نگاهی که اکنون به منابع آبی کشور حاکم است، این است که تا چه میزان می‌توان از آنها سوددهی و درآمدزایی داشت. با همین هدف است که ما سلامت و حفظ تالاب‌های خود را به سود ناشی از کارخانه‌هایی که در کنار آن‌ها احداث می‌شود، می‌فروشیم.»

به گفته این استاد جامعه‌شناسی، یکی دیگر از خطرهایی که در این خصوص وجود دارد، حس بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی نسبت به این مساله است، به طوری که بسیاری از ما دیگر توجهی به مساله‌هایی که پیرامون‌مان رخ می‌دهند، نداریم و بسیاری از اخبار حتی شوک‌آور، ما را شگفت‌زده نمی‌کنند.

دکتر ایمانی جاجرمی گفت: «ما باید این سوال را از خود داشته باشیم که نگاه غالب مردم ما به آب و محیط زیست، چیست و اینکه آیا بر اساس ارزش‌های اخلاقی و انسانی با این پدیده‌ها رفتار می‌کنیم یا خیر؟ ما باید نگاه مادی را از برخورد با آن پدیده‌ها حذف کنیم. بسیاری از ما حتی اکنون و در این شرایط بحرانی نیز به دلیل نگرانی از مسایل مادی و ریالی است که دغدغه آب و بحران کم آبی را پیدا کرده ایم، نه انسانیت و اخلاق مداری.»

مدیریت خوش‌بینانه یا مدیریت بدبینانه؟

آیا مدیران خوش‌بین، رهبران بهتری هستند یا مدیران بدبین؟

منبع: هاروارد بیزینس ریویو- نوامبر ۲۰۱۵
نویسنده: جان دیویس
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

خوش‌بینی و بدبینی، هر دو رویکردهایی قدرتمند و ثابت هستند که منعکس‌کننده استراتژی‌های رفتاری ما به حساب می‌آیند. ما در جهانی آکنده از ابهام و پیچیدگی زندگی می‌کنیم و برای مقابله با این ابهامات، بعضی از افراد فرض را بر این می‌گذارند که همه چیز ختم به‌خیر خواهد شد (خوش‌بین‌ها) و برخی دیگر بر این اعتقادند که اوضاع رو به خرابی بیشتر است (بدبین‌ها). حال سوال اینجاست که برای مدیریت یک سازمان یا یک شرکت، بایستی رویکردهای خوش‌بینانه را درپیش گرفت یا باید از روش‌های بدبینانه پیروی کرد؟

شاید در نگاه اول پاسخ به این سوال ساده و مشخص به نظر برسد و خیلی‌ها فکر کنند که خوش‌بین‌بودن به آینده، رویکردی بهتر و عاقلانه‌تر است، در حالی که چنین نیست و در بسیاری از موارد رویکردهای بدبینانه نیز دارای ویژگی‌های کاربردی، مفید و مؤثری هستند که محتاط‌بودن و عاقلانه قدم‌برداشتن از جمله آن‌هاست.

بنابراین، می‌توان گفت که به طور کلی، هم رویکردهای خوش‌بینانه و هم رویکردهای بدبینانه می‌توانند از راه های مختلف ما را به اهدافی گوناگون برسانند. تجربیات نیز نشان داده‌اند که افراد نمی‌توانند بدون خوش‌بینی و بدبینی توأمان، به بسیاری از اهداف خود دست یابند.

آیا شما یک فرد بدبین هستید؟

اگر شما فردی بدبین هستید، پس می‌بایستی توجه بیشتری به مسایل ایمنی و امنیت داشته باشید و عمدتاً به دنبال روش‌های مطمئن و کم‌خطرتر بگردید. این رویکرد، دارای مزایای مشخصی است و در مجموع، از منابع و امکانات شما به‌خوبی حمایت می‌کند. گرایش افراد و مدیران برای پس انداز و یا اقدام شرکت‌ها به ساخت پناهگاه‌های مستحکم و درنظرگرفتن ضریب ریسک‌های بالا در محاسبات، در چارچوب همین رویکرد قابل توجیه و معقول به نظرمی رسند. پس هنگامی که خبرهای بد به شما می‌رسند و شما انتظار شنیدن خبرهای بدتری را نیز دارید، در اینجا بدبین و محتاط‌بودن، بهترین گزینه ممکن است، چرا که باعث بالابردن ضریب ایمنی و آماده‌کردن شرایط برای حل و فصل اشتباهات و مشکلات می‌شود.

به طورکلی، بدبین‌بودن نسبت به آینده، باعث می‌شود که ما ضمن درس گرفتن از اشتباهات گذشته، بکوشیم تا در آینده کامل‌تر و کم‌نقص‌تر باشیم تا به تدریج به رشد و تعالی لازم دست یابیم و با ابداع محصولات و خدمات جدید و با بهبود برنامه‌های شرکت، آینده‌ای بهتر را رقم بزنیم. به همین دلیل هم هست که معمولاً بدبین‌ها، رهبران عملیاتی بهتری هستند

با این حال، باید توجه داشت که بدبین بودن و احتیاط بیش از حد هم مانعی جدی بر سر راه رشد و ریسک‌پذیری و ثروت‌آفرینی بشمار می‌آید و در

> **در موقعیت‌های مبهم و ناپایدار، بدبین و محتاط‌بودن، بهترین گزینه است، چرا که باعث بالابردن ضریب ایمنی و آماده‌کردن شرایط برای حل و فصل اشتباهات و مشکلات می‌شود.**

بعضی موارد لازم است که مدیران نسبت به آینده خوش‌بین باشند و به اصطلاح، دلشان را به دریا بزنند. مدیران خوش‌بین و مثبت‌اندیش، ترجیح می‌دهند که بیشتر راجع به چگونگی رشد و پیشرفت خود و دیگران فکر کنند و معمولاً تمایلی به اندیشیدن درباره مشکلات و خطرات احتمالی از خود نشان نمی‌دهند. آنها شبکه‌های اجتماعی بزرگتری دارند و ترجیح می‌دهند که مشکلات را به صورت دسته‌جمعی حل کنند. آنها هم خودشان سرشار از انرژی مثبت هستند و هم این انرژی مثبت را به دیگران منتقل می‌کنند و همین انرژی مثبت، سنگ بنای رویکرد خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی در کل مجموعه است. مبتکران و افراد جسور، معمولاً افرادی خوشبین هستند که دل به دریا می‌زنند و راه‌های جدید و آزمایش‌نشده را با جسارت و خوش‌بینی به محک آزمایش می‌گذارند.

برای دهه‌ها دانشمندان معتقد بودند که خوش‌بینی و بدبینی، رویکردها و ویژگی‌های ثابتی هستند که ما با آنها متولد می‌شویم و تا حد زیادی ذاتی می‌باشند، اما در سال‌های اخیر، مشخص شده است که به طور کلی، افراد ۱۸ تا ۳۹ ساله خوش‌بین‌تر از افراد بالای ۴۰ سال هستند. از سویی دیگر، تجربیات زندگی نیز در این میان نقش مهمی دارند و می‌توانند افراد را به سمت خوش‌بینی یا بدبینی مضاعف سوق بدهند.

مدیران شرکت‌ها و رهبران مؤسسات و سازمان‌ها، صرف‌نظر از رویکردشان، باید بیاموزند که چگونه می‌توان از مزایای هم خوش‌بین‌بودن و هم بدبین‌بودن بهره‌مند شد. به نوشته «آنی مورفی» در مجله «روانشناسی امروز» در شرایط کنونی، علم به موضوع خوش‌بینی و بدبینی به صورت رویکردهای خوب و بد یا سیاه و سفید نگاه نمی‌کند که افراد با آنها متولد می‌شوند و با آنها زندگی می‌کنند، بلکه این رویکردها درواقع، ذهنیت‌هایی هستند که با توجه به نیازها و موقعیت‌ها و تجارب زندگی افراد مختلف بوجود می‌آیند. به همین دلیل هم هست که توصیه می‌شود در هنگام برنامه‌ریزی استراتژیک، حتماً باید از رویکرد بدبینی دفاعی و محتاطانه استفاده کرد، به نحوی که طی برنامه‌ریزی تمام احتمالات و پیشامدهای ممکن در مد نظر قرار گیرند، اما در هنگام اجرا و عملیات، می‌بایستی رویکردی خوش‌بینانه داشت و از خود انعطاف‌پذیری و نوآوری نشان داد و با خوش‌بینی و امیدواری به سوی اهداف نامشخص و مبهم گام برداشت. اگر چنین زمینه‌هایی وجود داشته باشند، آنگاه می‌توان با کمک سایر افراد خوشبین و جسور، یک تیم زبده و اهل خطر کردن را ایجاد و مدیریت نمود.

ارزش درستکاری و اعتماد

بخش هایی از کتاب خرد جمع، یا خرد نخبگان؟
نوشته جیمز سارووِیکی

به کوشش مهندس محمدمهدی تابع قانون

راستی کن که راستان رَستند
راستان در جهان قوی دستند
(اوحدی مراغه‌ای)

در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، بخش اعظم اقتصاد انگلستان در دست یک اقلیت مذهبی نسبتاً کوچک به نام «کواکرها[1]» بود. کواکرها فرقه‌ای مذهبی بودند که خود را در هیچ یک از شاخه‌های مسیحیت، یعنی کاتولیک، پروتستان و ارتودکس نمی‌دیدند و به صورت یک فرقه نیمه مخفی هنوز هم در آمریکا و انگلیس فعالند.

به هر حال، کواکرها در آن زمان بیش از نیمی از صنایع فولاد را در اختیار خود داشتند و هر دو بانک بزرگ انگلستان، یعنی بارکلیز[2] و لویدز[3] در اختیار آنان بود. تسلط بلامنازعی هم بر بازار شکلات و بیسکویت داشتند و به طور کلی، در دنیای آن زمان، نقش تعیین کننده‌ای را در برقراری روابط تجاری بین کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس و عمدتاً بریتانیا و آمریکابازی می‌کردند.

آنچه در این رابطه مهم و گفتنی است، این است که موفقیت خیره‌کننده کواکرها، از معاملاتی آغاز شد که آنان بین خود انجام می‌دادند. کواکرها چون از ورود به کلیه مشاغل دولتی منع شده بودند، لذا تمامی توجه‌شان معطوف به امور تجارتی شده بود. آنان به منظور ایجاد تسهیلات در معاملات، برای یکدیگر اعتبارات مالی قایل می‌شدند. این اعتبار ناشی از اطمینان خاطر بسیار بالایی بود که فرد فروشنده نسبت به خریدار احساس می‌کرد. بنابراین، بنیان تجارت آنان مبتنی بر اساس راستی و درستکاری و اعتماد بود. به عنوان مثال، اگر یکی از آنان در فیلادلفیا احتیاج به کالایی داشت، دیگری بدون دریافت پیش پرداخت، آن کالا را از لندن برای وی می‌فرستاد تا بعداً وجه آن را در زمان معینی دریافت کند.

بدین ترتیب، آوازه معاملات بی‌خدشه و توأم با صداقت کواکرها، به سرعت در نقاط دیگر دنیا پیچید و کواکرها به انسان‌هایی درستکار، جدی و همچنین دقیق در امر تجارت معروف شدند. مردم هم از انجام معامله با آنان، احساس آرامش می‌کردند و با رغبت تمام روابط تجاری خود را با آنان گسترش می دادند. این‌گونه بود که کواکرها به صورت سرسام‌آوری رشد کردند.

سپس مردم با آگاهی از راز و رمز موفقیت کراکرها، بیش از پیش متوجه شدند که برخورداری از راستی

برخورداری از راستی و درستکاری در انجام معاملات، عامل عمده ای برای پیشرفت و موفقیت است.

و درستکاری در انجام معاملات، عامل عمده‌ای برای پیشرفت و موفقیت است. در واقع، درستکاری نتیجه‌اش تنها یک پاداش معنوی نبود، بلکه به طور ملموس شکل مادی نیز به خود می‌گرفت.

اما از طرف دیگر، با اوج گیری جریان فساد در بازار بورس آمریکا و در پی رشد حباب‌گونه بازار سهام در سال‌های واپسین دهۀ ۱۹۹۰ و آغازین ۲۰۰۰، دیگر سخن گفتن از صداقت و درستکاری در تجارت ساده لوحانه به نظر می‌رسید. یک تحلیل از جریان‌های مزبور آن بود که آنچه پیش آمد، نتیجه غیرقابل اجتناب فرهنگ و تفکر غالب بر جامعه بود که حرص و خودمحوری را سرلوحه کار خود قرار می‌داد. به عبارت دیگر، یکی از جلوه‌های نظام اقتصاد آزاد که برخی به آن اعتقاد راسخ دارند، تجارت بی‌ترحم است، ولی این نحوه تلقی با واقعیت‌های موجود در این نظام انطباق کامل ندارد، زیرا با گذشت قرن‌ها، سیر تکاملی سرمایه‌داری به سمت برقراری اعتماد در روابط تجاری و شفافیت در انجام معاملات حرکت کرده است. در واقع، همین امر که باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی در جوامع غربی بوده، اتفاقی نیست. این سیر تکاملی، مدیون سرشت نیک سرمایه‌داران نیست، بلکه بیشتر مربوط به این است که افراد احساس می‌کردند که در جو اعتماد و درستکاری، منافعشان بهتر تأمین می‌شود و سود بیشتری عایدشان می‌گردد. اگر معاملات همواره در هاله‌ای از شک و ابهام قرار می‌گرفتند، هم بر حجم و هم بر سرعت آن‌ها تأثیر فوق‌العاده منفی می‌گذاشت. از آن مهمتر، هزینه انجام معاملات نیز بالا می‌رفت، چرا که فرد باید زمان و هزینه‌ای را صرف تحقیق و بررسی کارنامۀ تجاری طرف مقابل خود می‌کرد. دستگاه‌های قضایی نیز باید به طور دایم به کار گرفته می‌شدند تا قراردادهای منعقد شده بین فعالان اقتصادی محترم شمرده شوند و کسی به فکر تعدی و تجاوز نیفتد.

لازم به توضیح است که آنچه در مناسبات اقتصادی به عنوان «اعتماد» به کار می‌رود، با ایمان بدون خدشه و اعتقاد راسخ به یک اصل که مثلاً در قلمرو مذهب یافت می‌شود، تفاوت دارد. در اقتصاد، به همین اندازه که طرفین در مورد انجام تعهدات خود به یکدیگر اعتماد کنند، کافی خواهد بود. «توماس شلینگ»، اقتصاددان، در این مورد می‌گوید: «کافی است شما قصد انجام معامله‌ای را در یک کشور توسعه‌نیافته داشته باشید تا متوجه شوید که اعتماد و درستکاری چه سرمایه بزرگی در مناسبات اقتصادی است.»

لازم به توضیح است که البته در یک نگاه عمیق‌تر روشن می‌شود که موضوع درستی و نادرستی، مقوله‌ای است فراتر از مرزبندی‌های سیاسی- جغرافیایی رایج و می‌توان موارد زیادی از هر دو نوع پدیده مزبور را در هر دو نوع جوامع توسعه‌یافته و توسعه نایافته ملاحظه کرد. به نظر می‌رسد که بهترین تعبیر در این مورد را می‌توان در یکی از نوشته‌های «دانیل دفو»[۴] رمان- نویس و روزنامه نگار انگلیسی در قرن هجدهم یافت. او در یکی از آثارش می‌گوید: «تاجر درستکار، حکم یک جواهر را دارد و در هر کجا که یافت شود، ارزشمند است.»

«آدام اسمیت» نیز در کتاب «ثروت ملل» می‌نویسد: «وقتی که بخش بزرگی از مردم وارد خرید و فروش می‌شوند، با خود صداقت و وقت‌شناسی را به ارمغان می‌آورند.» «منتسکیو» نیز اعتقاد داشت که تجارت، نهاد انسان را جلا می‌دهد. مطالعات «ریچارد تیلی»[۵] نیز نشان می‌دهد که تجار آلمان و بریتانیا در سال‌های آغازین دهه ۱۸۰۰ دریافتند که صداقت و درستکاری، با سودآوری بیشتر مترادف است. به همین علت بود که در پایان قرن نوزدهم، سازمان‌ها و انستیتوهایی بوجود آمدند تا بر حسن انجام معاملات نظارت کنند. نکته

یکی از جلوه های نظام اقتصاد آزاد که برخی به آن اعتقاد راسخ دارند، تجارت بی ترحم است، ولی این نحوه تلقی با واقعیت های موجود در این نظام انطباق کامل ندارد، زیرا...

مهم در این رابطه آن است که سازمان‌های مزبور، از درون شرکت‌های تجاری و از میان خود تجار پدید آمدند و شکل گرفتند و ابداً هم جنبه دولتی نداشتند. درواقع، تجار می‌خواستند با سیستم «خودسازماندهی[6]» و «خودتنظیمی[7]» مراقب باشند که افراد سودجو و نادرست، بر اثر ارتکاب اعمال خلاف، صنف آن‌ها را بدنام نکنند.

چندی بعد، در وال استریت نیز مجموعهٔ بانکی و مالی «جی پی مورگان[8]» با تکیه بر اصل اعتماد، کسب و کار پررونقی را بوجود آورد. در آن هنگام، در هر کجا که شرکت بزرگی تأسیس می‌شد و یکی از مدیران جی پی مورگان در آن مسوولیتی را به عهده می‌گرفت، برای سرمایه‌گذاران امنیت خاطر پدید می‌آورد، اما در عین حال، در قلب تحولات بزرگی که به رشد غول آسای نظام سرمایه داری منجر شد، این اصل نهفته بود که سرمایه‌داران به انباشت سرمایه بیش از سود توجه می کردند. این اصل بدون تردید پایه سرمایه داری مدرن را تشکیل می‌دهد.

اما از طرف دیگر، همانطور که «تیلی» به درستی متذکر شده، بسیاری از سرمایه‌داران به تدریج دریافتند که به جای انجام یک معامله با سود بالا که در آن تقلب به کار رفته باشد، انجام سلسله‌ای از معاملات توأم با صداقت، نهایتاً سودآورتر است، زیرا پایبندی به درستی و صداقت، شهرت اشخاص و یا شرکت‌ها را دهان به دهان منتقل می‌نمود و به طور تصاعدی بر حجم معاملات و سوددهی آنان می‌افزود. بنابراین، از دیدگاه این گروه از فعالان اقتصادی، اصل درستکاری و اعتماد، تنها یک اصل یا یک رویکرد اخلاقی و دلخواه تلقی نمی‌شود، بلکه یک ضرورت در مناسبات تجاری است. روشن است که این رویکرد، البته یک رویکرد همگانی نیست و چه‌بسا دیده می‌شود که آنچه در نظام جاری بازار ضروری تشخیص داده شده و عملاً مورد توجه قرار می‌گیرد، تنها «تصور اعتماد» است که باید در مردم ایجاد شود و «تصور صداقت» است که باید در ذهن مصرف‌کننده نقش بندد، نه اصل صداقت و اعتماد. مضافاً اینکه نگاه بازار به مردم و انسان به طور کلی، نگاهی مکانیکی، مادی و کاربردی است و به همین علت، ملاحظه می‌شود که تمامی مستندات اقتصادی، اعم از تحقیقات، مطالعات، آمارها، اطلاعات و اخبار از «مردم» با عنوان «مصرف‌کننده» یاد می‌کنند. گویی مهمترین بعد انسان از لحاظ بازار و فعالان اقتصادی، همانا نقشی است که انسان می‌تواند در رونق کسب و کار و افزایش سود و بالابردن تولید ناخالص ملی داشته باشد!

صرفنظر از دو نکته فوق که در حاشیه بحث اصلی مطرح شدند، شایان ذکر است که پیش از شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری، اعتماد و درستکاری، بیشتر جنبه شخصی و یا حداکثر گروهی داشتند. به عبارت دیگر، شما به فرد دیگری اعتماد می‌کردید، چون او را می‌شناختید، اما با شکل‌گیری نظام اقتصاد بازار به شیوه مدرن، اعتماد خود به خود به صورت بخشی از مناسبات اقتصادی درآمد. در این شرایط، شما با افرادی به خرید و فروش می‌پردازید که هیچگونه شناختی از آن‌ها ندارید. علتش هم این است که اعتماد، اصلی پذیرفته‌شده و حاکم بر روابط اقتصادی شده است.

پیوند پولی

مکانیزم اقتصاد آزاد و نظام سرمایه‌داری، تنها اصل اعتماد را عمومی نکرد، بلکه به گفتهٔ «کارل مارکس»، نظام ارتباطات اجتماعی قبلی را که مبتنی بر همخونی و یا دوستی و علاقه بود، به یک «پیوند پولی[9]» تبدیل نمود. با این همه، عمومی شدن اصل اعتماد، حسن این سیستم بشمار می‌رفت. به عبارت دیگر، اگر این اعتماد در محدودهٔ افرادی که شما نسبت به آنان شناخت داشتید، باقی می‌ماند، گسترش روابط اقتصادی میسر نمی‌شد. به قول اقتصاددان «استیفن ناک[10]» در تجارت، به‌خصوص در جوامع بزرگ و پیچیده، چیزی که مهم است، این است که دو غریبه از دو نقطهٔ دور از یکدیگر بتوانند با هم رابطه تجاری برقرار کنند.

اما چون در جوامع مبتنی بر مکانیزم اقتصاد بازار، اعتماد به عنوان زمینه زندگی روزمرهٔ شناخته شده است، لذا دیگر کمتر قابل رؤیت است. شما می‌توانید به هر مغازه‌ای قدم بگذارید و سی‌دی یا کتابی را که در کشوری هزاران کیلومتر دورتر تولید شده است، خریداری کنید، آنهم با این اطمینان خاطر که حتماً جنس مرغوبی بدست شما داده شده است. جوامع مزبور چون به این سیستم عادت کرده‌اند، لذا قابل اعتمادبودن بازار را امری بدیهی می‌انگارند، حال آنکه چنین موردی را باید یک موفقیت عظیم برای آن سیستم بشمار آوریم.

ادامه دارد

1 . Quaakers
2 . Barclays
3 . Lioyds
4 . Daniel Defoe
5 . Richard Tilly
6 .Self-Organizing
7 . Self Regulating
8 .JP Morgan
9 . Money Nexus
10 . Stephen Knack

برای شکست‌خوردن همیشه فرصت باقیست.
(جان مورتیمر)

اَسرار موفقیت

بخش دوم

«اَسرار موفقیت» نام کتابیست گردآوری‌شده توسط «پاتریک چان» و ترجمه‌شده به فارسی توسط «فرهاد فروغمند». این کتاب، مجموعه ای است از جملات و عبارات موجز و الهام‌بخش از شخصیت‌های مطرح و شناخته‌شده معاصر که در دوران حیات خویش به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند و منشأ اثرهایی بوده‌اند و اینک حاصل عمر یا به عبارت دیگر، اسرار موفقیت خودشان را بدین صورت در اختیار آیندگان قرارداده‌اند. این کتاب را در این صفحات به تدریج مرور می کنیم.

فصل اول این مجموعه، به نظریات «آنتونی رابینز» اختصاص یافته است که قبلا ضمن معرفی مختصر او، مروری داشتیم بر بعضی از نظریاتش و اینک ادامه نظریات رابینز در باره اسرار موفقیت را ملاحظه فرمایید.

* زندگی همواره میزان ثبات رأی و پایبندی ما را می‌سنجد و بهترین پاداش‌ها در زندگی از آن کسانی است که پایبندی بی‌پایان خود به عمل‌کردن تا دستیابی به نتیجه را نشان می‌دهند. این میزان ثبات رأی، می‌تواند کوه‌ها را تکان دهد، ولی باید مستمر و مستحکم باشد. هر چند که ساده به نظر می‌رسد، ولی وجه تمایز آنانی که در زندگی به رؤیاهای خود می‌رسند و آنهایی که با پشیمانی زندگی می‌کنند، همین است.

* راه دستیابی به موفقیت، عمل گسترده و مصمم است.

* مهم نیست که چه به دست می‌آوریم، بلکه چه کسی می‌شویم و چه چیزی را می‌دهیم است که به زندگی ما معنا می‌بخشد.

* اغلب مردم خبر ندارند که اگر همه منابع خودمان را برای کسب تبحر در یک زمینه خاص زندگی متمرکز کنیم، فوراً به چه قدرت عظیمی دست پیدا می‌کنیم

* بسیاری از مردم می‌دانند که در زندگی چه باید بکنند، ولی عده کمی به آنچه می‌دانند، واقعاً عمل می‌نمایند. دانستن کافی نیست، باید عمل کنید!

* عمل، کلید بنیادی رسیدن به همه موفقیت‌ها است.

* آنچه اکنون برای شما اتفاق می‌افتد، یا قبلاً اتفاق افتاده است، تعیین‌کننده آنچه که خواهید شد، نیست،

◄ اگر همان کاری را بکنید که همیشه می‌کرده‌اید، به همان چیزی می‌رسید که تا کنون رسیده‌اید.

بلکه تصمیماتتان درباره اینکه بر چه چیزی تمرکز کنید و در مورد آن چه کاری را انجام دهید، سرنوشت نهایی‌تان را رقم می‌زند.

* سوال‌های کیفی، زندگی باکیفیت می‌آفرینند. افراد موفق سوال‌های بهتری را می‌پرسند و در نتیجه، جواب‌های بهتری را هم می‌گیرند.

* موفقیت در زندگی، حاصل قضاوت صحیح است؛ قضاوت صحیح، معمولاً ناشی از تجربه است؛ تجربه هم معمولاً از قضاوت ناصحیح به دست می‌آید.

* واقعیت این است که هیچ کاری نیست که نتوانی انجام دهی اگر...

* اعتقادات، قدرت ساختن و قدرت نابودکردن دارند. انسان‌ها از این توانایی عالی برخوردارند که بتوانند از هر تجربه‌ای در زندگی‌شان مفهومی را خلق کنند که قدرت آنان را از دستشان بگیرد، یا اینکه واقعاً زندگی‌شان را نجات بخشد.

* ما تنها موجودات روی زمین هستیم که از آنچنان توان درونی غنی‌ای برخورداریم که نه خود وقایع، بلکه نحوه تفسیر ما از وقایع است که تعیین‌کننده اندیشه ما در باره خودمان و همچنین چگونگی عملکردمان در آینده است.

* هیچ وقت محیط شکل‌دهنده وقایع زندگی ما نیست، بلکه مفهومی که ما به وقایع می‌دهیم، یا نحوه تفسیر ما از وقایع، شکل‌دهنده آن چیزی است که امروز هستیم و آن چیزی است که فردا خواهیم شد.

* وقایع، زندگی ما را شکل نمی‌دهند، بلکه باور ما از معنی وقایع، این کار را می‌کند.

* یکی از دلایل اینکه عده کمی از ما به آنچه واقعاً می‌خواهیم، می‌رسیم، این است که به کانون توجه خود جهت نمی‌دهیم و توان خودمان را بر چیزی متمرکز نمی‌سازیم. اغلب مردم راه خودشان در زندگی را به صورت سرسری طی می‌کنند و هیچگاه تصمیم نمی‌گیرند که در چیز خاصی تبحر پیدا کنند.

* اگر همان کاری را بکنید که همیشه می‌کرده‌اید، به همان چیزی می‌رسید که تا کنون رسیده‌اید.

* اختیار احساسات روزمره خودتان را به دست بگیرید و شروع کنید به تغییر شکل آگاهانه و سنجیده زندگی خودتان.

◄ اگر نمی‌توانید، به آن علت است که مجبور نیستید؛ اگر مجبور باشید، می‌توانید.

* اکنون به یک چهارراه رسیده‌اید، به موقعیتی رسیده‌اید برای اخذ مهمترین تصمیمی که می‌توانید بگیرید. پس گذشته را فراموش کنید، امروز که

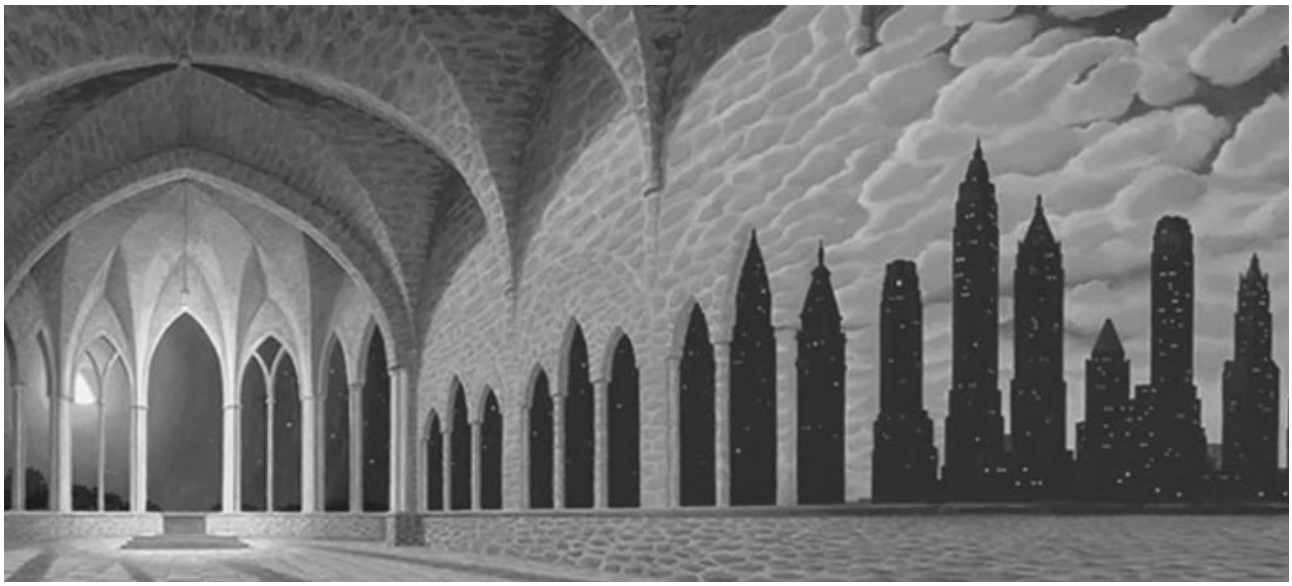

هستید؟ تصمیم گرفته‌اید که اکنون واقعاً چه کسی باشید؟ به آنچه قبلاً بوده‌اید، نیندیشید، اکنون که هستید؟ تصمیم گرفته‌اید چگونه فردی باشید؟ این تصمیم را آگاهانه بگیرید، با دقت و با قدرت.

* همه پیشرفت‌های غیرمنتظرهٔ شخصی، با تغییری در باورها شروع شده‌اند. حال باید ببینیم که باورهای ما چگونه تغییر می‌کنند؟ مؤثرترین راه این است که در فکر خود رنج‌های فراوانی را به باورهای قدیمی‌مان مرتبط سازیم. باید عمیقاً احساس نمایید که آن باورها نه‌تنها موجب رنج شما در گذشته شده‌اند، بلکه در حال حاضر هم باعث اذیت شما می‌شوند و در آینده نیز شما را آزار خواهند داد. حال این باور قدرتمند و تازه را با شادمانی به افکار قبلی خودتان بیفزایید.

* در لحظات تصمیم‌گیری است که سرنوشت شما شکل می‌گیرد.

* اعتقاد دارم که بیش از هر چیزی، تصمیمات ما- و نه شرایط زندگی ما- سرنوشتمان را تعیین می‌کنند.

* مهمترین کاری که برای دستیابی به اهدافتان باید بکنید، این است که بلافاصله پس از تعیین هدف، حرکت کنید. مهمترین قاعده‌ای که در راه رسیدن به اهدافم بکار بسته‌ام، از مرد بسیار موفقی آموخته‌ام که به من یاد داد که ابتدا هدفم را بنویسم و سپس هیچگاه نگاهم را از روی آنچه نوشته‌ام،

راه دستیابی به موفقیت، عمل گسترده و مصمم است.

برندارم، مگر اینکه گام مثبتی در جهت رسیدن به آن برداشته باشم.

* زندگی شما در همان لحظه‌ای که تصمیمی نو، متعهدانه و سنجیده می‌گیرید، تغییر می‌کند.

* اهداف ما وسیله‌ای برای رسیدن به یک پایان هستند، نه مقصود نهایی زندگی؛ فقط ابزارهایی هستند که باید توجهمان را بر آنها متمرکز کنیم تا ما را در جهتی که می‌خواهیم، حرکت دهند. تنها دلیل واقعی دنبال کردن اهدافمان، رشد و گسترش خودمان است. صِرف رسیدن به اهداف، هیچگاه ما را در درازمدت خوشبخت نخواهد کرد، بلکه آنچه می‌شوید است که پس از غلبه بر موانع، عمیق‌ترین و بادوام‌ترین احساس رضایت را به شما می‌دهد.

* صریحاً تصمیم بگیرید که برای رسیدن به چه چیزی کاملاً مصمم هستید. برای این کار:

– باید تصمیم بگیرید که به شکل گسترده‌ای عمل کنید

– باید تشخیص بدهید که در این راه چه چیزی کارآیی دارد و چه چیزی ندارد.

– باید همواره در راهکار خودتان تغییراتی را ایجاد نمایید تا به آنچه می‌خواهید، برسید و در این راه، از همه امکاناتی که زندگی برایتان فراهم می‌نماید، استفاده کنید.

* اگر نمی‌توانید، به آن علت است که مجبور نیستید؛ اگر مجبور باشید، می‌توانید.

* ما هماهنگ با دیدگاهمان از این که واقعاً چه هستیم، عمل می‌کنیم، چه آن دیدگاه درست باشد، چه نه.

* هرگاه صادقانه بخواهید تغییری را بوجود آورید، اولین کاری که باید بکنید، بالابردن سطح معیارهایتان است. وقتی مردم از من می‌پرسند که هشت سال پیش چه چیزی زندگی‌ام را تغییر داد، پاسخ می‌دهم: قطعاً مهمترین عامل، توقعم از خودم بود. آنچه را که دیگر در زندگی‌ام قبول نمی‌کردم، آنچه را که دیگر تحمل نمی‌کردم و آنچه را که شوق رسیدن به آن را داشتم، بر روی کاغذ آوردم.

ادامه دارد

منبع:

1) www.esuccessmastery.com

2) www.rahpoo.com

3) www.eft.ir

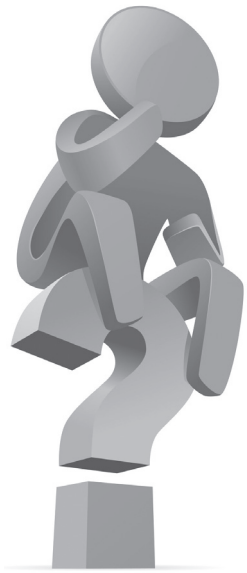

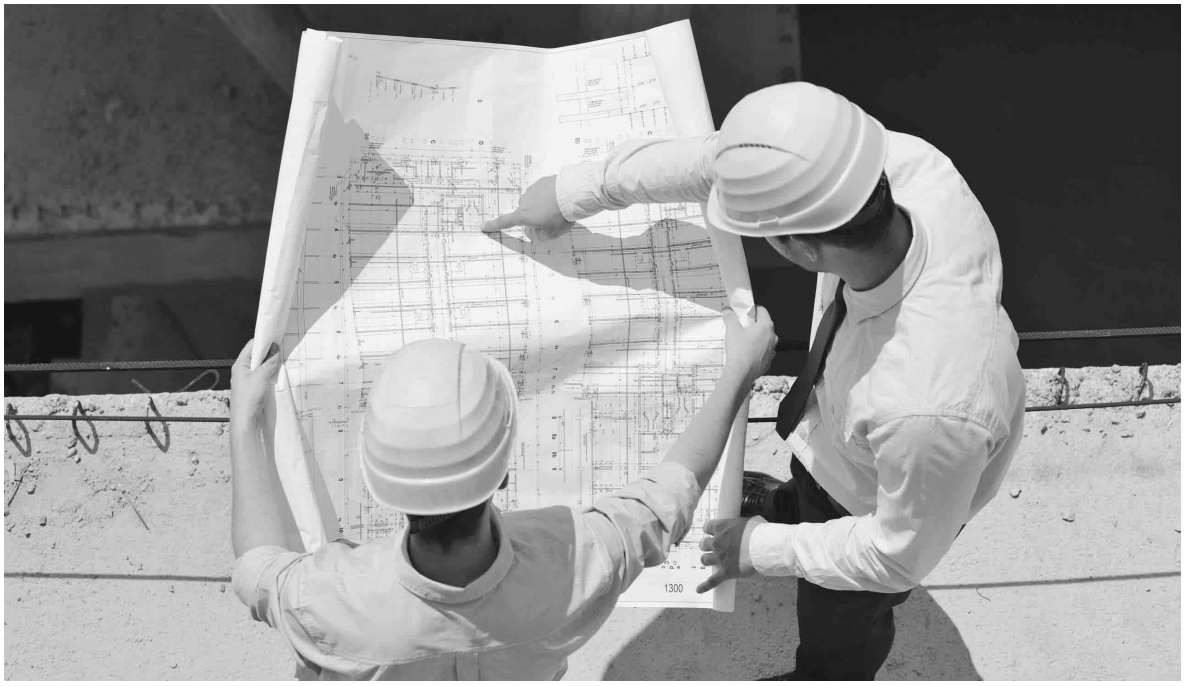

گفتگوی شهروند با دکتر بیژن بیدآباد:

یارانه نقدی، بلای جان توسعه ایران

یارانه پرداخت‌شده در پنج سال گذشته، معادل کل بودجه عمرانی کشور در پنج سال بود و می شد با آن، حدود ۳۷هزار کیلومتر خط ریلی ساخت.

گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان هدفمندی یارانه‌ها نشان می‌دهند که طی پنج سال گذشته (از دی‌ماه سال ۱۳۸۹ تا پایان بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴) رقمی معادل ۲۲۰ هزار میلیارد تومان صرف پرداخت یارانه نقدی شده است که تنها حدود ۱۶۰هزار میلیارد تومان آن از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مانند سوخت تأمین شده و در نتیجه، حدود ۵۳ هزار میلیارد تومان از محل بودجه عمومی مصوب مجلس و پنج هزار و۷۰۰ میلیارد تومان هم از طریق استقراض از بانک مرکزی توسط دولت قبل تأمین شده است.

یادآوری می کند که در ابتدای اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، قرار بود که منابع مالی اجرای این قانون، تنها از محل درآمد ناشی از اصلاح قیمت‌ها در اختیار مردم قرار گیرد، اما این اتفاق رخ نداد و با یک حساب سرانگشتی درمی‌یابیم که میزان پرداخت یارانه نقدی، ۲۸ درصد بیشتر از درآمدهای حاصل از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی بوده که می‌توان از آن به عنوان کسری بودجه هدفمندی یارانه‌ها یاد کرد. صرف‌نظر از اما و اگرهای اجرای این طرح و تأثیر آن بر شاخص‌های کلان اقتصادی، در صورت مقایسه این رقم با بودجه سایر بخش‌ها، به اعداد جالبی برمی‌خوریم که بررسی آنها خالی از لطف نیست.

برابری رقم یارانه با رقم بودجه عمرانی کشور

آن‌گونه که آمارها نشان می‌دهند، رقم یارانه پرداختی دولت، نزدیک به بودجه عمرانی کشور طی پنج سال گذشته بوده است. به عبارت دیگر، اگر دولت طی دوره پنج ساله اجرای قانون هدفمندی، بودجه مربوط به یارانه نقدی را به بخش‌های عمرانی کشور اختصاص می‌داد، عملکرد بودجه عمرانی کشور دوبرابر امروز بود، اما این تنها یک طرف ماجراست، چون بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اگر این رقم هنگفت به جای پرداخت به مردم، صرف گسترش راه‌ها که خود محرک توسعه و رشد اقتصادی است، می‌شد، در آن صورت، شرایط اقتصاد ایران بسیار متفاوت‌تر از چیزی می بود که الآن هست. دکتر بیژن بیدآباد، کارشناس مسایل اقتصادی، با بیان این‌که ساخت هر کیلومتر راه‌آهن در کشور حدود پنج تا هفت میلیارد تومان هزینه دارد، می‌گوید: با بودجه یارانه پرداختی در یک‌سال (۴۴هزار میلیارد تومان) می‌توان هفت هزار و۳۰۰ کیلومتر راه‌آهن احداث کرد. به عبارت دیگر، با یارانه نقدی پرداختی دولت طی پنج سال به میزان ۲۲۰ هزار میلیارد تومان، می‌توان ادعا کرد که یارانه نقدی معادل با هزینه ساخت حدود ۳۷هزار کیلومتر خطوط ریلی راه‌آهن (با میانگین قیمت شش میلیارد تومان برای هر کیلومتر) در کشور بوده است.

این کارشناس مسایل اقتصادی همچنین معتقد است که دولت باید بودجه خود در بخش عمرانی را افزایش دهد تا راهی برای گریز از رکود بیابد. دولت بودجه ۵۹ هزار میلیارد تومانی را برای پروژه‌های عمرانی در نظر گرفته که اگر چه در مقایسه با بودجه ۴۷/۳ هزار میلیارد تومانی سال گذشته از رشد قابل توجهی برخوردار است، ولی برای شرایط فعلی اقتصاد و دوران پسابرجام کافی نیست.

نیمه‌تمام ماندن ۷۴ درصد از پروژه‌های کلنگ‌زده‌شده

صرف‌نظر از افزایش بودجه بخش عمرانی در سال جاری، بررسی عملکرد بودجه عمرانی در ۱۳سال گذشته نشان می‌دهد که در هیچ یک از این سال‌ها– حتی در سال‌هایی که قیمت نفت به بالای ۱۱۰ دلار رسید– صد درصد اعتبارات این بخش پرداخت نشده است. در ۱۳سال گذشته، یعنی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ تنها ۶۷ درصد از اعتبارات عمرانی محقق شده و از آن‌جا که همواره در این سال‌ها اعتبارات پیش‌بینی شده، نسبت به اعتبار مورد نیاز پروژه‌ها کمتر بوده، لذا از مجموع ۵۲۶ طرحی که در هر سال باید به اتمام می‌رسیدند، تنها ۱۲۶ طرح خاتمه یافته اند که به مفهوم نیمه‌تمام ماندن ۷۴ درصد از پروژه‌های کلنگ‌زده شده است. نیمه‌تمام ماندن پروژه‌ها سبب شده است که هزینه‌ای معادل ۹۰ هزار میلیارد تومان مازاد بر پیش‌بینی قوانین بودجه، بر اقتصاد تحمیل شود. به عبارت ساده‌تر، در ۱۳سال گذشته، در مجموع ۴۱ درصد از اعتبارات عمرانی برای پرداخت هزینه تاخیر در اتمام طرح‌ها بوده و نه عملیات جدید. میزان تحقق پروژه‌های عمرانی در خلال سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در این سال‌ها، شش هزار و۲۰۱ پروژه باید اجرا می‌شدند، اما تنها هزار و ۵۳۸ طرح

بررسی عملکرد بودجه عمرانی در ۱۳سال گذشته نشان می‌دهد که در هیچ یک از این سال‌ها– حتی در سال‌هایی که قیمت نفت به بالای ۱۱۰ دلار رسید– صد درصد اعتبارات این بخش پرداخت نشده است.

خاتمه یافته که ۲۵ درصد از کل پروژه‌های لازم‌الاجرا را شامل می‌شود. از سوی دیگر، در سه‌سال گذشته، یعنی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ به‌طور متوسط سالانه ۶۳۷ طرح عمرانی باید به اتمام می‌رسیدند که تنها ۱۶درصد، یعنی ۱۰۰ طرح پایان یافته است.

۲۰۰هزار میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز دولت

در این میان، مرکز پژوهش‌های مجلس هم در گزارشی اعلام کرده است که دولت برای اتمام دوهزار و۹۰۶ طرح نیمه‌تمام، به ۲۰۰هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌ها، با توجه به این‌که این میزان نقدینگی هم‌اکنون در اختیار دولت نیست و اجرای طرح‌های عمرانی هم معمولا بیش از یک‌سال زمان نیاز دارد، لذا برای پایان یافتن این طرح‌ها در یک دوره هشت تا ۱۰ساله و با درنظر گرفتن رشد هزینه‌ها و ضریب تعدیل، این عدد به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، این یعنی دوبرابرشدن هزینه. بد نیست بدانید که آخرین آمار اعلام شده در مورد تعداد پروژه‌های نیمه‌تمام، از عدد دوهزار و۹۰۶ پروژه صحبت کرده است.

گلگشت

سه سیلی محکم!

در طول تاریخ، سه سیلی محکم، بشر را از خواب چندین هزار ساله بیدار کرده است :سیلی اول را «کوپرنیک» نواخت. او ثابت کرد که نه تنها کره زمین مرکز کاینات نیست، بلکه سیاره ای کوچک است که گرد خورشید می گردد! سیلی دوم را «چارلز داروین» نواخت. او به انسان که خودش را «اشرف مخلوقات» می دانست، نشان داد که این خبرها نیست و انسان چندان اختلافی با سایر جانداران ندارد !سومین سیلی را هم «زیگموند فروید» به گوش انسان زد. او اثبات کرد که عقل پادشاه وجود انسان نیست، بلکه عامل مهم تری بر رفتار و گفتار ما اثر دارد و آن هم ناخودآگاه ماست !

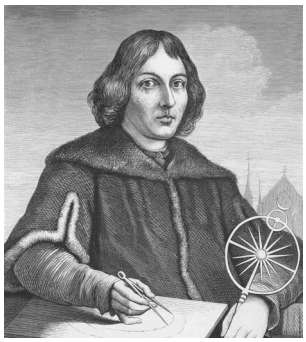

کوپرنیک

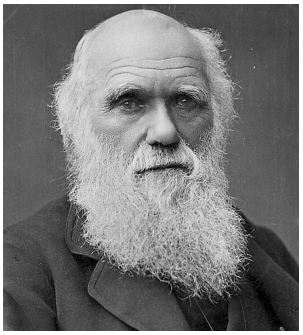

چارلز داروین

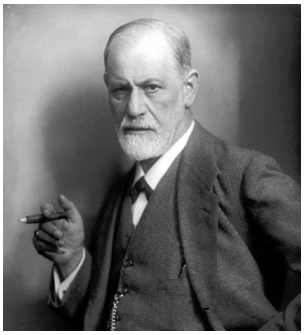

زیگموند فروید

اما سیلی چهارمی که امروز می بایست نواخته شود تا مردم خواب آلوده سرزمین های بخواب رفته را بیدار کند، این است که راه آزادی و مدنیت، نه از خیابان ها و با مشت های گره کرده، بلکه از آرامش کتابخانه ها می گذرد. برای همین است که کتابخانه در سرزمین های بخواب رفته، امن ترین مکان برای عنکبوت هاست!

کوتاه ترین داستان دنیا

برای فروش: کفش بچه، هرگز پوشیده نشده (**For Sale: Baby Shoes, Never Worn**)

نوشته بالا فقط یک جمله نیست، بلکه کوتاه ترین داستان جهان است که توسط «ارنست همینگوی» نوشته شده. گفته می‌شود ارنست همینگوی این داستان شش کلمه ای را برای شرکت در یک مسابقه داستان کوتاه نوشته و برنده جایزه نیز شده است.

ارنست همینگوی

* **تولستوی:** عشق ورزیدن کافی است، آنگاه همه چیز لذت بخش است.

سعادت ما و سعادت دیگران

سمیناری برگزار شد و ۵۰ نفر در آن حضور یافتند. سخنران مراسم، پس از ایراد سخنانی در خصوص مفهوم سعادت، به هر یک از حاضران بادکنکی داد و تقاضا کرد که هر کس با ماژیک اسم خود را روی بادکنک بنویسد. بعد از انجام این کار، سخنران بادکنک‌ها را جمع کرد و آنها را در اتاقی که جنب سالن برگزاری سمینار قرار داشت، گذاشت. سپس از حاضران خواست که به آن اتاق بروند و هر کس بادکنکی را که نام خودش بر روی آن نوشته شده، بیابد. بنا بر تأکید سخنران، همه باید ظرف یک دقیقه بادکنک خود را می‌یافتند.

پس از اعلام سخنران، همه دیوانه‌وار به اتاق مزبور هجوم بردند و به جستجو پرداختند. آنان یکدیگر را هُل می‌دادند، به یکدیگر برخورد می‌کردند و هرج و مرجی را به راه انداخته بودند که حد نداشت. سرانجام، مهلت به پایان رسید و هیچ کس نتوانست بادکنک خود را بیابد. بعد از همه خواسته شد که هر یک بادکنکی را به طور اتفاقی بردارد و آن را به کسی بدهد که نامش روی آن نوشته شده است. در این وضعیت، در کمتر از یک دقیقه همه به بادکنک های خودشان دست یافتند

سخنران پس از این آزمایش رو به حضار کرد و گفت: «همین اتفاق در زندگی همه ما می‌افتد، یعنی همه مان دیوانه‌وار و سراسیمه در جستجوی سعادت خویش به این سوی و آن سوی می دویم و به همه چیز چنگ می‌اندازیم، در حالیکه سعادت ما در سعادت و مسرت دیگران است. پس با یک دست سعادت دیگران را به آنها بدهید و با دست دیگر سعادت خودتان از آنها بگیرید.»

ارزش اتحاد

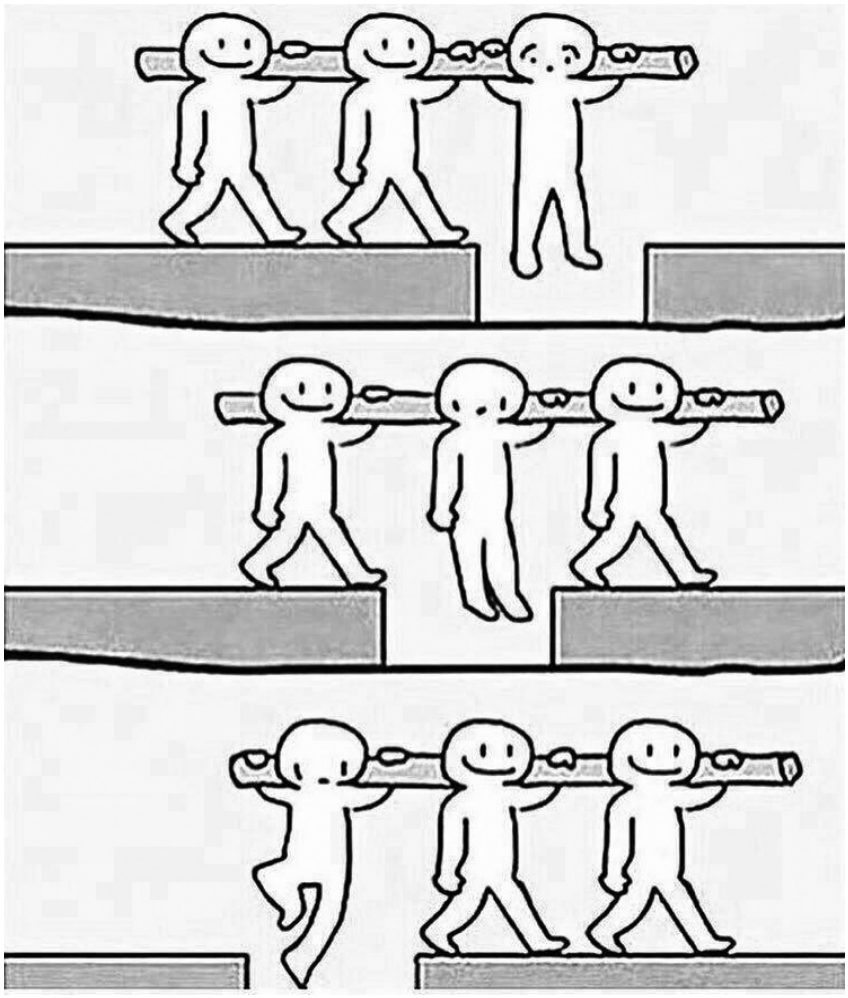

ریاضیدانِ شاعر

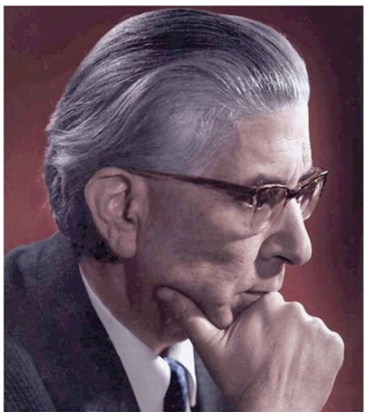

پروفسور محسن هشترودی، متولد۲۲ دی ۱۲۸۶ در تبریز و درگذشته ۱۳ شهریور ۱۳۵۵در تهران از ریاضی‌دانان معاصر ایران بود. او پس از پایان تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالفنون تهران برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و مدرک دکترای خود را در ریاضیات از دانشگاه سوربن در فرانسه دریافت کرد. وی پس از بازگشت به تهران، مقام استادی دانشسرای عالی، ریاست دانشگاه تبریز و ریاست دانشکده علوم دانشگاه تهران را عهده‌دار بود.

پروفسور هشترودی که از طرفداران سرسخت علوم پایه بود، در عین حال، به شعر و موسیقی و فلسفه نیز علاقه داشت و می توانست مطالب علمی را به زبان ساده بیان کند. وی به عنوان یک متفکر منتقد پیشرو و ریاضیدان نامدار ایرانی، دارای اهمیت نمادین و شخصیتی اثرگذار در جامعه علمی معاصر ایران بشمار می رود. غزل زیر، نمونه ای از ذوق و استعداد این ریاضیدان و شاعر معاصر است.

ریاضیات شاعرانه (قیاس ریاضی در ادبیات)

منحنی قامتم، تابع ابروی توست
خط مجانب بر آن، طره گیسوی توست
حد رسیدن به تو، مبهم و بی انتهاست
بازه تعریف دل، در حرم کوی توست
چون به عدد یک تویی، من همه صفرها
آن چه که معنی دهد، قامت دلجوی توست
پرتو خورشید شد مشتق از آن روی تو
گرمی جان بخش آن، جزیی از آن خوی توست
بی تو وجودم بود یک سِری واگرا
ناحیه همگراش، دایره روی توست

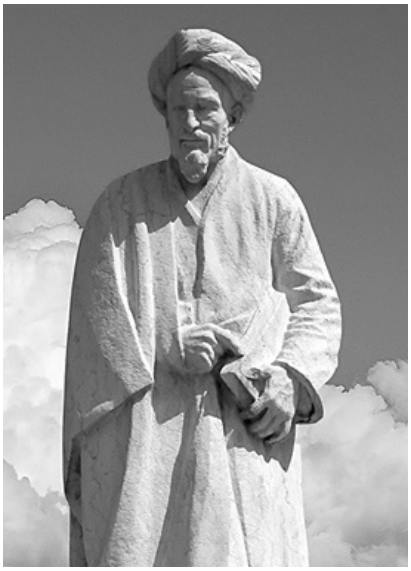

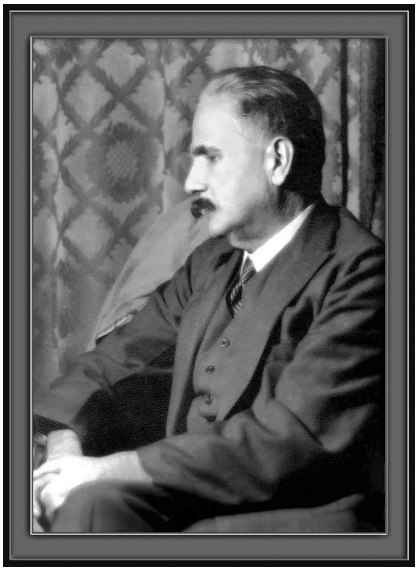

جستاری در ادب و زبان فارسی

احمدرضا دالوند

لغتنامه‌ها «ادب» را دانش، فرهنگ، معرفت و روش پسندیده تعریف می‌کنند و «ادبیات» را علومی دانسته‌اند که مربوط به ادب باشد، و به آنچه درباره علوم و مسایل ادبی و مربوط به «علم ادب» باشد، «ادبیات» می‌گویند و اما «علم ادب» علمی است که با تسلط بر آن، شخص می‌تواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد و سخن درست و نادرست و خوب و بد را بشناسد. قدما آن را شامل علوم صرف و نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بدیع، عروض و قافیه و بهره‌یافتن از هر دانشی به قدر حاجت دانسته‌اند.

«انشاء» یعنی پدیدآوردن، آفریدن، از خود چیزی گفتن و آغازکردن، یکی از فنون ادب و عبارت است از نوشتن نامه‌های خصوصی یا رسمی یا عهدنامه‌ها و فرمان‌ها. در قدیم کسی را که متصدی این کار بود، «منشی» می‌گفتند. منشی کسی بود که در علوم ادبی دست داشت. تشکیلاتی تحت عنوان «دیوان رسائل» یا «دیوان منشی» در دوران خلفا و پادشاهان در حاکمیت اسلامی وجود داشت که در حکم یک وزارتخانه بود. البته همه بزرگان تعلیم و تربیت توصیه می‌کرده‌اند که ابتدا باید بر فنون «املا» مسلط شد، آنگاه صلاحیت پرداختن به «انشاء» فراهم می‌شود.

ایرانیان در علم ادب و با تکیه بر ظرفیت‌های زبان فارسی در همه عالم شهره‌اند. سعدی چنین سروده است: معانی است در زیر حرف سیاه / چو در پرده معشوق و در میغ ماه.

«سیبویه»، زبان‌شناس معروف ایرانی، نخستین فردی بود که برای زبان عربی صرف و نحو (گرامر) نوشت و صداها را در این زبان مشخص ساخت. بنابراین، علامات ضمه، فتحه، کسره و تنوین‌ها اختراع و کار سیبویه ایرانی است. وی با این عمل عنوان «سیبویه نحوی» را به خود اختصاص داد. بدون کاری که سیبویه کرد و در آن زمان یک شاهکار بود، پیشرفت زبان عربی میسر نبود و استحکام این زبان به این صورت باقی نمی‌ماند. به این ترتیب، این ایرانیان بودند که برای اعراب دستور زبان (صرف و نحو) نوشتند.

هنگامی که از ادبیات یک ملت نام برده می‌شود، قضاوت درباره آنها به صورت من‌حیث المجموع در سراسر تاریخ است. به علاوه، وقتی که به ادبیات فارسی اشاره می‌رود، یعنی مطالبی که به صورت نظم و نثر و غیر داستانی و مستند در سراسر ایران زمین و نیز توسط ایرانیان و فارسی‌گویان سراسر جهان در طول زمان تألیف و تصنیف شده است. قلمروی ادبیات فارسی، شامل تمامی خاک امپراتوری قدیم ایران است. بنابراین، ادبیات سرزمین کنونی ایران، کل آسیای میانه، ایران خاوری (افغانستان تا رود سند)، کشمیر، قفقاز و ایران غربی سابق را شامل می‌شود.

می‌دانیم که قرن‌ها زبان دربار امپراتوران هند و عثمانی و روشنفکران هندی و روسیه جنوبی، «فارسی» بود و در آنجا می‌توان «امیر خسرو دهلوی» و «محمد اقبال» را مثال زد. پس از ایجاد کشور پاکستان، سرود ملی آن کشور به زبان فارسی تنظیم شد. در حال حاضر هم در افغانستان، تاجیکستان و هر نقطه دیگر، هر نوشته توسط فارسی‌زبانان و فارسی‌تبارها، ادبیات فارسی بشمار می‌رود. در همه دایره‌المعارف‌ها، ادبیات فارسی به‌عنوان وسیع‌ترین ادبیات در همه جهان توصیف شده است که با احتساب «اوستا» سابقه سه‌هزار ساله دارد.

ادبیات فارسی، به ویژه در قرون وسطا، دارای بهترین کیفیت در طول تاریخ است. ارزش جامعه‌شناسی ادبیات فارسی قرون وسطا در این است که آکنده از پند و نصیحت به همگان از نوجوانان تا دولتمردان است. کثرت شعر در ادبیات فارسی، این زبان را که معرف روانشناسی و وسعت اندیشه مردمانش است، به «زبان شعر» معروف ساخته و ما باید آن را مرهون سامانیان و فردوسی و شعرای قرن ۹ تا ۱۳ میلادی خود بدانیم که عمدتاً از ایران خاوری و شمال خاوری (افغانستان و آسیای میانه) و فارس برخاسته بودند. همین اشعار بود که موسیقی ایرانی را متمایز از موسیقی سایر ملل کرده است.

ادبیات یک ملت، مرزهای قراردادی را نمی‌شناسد و در نتیجه، سند هویت و وحدت مردمی است که این ادبیات متعلق به آنان است و در مالکیت آنها شریک هستند. این افتخاری بزرگ است که کتاب «کاووسنامه» (قابوسنامه) که ۱۱ قرن پیش، توسط یک شاهزاده مازندرانی از دودمان زیاریان نوشته شده، به همه زبان‌ها ترجمه شده است؛ نخست به یونانی و سپس به ترتیب اسپانیایی، لاتین (ایتالیایی قدیم)، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و...

همچنین باید بدانیم که ادبیات در جهان عرب، با ترجمه «کلیله و دمنه» از فارسی ساسانی به عربی در قرن هشتم میلادی توسط «روزبه» (ابن مقفع) آغاز شد.

منبع: روزنامه شهروند، دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۴

اخبار

برجام و اقتصاد مقاومتی؛ فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

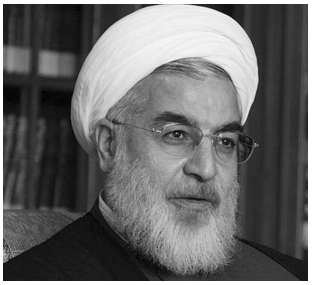

به گزارش حوزه دولت خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، دکتر حسن روحانی در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های کشورمان در خارج از کشور در همایش «برجام و اقتصاد مقاومتی؛ فرصت‌ها و ظرفیت‌ها» گفت: جمهوری اسلامی ایران توانست در موضوع هسته‌ای، ماه‌ها با قدرت‌های جهانی گفتگو کرده و این مذاکره را آبرومندانه به پایان برساند و این در حالی است که در چند دهه اخیر، کمتر کشوری قادر بوده در موضوعی پیچیده با قدرت‌های جهانی مذاکره کرده و به توافقی با این ابعاد دست پیدا کند.

رییس جمهوری سپس با بیان اینکه در سیاست خارجی نگاه صفر یا صدی معنا ندارد، افزود: لغو ادعاهای واهی و قطعنامه‌های ظالمانه علیه ملت ایران، مستلزم تلاشی سخت و پیچیده بود که در برجام حاصل شد و این موفقیت حقوقی و سیاسی بزرگی برای ملت ایران بشمار می‌رود. دکتر روحانی آنگاه با تأکید بر ضرورت استفاده از فرصت بوجودآمده پس از برجام برای تعامل با دنیا با درنظرگرفتن شرایط کشور و اجرای سریع‌تر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، گفت: یکی از پایه‌های سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، درون‌زابودن و برون‌گرابودن است و سفرای ایران در کشورهای مختلف می‌توانند در زمینه برون‌گرابودن اقتصاد فعالیت‌ها و نقش بسزایی را ایفا کنند.

رییس جمهوری رفع بیکاری و اشتغال جوانان را از مهم‌ترین مسایل کشور و اولویت‌های برنامه اقتصادی دولت برشمرد و گفت: دولت یازدهم از ابتدای فعالیت خود، با سه مشکل رکود، تورم و بیکاری مواجه بود و با برنامه‌ریزی و تلاش مسوولان، توانست در زمینه تک‌رقمی کردن نرخ تورم و کاهش رکود، گام‌های خوبی را بردارد و حتی در زمانی که بسیاری از کشورهای منطقه به خاطر کاهش بهای نفت با مشکلات بسیاری مواجه بودند، در ایران ارزش پول ملی حفظ شد و روند کاهنده تورم و رشد اقتصادی ادامه داشت.

روحانی در ادامه سخنان خود با تأکید بر اینکه به حرکتی سریع برای دستیابی به رونق اقتصادی نیاز داریم و برجام این فرصت را ایجاد کرد که با رفع تحریم‌ها بتوانیم با دنیا تعامل لازم را برای جذب سرمایه، تسهیلات مالی و فناوری داشته باشیم، ادامه داد: معرفی بهتر ظرفیت‌ها و فرصت‌های کشور و ارتباط بخش های خصوصی، مأموریت مهم سفراست و سفرای ایران در خارج از کشور باید ظرفیت‌ها و فرصت‌های کشور را به خوبی برای سرمایه‌گذاران خارجی تشریح و تبیین کنند.

آیین نامه اجرایی ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار ابلاغ شد

معاون اول رییس جمهوری آیین نامه اجرایی ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار را که به تصویب هیأت وزیران رسیده است، برای اجرا به وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت- جهاد کشاورزی- نفت- نیرو- ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ابلاغ کرد.

به موجب ماده ۲ این آیین‌نامه، کلیه شرکت های ارایه‌دهنده خدمات، شامل شرکت‌های عرضه کننده برق، گاز، خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات، موظفند متن قراردادهای تأمین خدمات به واحدهای تولیدی را به گونه‌ای تنظیم نمایند که تأمین خدمات وفق مفاد قرارداد در تمام دوره قرارداد تداوم یابد. واحدهای تولیدی موضوع این آیین‌نامه، شامل کلیه واحدهای تولیدی صنعتی، معدنی و کشاورزی دارای مجوز از وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی و سایر مراجع ذیربط قانونی می‌باشند.

طبق مفاد ماده ۳ این آیین‌نامه، قطع خدمات واحدهای تولیدی در شرایط غیراضطراری و پیش‌بینی شده در قرارداد مجاز نمی‌باشد. چنانچه در شرایط عادی خدمات واحدهای تولیدی قطع شود، شرکت‌های ارایه‌دهنده خدمات، موظفند براساس قراردادهای منعقده، نسبت به جبران خسارت برابر ماده ۲ این آیین‌نامه اقدام کنند. البته پرداخت خسارت به شرکت‌ها، منوط به عدم وجود بدهی معوق به شرکت ارایه‌کننده خدمات است. ضمناً برای مواردی که قطع و یا کاهش ارایه خدمات قابل برنامه‌ریزی می‌باشد، شرکت ارایه‌دهنده خدمات موظف است حداقل ۲۴ ساعت قبل از اعمال محدودیت یا قطع خدمات، مراتب را به مشترکین تولیدی اعلام کنند.

طبق مفاد ماده ۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور همه‌ساله اعتبار لازم برای جبران خسارت شرکت‌های ارایه‌دهنده خدمات، ناشی از تصمیم دولت برای قطع جبران خدمات به واحدهای تولیدی را در لوایح بودجه سالانه پیش‌بینی خواهد کرد. شرکت‌های ارایه‌دهنده خدمات نیز می‌توانند برای ایفای تمام یا بخشی از تعهدات خود ناشی از اجرای این آیین‌نامه، نسبت به بیمه تأمین خدمات موضوع این آیین‌نامه اقدام کنند.

مطابق مفاد این آیین‌نامه، واحدهای تولیدی که به لحاظ آسیب‌پذیری تجهیزات و یا مسایل ایمنی ناشی از قطع خدمات متحمل خسارت زیاد می‌شوند، موظفند مراتب را با ذکر موارد آسیب و حداقل خدماتی که باید دریافت کنند، به شرکت های ارایه‌دهنده خدمات قبلاً اعلام نموده و یا در مفاد قرارداد فیمابین ذکر کنند.

افزایش بهره تبدیل نور به الکتریسیته با استفاده از نقاط کوانتومی

گروهی از محققان آمریکایی، برای ترکیب‌کردن ویژگی جذب نور فوق العاده نقاط کوانتومی با رسانایی کنترل‌پذیر نیمه‌رسانای سولفید قلع لایه‌ای، راهکاری را ارایه کرده‌اند.

به گزارش گروه علمی ایرنا از ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، بهره گیری از انرژی خورشید و ایجاد ابزارهای حسگری نوری، نیازمند ماده‌ای است که هم بتواند نور را با بهره بالا جذب نماید و هم انرژی آن را به جریان الکتریکی تبدیل کند. یافتن مخلوط ایده‌آلی از این ویژگی‌ها در یک ماده، مشکل است و در نتیجه، دانشمندان به دنبال ترکیب مواد مختلف و ایجاد ماده هیبریدی با ویژگی‌های مورد نظر بوده‌اند.

در دو مقاله‌ای که اخیراً توسط محققان آزمایشگاه ملی بروکهاون وابسته به وزارت انرژی آمریکا، دانشگاه استونی بروک و دانشگاه نبراسکا منتشر شده، راهکاری برای ترکیب‌کردن ویژگی جذب نور فوق‌العاده نقاط کوانتومی با رسانایی کنترل‌پذیر نیمه‌رسانای سولفید قلع لایه‌ای ارایه شده است. این ماده هیبریدی هم در بررسی‌های آزمایشگاهی و هم درون ابزارهای الکترونیکی توانست از طریق جذب نور توسط نقاط کوانتومی و انتقال انرژی جذب شده به نیمه‌رسانای سولفید قلع، کارایی بالاتری در بهره‌گیری از انرژی خورشیدی از خود نشان دهد. از این ماده می‌توان در کاربردهای اپتوالکترونیکی همچون ابزارهای فتوولتاییک، حسگرهای نوری و دیودهای نورافشان (LED) استفاده کرد.

بنابر گفته میرسیا کاتلت، شیمی- فیزیکدانی که رهبری این کار را در آزمایشگاه بروکهاون بر عهده داشته است: دی‌کالکوژنیدهای فلزی دوبعدی همچون دی‌سولفیدها، ویژگی‌های نویدبخشی همچون مساحت سطحی بالا برای استفاده در تبدیل انرژی خورشیدی و حسگرهای نوری دارند، اما هیچ ماده نیمه‌رسانایی همه ویژگی‌های مورد نیاز را ندارد. این مواد بسیار نازک بوده و جاذب‌های خوبی برای نور بشمار نمی‌روند. بنابراین، تلاش کردیم تا آنها را با نانومواد دیگری همچون نقاط کوانتومی جاذب نور مخلوط کرده و بدین ترتیب، عملکرد آنها را از طریق انتقال انرژی بهبود بخشیم.

محققان مزبور همچنین مشاهده کردند که با افزایش تعداد لایه‌های نازک دی‌اکسید قلع، انتقال غیرتابشی انرژی از نقاط کوانتومی به این لایه‌ها افزایش می‌یابد، اما ارزیابی‌های آزمایشگاهی برای اثبات قابلیت‌های این ماده کافی نبود. بنابراین، محققان مزبور ماده جدید را در یک ترانزیستور نوری اثر زمینه استفاده کردند. این ترانزیستور، نوعی شناساگر نوری است که به طور معمول در کاربردهای حسگری نور به کار می‌رود. استفاده از این ماده جدید در این ترانزیستورها موجب بهبود عملکرد آنها شده و در نتیجه، پاسخ نوری این ترانزیستورها ۵۰۰ درصد افزایش یافته است.

نتایج این کار در مجلات ACS Nano و Applied Physics Letters منتشر شده‌است.

علاقمندی ژاپن به حضور و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ایران

سفیر ژاپن در ایران گفت: امیدواریم که بتوانیم در بخش آب همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشیم.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کوبا یاشی، سفیر ژاپن در ایران، در دومین همایش همکاری‌های مشترک صنعت آب و فاضلاب ایران و ژاپن، ضمن ابراز خرسندی از اینکه اینگونه جلسات و همایش‌ها منجر به همکاری‌های جدی دو کشور شود، اظهار داشت: در حال حاضر، در دفتر خاورمیانه مرکزی، آموزش‌هایی در بخش آب داده می‌شود و همکاری‌های خوبی بین دو کشور در زمینه آب صورت گرفته است.

وی سپس با اشاره به اینکه ما در سال ۲۰۱۶ درصدد هستیم که همکاری‌های مشترکی با ایران داشته باشیم، خاطرنشان ساخت که شرکت‌های زیادی به دنبال سرمایه‌گذاری در بخش آب و فاضلاب ایران هستند و امیدوارند که بتوانند انتقال تکنولوژی داشته باشند

وی در ادامه با ابراز تأسف از اینکه طی سال‌های گذشته به‌دلیل تحریم‌ها فعالیت‌های شرکت‌های ژاپنی در ایران محدود شده بود، تصریح کرد که در حال حاضر، برای گسترش روابط باید جلسات اقتصادی زیادی بین بخش خصوصی دو کشور برگزار شود.

در همین زمینه خبر دیگری هم توسط همین خبرگزاری منتشر شده است حاکی از اینکه حمیدرضا جانباز، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب کشور، درباره همکاری شرکت‌های بخش خصوصی ایرانی و ژاپنی در پروژه‌های مربوط به آب و فاضلاب صحبت کرده و گفته است: برخی از این پروژه‌ها، نمک‌زدایی در سواحل، احداث تعدادی تصفیه‌خانه آب و فاضلاب و خطوط انتقال آب هستند. وی در ادامه تصریح کرده است: دلیل مشارکت ما با شرکت‌های ژاپنی، عدم توانمندی شرکت‌های ایرانی نیست، بلکه مشکل ما تأمین سرمایه و کمبود نقدینگی در کشور است و این شرکت‌ها می‌توانند نسبت به این موضوع اقدام کنند.

جانباز خاطرنشان کرد: با توجه به بضاعت نیروی انسانی و کارخانجات موجود در کشور، شرکت‌های بخش خصوصی دو کشور می‌توانند تولید مشترک داشته باشند. وی سپس یادآور شد: مثلاً در زمینه لوله‌ها، کشور ما لوله‌سازان قدر و صاحب نامی دارد و شرکت‌های ژاپنی با همکاری بخش خصوصی ایران می‌توانند با تولید مشترک، بازارهای منطقه را در دست بگیرند

آمار نگران‌کننده بی‌سوادی در ایران

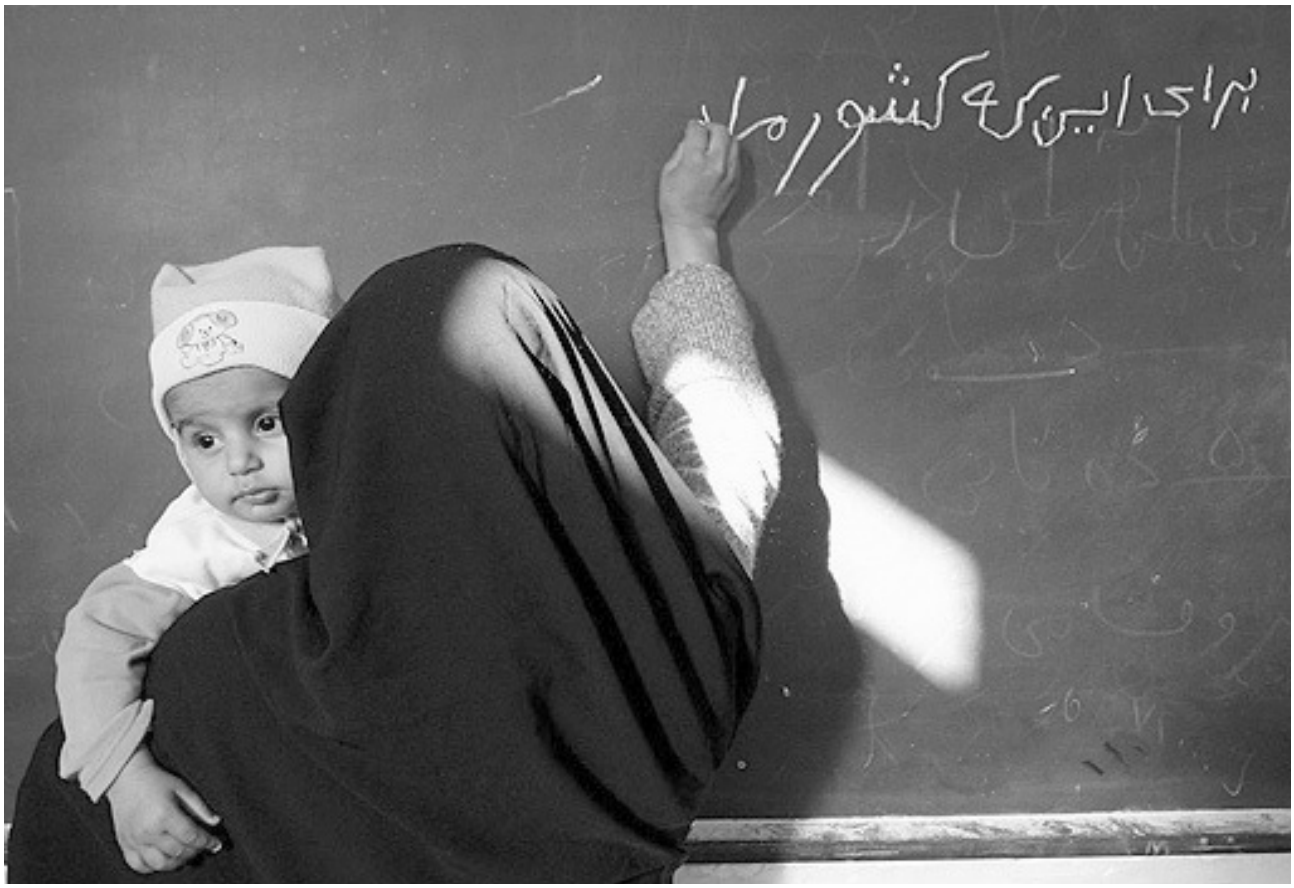

«نهضت سوادآموزی ایران» در تعریف بی‌سوادی می‌گوید: «شخصی که قادر به نگاشتن و خواندن یک بیانیه ساده در مورد زندگی نباشد و از انجام محاسبات چهار عمل اصلی ریاضی ناتوان باشد، بی‌سواد اطلاق می‌شود.»

بر اساس این تعریف و بر اساس سرشماری سال ۹۰، تعداد نُه میلیون و ۷۱۹ هزار نفر در کشور، یعنی در حدود ۱۴ درصد از گروه سنی بالای شش سال، بی‌سواد مطلق محسوب شده‌اند. این تازه جدای از آمار کم سوادان است که اگر آن نیز بخواهد لحاظ شود، وضع بحرانی‌تر می‌شود، چنان‌که در حدود ۱۰ میلیون ایرانی تنها تا پنجم ابتدایی تحصیل کرده‌اند و ۱۰ میلیون نیز تنها تا سطح سیکل به مدرسه رفته‌اند. جمع این اعداد، آن هم با آمار سال ۹۰، عددی به شدت نگران‌کننده را ترسیم می‌کند. این آمار، یعنی آنکه چیزی نزدیک به ۳۰ میلیون ایرانی بی‌سواد و کم‌سواد هستند. قابل ذکر است که علی باقرزاده، رییس سازمان نهضت سوادآموزی نیز در اردیبهشت پارسال خبر از وجود نزدیک به سی میلیون ایرانی بی‌سواد و کم سواد داد و در این میان، تأسف بار آن‌که نزدیک به چهار میلیون نفر از ایرانیان بی‌سواد بین سن ۱۰ تا ۴۹ سال به سر می‌برند.

با این‌که مصوبه «شورای عالی آموزش و پرورش» نیز در تعریفی شبیه به تعریف نهضت سوادآموزی، هر فردی را که زیر سوم ابتدایی تحصیل کرده باشد، «بی‌سواد» می‌داند، اما اساساً این شاید تعریف ایرانیِ فرد بی‌سواد محسوب شود! چنان‌که کارن خانلری، عضو کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی، در این‌باره می‌گوید: «آمار بیش از نُه میلیون بی‌سواد، مربوط به افرادی است که هرگز به مدرسه نرفته‌اند و خواندن و نوشتن نمی‌دانند. این در حالی است که معیار بی‌سوادی در دنیای مدرن این روزها تغییر کرده است. به عبارت دیگر، در این دوران، افرادی که سواد استفاده از کامپیوتر و وسایل الکترونیکی را ندارند هم بی‌سواد محسوب می‌شوند. بنابراین، آمار بی‌سوادان کشور خیلی بیش‌تر از نُه میلیون نفر است.»

حال اگر تعریف جهانی و مدرن بی‌سوادی را نیز ندیده بگیریم، رقم رسمی نزدیک به ده میلیون بی‌سواد مطلق در ایران، به اندازه کافی گویای وضعیت بغرنج سواد در ایران هست، چنان‌که به زعم عطاءالله سلطانی‌صبور، دیگر عضو کمیسیون آموزش و پرورش، وجود نزدیک به ده میلیون بی‌سواد مطلق، «فاجعه» محسوب می‌شود. او این آمار را «بسیار بالا» می‌داند که باید برای رفع آن «اقدامات جهادی» انجام داد.

منبع:
https://telegram.me/Tavaana_TavaanaTech

بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران، با همکاری یونیدو

مدیر کل دفتر حمایت از مالکیت صنعتی وزارت صنعت، معدن و تجارت، با تأکید بر این که ایران از پتانسیل‌های گسترده‌ای برای بهینه‌سازی مصرف انرژی برخوردار است، گفت: پروژه مطالعاتی بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران، با همکاری سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO) در دست اقدام است.

سید مهدی میرصالحی در گفت و گو با خبرنگار علمی ایرنا افزود: ایران در اجرای این پروژه مطالعاتی مشترک با سازمان یونیدو، به دنبال بهبود هرچه بیشتر شاخص بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف انرژی، کاهش آلایندگی‌های زیست محیطی از طریق کاهش دی‌اکسید کربن در بخش‌های مختلف صنعتی کشور، از جمله صنایع آهن و فولاد، آجر، سیمان، پتروشیمی و پالایشگاهی است.

وی سپس با بیان این که وزارت صنعت، معدن و تجارت نقش هماهنگ کننده دستگاه‌های مختلف اجرایی در وزارتخانه‌های مختلف را در اجرای این پروژه بزرگ برعهده خواهد داشت، گفت: با اجرایی‌شدن این پروژه بزرگ مطالعاتی، می‌توانیم الگوی مصرف جدیدی را برای بخش صنعت کشور، به خصوص صنایع بزرگ تعریف و ارایه کنیم. مدیر کل دفتر حمایت از مالکیت صنعتی وزارت صنعت، معدن و تجارت افزود: بر اساس این الگو، ضمن این که مصرف انرژی در کشور بهینه می‌شود، بسیاری از صنایع بزرگ کشور میزان انتشار گازهای کربن خود را با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مدرن کاهش می‌دهند.

وی یکی از عمده دلایل بالابودن قیمت تمام‌شده محصولات و افزایش آلودگی های زیست محیطی را ارزان‌بودن انرژی در ایران دانست و گفت: استفاده از راهکارهای مناسب برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، به طور حتم کاهش سطح تقاضای انرژی، بهبود الگوی تولید–مصرف و همچنین بهبود ضریب استفاده از سیستم موجود و آزادسازی ظرفیت‌های بیشتر عرضه انرژی در بازارهای بین‌المللی انرژی را به همراه خواهد داشت.

یادآوری می کند که یونیدو، یا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، یک سازمان تخصصی زیرمجموعه سازمان ملل متحد است که مقر آن در وین می‌باشد. هدف اصلی این سازمان نیز ارتقا و تسریع توسعه صنعتی در کشورهای درحال‌توسعه و یا اقتصادهای در حال گذار و توسعه روابط صنعتی بین‌المللی است.

بهترین و بدترین شهر جهان برای زندگی

مرکز مشاوره مرسر (MERCER) اعلام کرد: وین، پایتخت اتریش، بالاترین سطح کیفی زندگی را در بین تمام شهرهای جهان داراست. طبق اعلام این مرکز، بغداد، پایتخت عراق نیز بار دیگر آخرین جایگاه را در این فهرست اشغال کرده است. در این فهرست زوریخ در سوییس، آوکلند در نیوزیلند، مونیخ در آلمان و ونکوور در کانادا در رتبه‌های بعد از وین قرار گرفته‌اند.

در این بررسی، عوامل و شاخص‌های متعددی همچون ثبات سیاسی، خدمات درمانی، تحصیل، میزان جرایم، شیوه‌های حمل و نقل و همچنین تفریح و سرگرمی در شهرهای بزرگ در نظر گرفته شده‌اند.

شایان ذکر است که در شهر وین با یک میلیون و ۷۰۰ هزار سکنه، نرخ اجاره خانه و هزینه حمل و نقل در میان پایتخت‌های کشورهای غربی پایین‌ترین نرخ است. به گزارش رویترز، دادن پایین ترین رتبه به بغداد هم ناشی از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و به دنبال آن، گسترش خشونت‌های فرقه‌ای در این کشور است.

این مطالعه که روی ۲۳۰ شهر انجام شده، به شرکت‌ها و سازمان‌ها کمک می کند تا مزایا و کمک هزینه‌های کارمندان بین‌المللی خودشان را تعیین کنند.

بیش از ۲۵۰ هزار نفر در اتریش بیکار هستند

بر اساس آخرین آمارهای اتحادیه اروپا، بیش از ۲۵۰ هزار نفر از جمعیت هشت میلیون نفری اتریش بیکار هستند.

به گزارش ایرنا و به نقل از روزنامه پرسه، این آمار در حالی منتشر می‌شود که وزارت کار اتریش اعلام کرده است که امسال آمار بیکاری حدود ۵/۸ درصد کاهش داشته است.

وزارت کار اتریش در این زمینه خاطرنشان کرد: با وجود آنکه شاهد کاهش آمار بیکاری بوده‌ایم، اما کماکان این تعداد بیکار در کشور غیرقابل قبول است و باید دولت تلاش مستمری داشته باشد تا آمار بیکاری کاهش یابد.

بنابر آمار اتحادیه اروپا، اتریش بعد از آلمان، جمهوری چک، انگلیس، استونی و ایسلند بیشترین آمار بیکاری را دارد. دو کشور یونان و اسپانیا نیز از لحاظ بیکاری، دارای بدترین وضعیت ممکن نسبت به دیگر اعضای اتحادیه اروپا هستند. به گفته برخی از کارشناسان اروپایی، رکود اقتصادی و نرخ بالای بیکاری میان جوانان تحصیل کرده، یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی اروپاست و ذهن بسیاری از مسوولان و دست‌اندرکاران دولتی قاره سبز را به خود مشغول کرده است.

مسوولان اتحادیه اروپا در پی بروز بحران بیکاری و البته نگرانی از مهاجرت نیروی کار جوان از اروپا به دیگر کشورها، جلسات مشورتی و گفت‌وگوهای متعددی را برگزار کرده اند و با تصویب بودجه‌های کلان در این زمینه، قصد کنترل و کاهش روند رو به رشد بیکاری در میان جوانان این قاره را دارند.

چاپ کتاب با پودر سنگ، بدون قطع درخت و حتی بدون مصرف آب

با حمایت محیط زیست استان بوشهر، کتابی تحت عنوان «اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی» تهیه شد و به چاپ رسید. تا اینجای این خبر مطلب تازه‌ای ندارد، ولی قسمت هیجان انگیزش در این است که کاغذ این کتاب، با پودر سنگ تهیه شده و برای چاپ آن هم هیچ درختی قطع نشده است!

به گزارش روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط استان بوشهر، حسین دلشب، مدیرکل حفاظت محیط زیست این استان که در کارگاه آموزشی مدیریت کربن و کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای شرکت کرده بود، ضمن برشمردن مهمترین اثرات گازهای گلخانه‌ای، یادآور شد که از سال ۱۹۷۹ میلادی تاکنون، میانگین دمای هوای سطح خشکی دو برابر دمای هوای سطح آب‌ها افزایش یافته است.

وی در این نشست به معرفی کتاب «اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی» نیز پرداخت و گفت: این کتاب توسط شرکت پتروشیمی پارس تهیه شده و به چاپ رسیده است. ضمناً کاغذ این کتاب با پودر سنگ تهیه شده و برای چاپ آن هم هیچ درختی قطع نشده است.

شایان ذکر است که کاغذ سنگ، نسل جدیدی از کاغذ است که در تهیه آن به جای چوب درختان، از پودر سنگ استفاده شده است. مقایسه این نوع کاغذ با کاغذ تهیه‌شده از چوب درخت و همچنین کاغذ بازیافتی، حاوی نتایج زیر است:

* تعداد اصله درخت قطع‌شده در کاغذ سنگ: صفر– در کاغذ چوب: ۲۰ اصله– در کاغذ بازیافتی: چهار اصله
* میزان آب مصرفی: در کاغذ سنگ: صفر– در کاغذ چوب: ۶۰ لیتر– در کاغذ بازیافتی: ۱۵ لیتر
* میزان تولید Co2: در کاغذ سنگ: ۶۰۰ کیلوگرم – در کاغذ چوب: ۱۵۰۰ کیلوگرم – در کاغذ بازیافتی: ۱۴۰۰ کیلوگرم
* استفاده از سفیدکننده‌ها: در کاغذ سنگ: ندارد– در کاغذ چوب: دارد– در کاغذ بازیافتی: دارد
* میزان مصرف انرژی: در کاغذ سنگ: 25 mill BT– در کاغذ چوب: mill BT 52 – در کاغذ بازیافتی: 40 mill BT

چگونه از میزان مصرف کولر بکاهیم؟

با توجه به فرارسیدن فصل گرما و شروع استفاده از کولرهای مختلف، لازم است نگاهی داشته باشیم به چگونگی کارکرد بهینه این وسیله.

در ابتدا باید یادآور شد که بهترین محدوده دمای آسایش در تابستان، ۲۴ تا ۲۶ درجه سانتی‌گراد است. بنابراین، سردکردن بیش از حد تجهیزات سرمایشی و روشن نگه‌داشتن مداوم آنها، باعث افزایش بی‌رویه مصرف انرژی می‌شود.

به‌گزارش خبرنگار ایسنا، بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، در بخش خانوارهای شهری، بیش از ۸۰ درصد از مردم، از تجهیزات سرمایشی مختلف به شرح زیر استفاده می‌کنند: حدود ۷۰ درصد از کولر آبی، ۱۸ درصد از کولر گازی و ۱۲ درصد از سایر سیستم‌های سرمایشی. بر اساس این آمار، تعداد کولرهای آبی در بین خانوارهای شهری حدود ۱۰ میلیون دستگاه و تعداد کولرهای گازی بیش از دو میلیون دستگاه است.

براساس پیشنهاد کارشناسان فنی سازمان بهره‌وری انرژی ایران، با رعایت نکاتی ساده، می‌توان ضمن افزایش کارایی کولرها، مصرف برق را نیز کاهش داد. در خصوص کانال‌کشی کولرها، هرچه مسیر کانال‌کشی کولرهای آبی پرپیچ و خم تر و طولانی‌تر باشد، فشار هوا در مسیر کانال‌ها افت بیشتری پیدا کرده و این امر موجب هدررفت انرژی می‌شود. بنابراین، انتخاب کوتاه‌ترین مسیر برای کانال کشی، می‌تواند یکی از راهکارهای موثر به منظور کاهش مصرف انرژی باشد.

همچنین تعویض بموقع پوشال، شست‌وشوی ماهانه و حل اشکالات کولر پیش از شروع به کار آن در فصل گرما، می‌تواند کارکرد کولرها را بهبود بخشیده و از هدررفتن سرما نیز جلوگیری کند، البته نوع کولر را باید متناسب با نوع آب و هوای هر منطقه انتخاب کرد. به عنوان مثال، از کولرهای گازی برای مناطق گرم و مرطوب و از کولر آبی برای مناطق گرم و خشک استفاده شود.

علاوه بر این، نصب سایبان بر روی پنل بیرونی، کندانسور کولر گازی می‌تواند به دور از تابش نور خورشید با راندمان بهتر و مصرف برق کمتر به تبادل حرارت و خنک‌کردن گاز مبرد کولر بپردازد. همچنین لازم است که هنگام نصب کولرهای گازی، پنل بیرونی آن‌ها به گونه‌ای نصب شود که جریان هوای آزاد در پشت آن به‌راحتی برقرار شود. ضمناً تجربه نشان داده است که با انجام سرویس و نگهداری مناسب، می‌توان تا ۲۰ درصد در مصرف برق کولر گازی صرفه‌جویی کرد.

دستمزد ناکافی، حوادث کار را افزایش می‌دهد

یک مقام مسوول کارگری، معتقد است که عدم پرداخت دستمزد مناسب به کارگران، موجب بالا رفتن حوادث ناشی از کار و پایین‌آمدن بهره‌وری در بنگاه‌ها می‌شود.

رحمت الله پورموسی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا اظهار کرد: با وجود آنکه کارگر در تولید و بهره‌وری بنگاه اقتصادی نقش بسزایی دارد، اما در مقابل کاری که انجام می‌دهد، دستمزد مناسب نمی‌گیرد و همین امر موجب می‌شود تا برای امرار معاش و تامین هزینه‌های زندگی، به جای هشت ساعت کار قانونی، ۱۶ ساعت و بعضاً تا ۲۴ ساعت سه شیفت کار کند.

وی در ادامه متذکر شد: عدم پرداخت دستمزد مناسب به‌نیروی کار، زمینه کاهش بهره‌وری، کیفیت نامرغوب تولید، بالا رفتن حوادث ناشی از کار و مشکلات روحی و جسمی را برای کارگران فراهم می‌کند.

این مقام مسوول کارگری سپس با اشاره به ماده ۴۱ قانون کار تصریح کرد: علیرغم آنکه دو بند مهم در ماده ۴۱ قانون کار لحاظ شده و در کنار نرخ تورم، به سبد معیشت خانوار اشاره شده است، اما متأسفانه این ماده قانونی به درستی اجرا نمی‌شود. وی ادامه داد: سبد معیشت خانوار کارگری، شامل خورد و خوراک، مواد غذایی، پوشاک، هزینه حمل و نقل، مسکن و آموزش است، اما آیا کارگر با ۸۱۲ هزار تومان، از عهده تمام این هزینه‌ها برمی‌آید؟

معاون اول رییس جمهوری:

اقتصاد مقاومتی، یعنی مردمی کردن اقتصاد و میدان‌دادن به بخش خصوصی

معاون اول رییس جمهوری گفت: مهمترین اقدام که امروز در دستور کار دولت قرار گرفته است، به حرکت‌درآوردن چرخ تولید و اقتصاد کشور است و معتقدیم که اقتصاد ایران همانند خودرویی است که در چاله‌ای گرفتار شده و اگر به آن کمک شود، قادر خواهد بود به حرکت خود ادامه دهد.

دکتر اسحاق جهانگیری، در جلسه ستاد اقتصاد مقاومتی استان خراسان رضوی اقتصاد مقاومتی را فرصت خوبی برای کار و فعالیت در کشور برشمرد و گفت: دولت می‌تواند از این فرصت به نحو مطلوب استفاده کرده و مسایل اقتصادی کشور را حل و فصل کند. معاون اول رییس جمهوری سپس با تأکید بر این که مشکلات اقتصادی کشور باید در پرتو سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مرتفع شوند، گفت: همه پذیرفته‌اند که اقتصاد، اولویت نخست کشور است و این موضوعی است که مقام معظم رهبری نیز در ابتدای سال در مشهد مقدس بر آن تاکید کردند و البته پیش از آن نیز در جلسات خصوصی اهمیت این موضوع را به دولت گوشزد کرده بودند.

جهانگیری در ادامه با اشاره به برخی محورهای اقتصاد مقاومتی نظیر تاکید بر بهره‌وری و دانش‌بنیان‌بودن اقتصاد، خاطرنشان کرد: تحقق این موضوع‌ها در کوتاه‌مدت میسر نیست و وقتی که گفته می‌شود اقتصاد باید دانش‌بنیان باشد، یعنی همه فعل و انفعالات اقتصادی کشور باید بر اساس دانش روز اتفاق بیفتد که البته این کار به صورت مقطعی و کوتاه مدت میسر نمی‌شود و همه دانشگاه‌ها، شرکت‌های پژوهشی و واحدهای صنعتی باید در این امر مشارکت فعال داشته باشند

وی در ادامه با تاکید بر اینکه بخش خصوصی باید به صورت جدی وارد عمل شود، گفت: یکی از مهمترین رویکردهای اقتصاد مقاومتی، مردمی کردن اقتصاد به معنای میدان‌دادن به بخش خصوصی است و لازم است که در این راستا مشکلات بخش خصوصی را برطرف کنیم.

وی همچنین با اشاره به محدودیت‌های موجود در بودجه دولت گفت: بخش اصلی بودجه، صرف حقوق کارمندان می‌شود و این بودجه امکان اجرای طرح‌های عمرانی را ندارد. به همین دلیل، قرار شده است که طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام به بخش خصوصی واگذار شوند. دکتر جهانگیری سپس با تأکید بر اینکه دولت از واگذاری طرح‌ها به بخش خصوصی به دنبال درآمد و یا فروش طرح‌ها نیست، گفت: با این کار، می‌خواهیم بخش خصوصی برای تکمیل طرح‌ها مشارکت کند و پس از بهره‌برداری و دریافت سود، در صورت تمایل می‌تواند طرح‌ها را به دولت واگذار نماید. معاون اول رییس جمهوری افزود: دو هزار طرح در این راستا از سوی سازمان مدیریت شناسایی شده‌اند و سازمان مزبور متعهد شده است که این طرح‌ها را تا پایان سال به بخش خصوصی واگذار کند، البته ما هم به صورت مستمر گزارش عملکرد سازمان را دریافت خواهیم کرد.

یک راه‌حل برای مشکل بیکاری

یک اقتصاددان گفت: بر اساس برآوردها، سرمایه ایرانیان خارج از کشور بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار است و اگر ۱۰درصد این منابع، یعنی ۴۰میلیارد دلار آن در داخل کشور سرمایه‌گذاری شود، مشکل بیکاری جوانان حل خواهد شد.

مهدی پازوکی در گفتگو با ایلنا همچنین با اشاره به لزوم گسترش صنعت توریسم در کشور و جذب منابع از این بخش، افزود: با توجه به اتفاقاتی که در کشورهای روسیه، ترکیه و کشورهای اطراف ایران رخ داده و ناامنی ایجاد شده در این کشورها، زمان حاضر، بهترین زمان برای جذب توریست‌های خارجی به ایران است که هم در ایجاد اشتغال و هم در تولید ناخالص ملی و هم در درآمدزایی بسیار موثرخواهد بود.

پازوکی سپس با اشاره به دو ویژگی منحصر بفرد ایران در منطقه افزود: انرژی ارزان و نیروی کار تحصیلکرده، از مزیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

این اقتصاددان در پایان با بیان اینکه نیازمند ایجاد امنیت در اقتصاد هستیم، گفت: باید شرایطی فراهم شود تا ریسک سرمایه‌گذاری در ایران کاهش یابد.

سیستم شگفت‌انگیز قنات

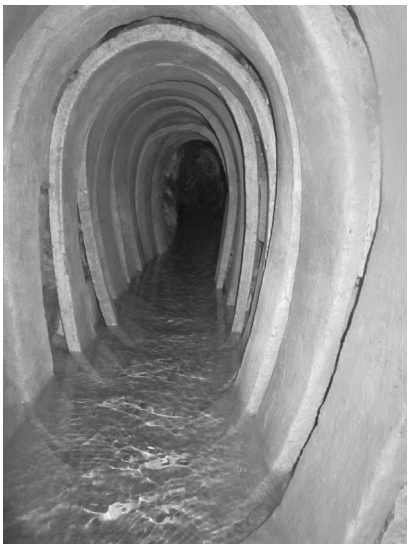

کارشناس محیط زیست آلمان، جنگل‌ها را ثروت طبیعی انسان دانست و گفت: می‌توانیم بدون نفت و روغن زندگی کنیم، اما بدون آب هیچ نوع زندگی امکانپذیر نیست.

به گزارش گروه علمی ایرنا از پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز، پروفسور هانس کناپ در کارگاه آموزشی این جشنواره با اشاره به اینکه فیلمسازان مسوول ایجاد ارتباط بین مردم و طبیعت هستند، افزود: فیلمسازان باید وجدان عمومی را بیدار کنند تا دل مردم نسبت به طبیعت نرم‌تر شود.

این کارشناس محیط زیست سپس با بیان اینکه ایران سرزمینی خشک است که آب و جنگل‌های زیادی ندارد، افزود: مشکلات زیست‌محیطی را که همه جهان را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند، می‌توان به دو بخش کمبود آب و از بین رفتن جنگل‌ها تقسیم کرد.

وی جنگل‌ها را نقطه قوت حکومت‌های قدیمی ایران معرفی کرد و با نشان‌دادن عکس‌هایی از پرسپولیس و اصفهان، پایتخت‌های گذشته ایران، گفت: همانطور که می‌بینید، پرسپولیس در منطقه جنگلی واقع شده و شهر اصفهان نیز روی زاینده‌رود ساخته شده است.

کناپ در ادامه سخنان خود به وجه دیگری از موضوع نیز اشاره کرد و افزود: سیستم قناتی هم که در ایران وجود دارد، بسیار شگفت‌انگیز است و این نشان می‌دهد که مدیریت آب در ایران در سطح بالایی قرار دارد.

خداحافظی با تلفن ثابت!

مطابق آمارهای جهانی، در حال حاضر، بیش از ۹۵ درصد جمعیت جهان تحت پوشش شبکه‌های تلفن همراه هستند و تعداد مشترکان موبایل از ۲/۲ میلیارد مشترک در سال ۲۰۰۵ به حدود ۷/۱ میلیارد مشترک در سال ۲۰۱۵ رسیده است، اما در کنار این رشد چشمگیر، استفاده از تلفن ثابت به تدریج کمتر و کمتر شده است، یعنی تعداد مشترکان تلفن ثابت دنیا، از ۱/۲۵ میلیارد مشترک در سال ۲۰۰۵ به حدود ۱/۰۶ میلیارد مشترک در سال ۲۰۱۵ رسیده. بنا به گزارش ایسنا، این موضوع تا حد زیادی به دلیل جایگزینی تلفن ثابت با موبایل است.

بدیهی است که این موضوع، تنها به همین جا ختم نشده و در زمینه اینترنت نیز اثرات خود را دارد. بر این اساس، تعداد مشترکان پهن باند سیار در سراسر جهان، از ۰/۸ میلیارد در سال ۲۰۱۰ به حدود ۳/۵ میلیارد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته، اما تعداد مشترکان پهن باند ثابت، رشد بسیار آرامتری تا حدود ۰/۸ میلیارد داشته است. این اتفاق در حالی رخ داده که تعداد کاربران اینترنت به سرعت در حال رشد است و برآورد آن در حال حاضر به بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان می‌رسد.

معماری و پیوند انسان با طبیعت

«وو ترونگ اِن گیا» (Vo Trong Nghia) معمارِ نوپردازِ صاحب‌سبکِ ویتنامی است که معتقد است معماری باید انسان را با طبیعت پیوند بدهد. بر اساسِ این طرزِ تفکر، ساختمان‌ها و فضاهای شهری که «وو» طراحی می‌کند، همه به مبارزه با مفهوم «شهر به مثابه جنگل بتُنی» می‌روند، مثلاً مهد کودک کشاورزی که شرکت او برای نگهداری از بچه‌های کارگران در نزدیکیِ هوشی‌مین سیتی در فضای یک کارخانه تولیدِ کفش طراحی کرده، سقفی سبز دارد که بچه‌ها می‌توانند رویش بازی کنند و در عینِ حال، فنونِ کشاورزی را بیاموزند. او ساختمان اداریِ دانشگاه «اف‌تی‌پی» هانوی را هم به شکل شطرنجی طراحی کرده، به نحوی که فضاهای بتنی با فضاهای سبز یک در میان جا عوض می‌کنند.

بنا به گزارش TavanaTech، «وو» از مواد ارزان‌قیمت قابلِ فراوری و عناصرِ طبیعی همچون آب و گیاهان برای آفریدنِ فضاهای شهریِ سبز استفاده می‌کند. او می‌گوید: معماری نه فقط باید زیبا باشد، بلکه باید انسان‌ها را هم با طبیعت پیوند بدهد. آرزوی او ساختنِ شهری است که در آن هر خانه مثلِ یک پارکِ کوچک باشد، و از به‌هم‌پیوستنِ این پارک‌های کوچک، شهری به وجود بیاید سراسر سبز.

مخترع ایمیل درگذشت

ری تاملیسون، مخترع ایمیل، چندی پیش فوت کرد. تاملیسون، برنامه‌نویس و پیشنهاددهنده علامت @ بود که در سن ۷۴ سالگی درگذشت. علت مرگ وی سکته قلبی گزارش شده است.

بنا به گزارش tech.tavana.org، تاملیسون اولین ایمیل را در سال ۱۹۷۱ میلادی ارسال کرد. او آن زمان کارمند شرکت بولت، برانک و نیومن در بوستون امریکا بود. این کمپانی نقش بسیار مهمی در ساخت اولین نسخه اینترنت، یعنی ARPANET داشت. او یکی از برنامه‌نویسانی بود که مشکلات پیش آمده ARPANET را بررسی و حل می‌کرد.

پیش از ری تاملیسون، برنامه‌نویسان دیگر هم تلاش کرده بودند تا سیستمی را برای ارسال و دریافت پیام بسازند و نسخه‌های اولیه‌ای نیز به بازار آمده بود که امکان اشتراک‌گذاری پیام را بین کاربران کامپیوتر فراهم می‌کرد، اما تاملیسون فرمان SNDMSG را ساخت که برخلاف نسخه‌های پیشین SNDMSG ایمیل‌هایی را ارسال می‌کرد که افراد دیگر می‌توانستند دریافت کنند. همین موضوع، اولین شبکه برنامه‌های پیام رسانی را ایجاد کرد.

تاملیسون همچنین برای اولین بار از علامت @ استفاده کرد که نام کاربر را از میزبان ایمیل جدا می‌کرد، اتفاقی که @ را از پرده بیرون آورد و آن را به آیکونی جهانی تبدیل کرد.

نام‌گذاری یک سیارک به اسم دانشمند ایرانی، فیروز نادری

دکتر فیروز نادری، مدیر اکتشافات منظومه شمسی سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا (ناسا) در صفحه فیس‌بوک خود خبر داد که این سازمان، یک سیارک را به نام «نادری» نام‌گذاری کرده است.

این دانشمند متولد شیراز که اخیراً اعلام کرده بود: بعد از ۳۶ سال فعالیت در ناسا، می‌خواهد بازنشسته شود، سه‌شنبه ۱۰ فروردین ماه با انتشار پیامی در صفحه فیس‌بوک خود اعلام کرد که در مهمانی خداحافظی با ناسا، خبردار شده است که سیارک ۵۵۱۵ با نام ۱۹۸۹ EL1 به اسم «نادری» نام‌گذاری شده است. فیروز نادری در این پیام می‌گوید: «پس از من، این سیارک تا میلیاردها سال دور خورشید خواهد گشت.»

سیارک «نادری» با قطر ۱۰ کیلومتر هر ۴/۴ سال یک‌بار به دور خورشید می‌گردد. این سیارک هر پنج ساعت و ۲۰ دقیقه یک‌بار نیز به دور خودش در گردش است و در کمربند بین مریخ و مشتری در حرکت‌می‌باشد.

شایان ذکر است که نادری، تحصیلات متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن، به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی‌گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را نیز در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی به اتمام رساند.

نیروگاه‌های قدیمی بازنشسته می‌شوند

وزیر نیرو گفت: با همکاری دولت و بخش خصوصی، باید زمینه انتقال تکنولوژی توربین‌های کلاس F به کشور و استقرار آن در نیروگاه‌های جدید فراهم شود.

به‌گزارش ایلنا، حمید چیت‌چیان در آیین امضای تفاهم‌نامه ۵۰۰۰ مگاوات برق حرارتی بین شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و شرکت مپنا در ساختمان ستادی وزارت نیرو، با بیان این مطلب گفت: در زمان حاضر، ظرفیتی در مپنا ایجاد شده که نه فقط برای شرکت‌های داخلی توربین و قطعات و تجهیزات نیروگاهی تولید می‌کند، بلکه بسیاری از شرکت‌های خارجی نیز قطعات و تجهیزات مورد نیاز خود را به این شرکت سفارش می‌دهند تا از آنها در خارج از کشور استفاده‌شود.

وزیر نیرو با بیان این مطلب که در ۱۰ سال آینده تا پایان برنامه هفتم توسعه، حداقل نیاز به ۴۷ تا ۵۰ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی داریم، افزود: بخشی از نیروگاه‌های قدیمی با عمر بالا و راندمان کم، باید بازنشسته شوند و نیروگاه‌های جدید بایستی با بیش از ۵۰ هزار مگاوات احداث شوند تا بجز جایگزینی برای نیروگاه‌های فرسوده، نیاز ۵۰ هزار مگاواتی کشور را نیز پاسخگوباشند.

وی با اشاره به این که پیش بینی شده تا پایان برنامه ششم توسعه ۲۶ هزار و ۵۰۰ مگاوات نیروگاه جدید وارد مدار شود، گفت: در برنامه اقتصاد مقاومتی، ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید و هفت‌هزار مگاوات بخش بخار نیروگاه‌های گازی پیش‌بینی شده که دو هزار مگاوات آن امسال باید به بهره‌برداری برسد.

سیاره جدیدی در منظومه شمسی کشف شد

سیاره جدیدی به کمک مدل‌سازی‌های علمی کشف شده است.

دو اخترشناس در دانشگاه کالیفرنیای آمریکا خبر دادند که شواهدی را مبنی بر وجود نهمین سیاره در منظومه شمسی یافته‌اند و اکنون باید این سیاره را به طور واقعی پیدا کرد. این سیاره که در حال حاضر، با عنوان «سیاره ۹» معرفی شده، بسیار دور از خورشید و در مسیری طولانی به دور آن می‌گردد. دانشمندان می‌گویند: فاصله‌ای که «سیاره ۹» از خورشید دارد، حدود ۲۰ برابر فاصله نپتون از خورشید است و ۱۰ تا ۲۰ هزار سال زمینی طول می‌کشد تا یک‌بار به دور خورشید بچرخد. یادآوری می کند که نپتون تا کنون دورترین سیاره منظومه شمسی از خورشید شناخته می‌شد.

به گزارش خبرگزاری آلمان، کنستانتین باتیگن و مایک براَون، دو دانشمند دانشگاه کالیفرنیا، در یک کنفرانس خبری که از سوی موسسه تکنولوژی کالیفرنیا برگزار شد، اطمینان دادند که سیاره نهم واقعاً وجود دارد.

سیاره‌ای که گفته می‌شود تازه کشف شده، ۱۰ برابر سیاره زمین و پنج هزار برابر پلوتو جرم دارد. این میزان از بزرگی، می‌تواند پایان‌بخش هر نوع شک یا مناقشه‌ای بر سر این باشد که آیا واقعاً یک سیاره است یا خیر. این سیاره می‌تواند به بزرگی نپتون باشد.

به گفته مایک براَون، این سیاره تکه‌ای قابل توجه از منظومه شمی ما است که باید پیدا شود. آسوشیتدپرس نیز به نقل از براَون می‌نویسد: این دو دانشمند می‌توانستند سکوت کنند و پنج سال آینده را صرف پیداکردن «سیاره ۹» و مشاهده واقعی آن نمایند، اما ترجیح داده‌اند که خبر وجودش را اعلام کنند تا اگر کسی می‌تواند، زودتر این سیاره را در فضا پیدا کند.

شایان ذکر است که شرایط سیاره‌بودن، به گفته اتحادیه بین‌المللی اخترشناسان به شرح زیر است:

۱) یک سیاره باید حتماً به دور یک ستاره در گردش باشد

۲) یک سیاره باید به قدری جرم داشته باشد که بتواند تعادل هیدرواستاتیکی خود را حفظ کند، یعنی یک سیاره باید کروی باشد.

۳) سیاره نباید در کمربند سیارک‌ها قرار داشته باشد.

تأمین نیاز طرح های آبرسانی کشور

دبیر سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی کشور اعلام کرد: اکنون که فولادسازان و تولیدکنندگان ورق از ذخیره و انبار تولیدات در این واحدها خبر داده‌اند، اعضای این تشکل که ۸۰ درصد ظرفیت تولیدی‌شان خالی است، آماده‌اند تا نیاز برنامه احداث هزاران کیلومتر خطوط لوله آبرسانی کشور را تامین کنند.

بنا به گزارش ایرنا از پایگاه خبری سندیکای مزبور، امیر کاوه در ادامه خاطر نشان کرد: امروز با وجود صدها کارخانه تولید لوله در کشور، بیش از ۱۵ کارخانه تولیدکننده لوله فولادی قطور به منظور خطوط انتقال نفت، گاز و آب در کشور با پیشرفته‌ترین امکانات و تجهیزات روز دنیا با کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت فعالیت دارند و می‌توانند سالانه هزاران کیلومتر خطوط لوله انتقال را تولید و حتی در سراسر کشور نصب و اجرا کنند. به گفته وی، پرداخت وجه مربوط به اجرای پروژه یادشده نیز هم به صورت نقدی و هم به صورت قراردادهای ساخت، تملک و بهره‌برداری و قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال، توسط وزارت نیرو و آبفا تضمین شده است.

به گزارش ایرنا، طرح انتقال آب از خلیج فارس به معادن چادر ملو (یزد) و گل گهر و مس سرچشمه (کرمان) پیشرفت خوبی دارد و عملیاتی‌شدن پیشنهاد این سندیکا می‌تواند مانع از توقف این پروژه شود.

یادآور می‌شود که ایران، پانزدهمین تولیدکننده فولاد جهان محسوب می‌شود و قرار است در افق ۱۴۰۴ ظرفیت این بخش به ۵۵ میلیون تن برسد.

تجهیز آسفالت خیابان‌ها به شارژر خورشیدی

وزیر محیط زیست فرانسه چندی پیش در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که این کشور قصد دارد تا بیش از هزار کیلومتر از خیابان‌های خود را طی پنج سال آینده به شارژرهای انرژی خورشیدی مجهز کند. آنگونه که تخمین زده شده است، فرانسه بعد از پایان این طرح، قادر خواهد بود انرژی مورد نیاز برای حمل و نقل پنج میلیون شهروند فرانسوی، یعنی جمعیتی معادل با هشت درصد جمعیت این کشور را تامین نماید.

شایان ذکر است که کاشی‌های جذب کننده انرژی خورشیدی که در این طرح به کار می‌روند، مقاومت بالایی دارند و می‌توانند حمل و نقل ماشین‌های سبک و سنگین را تحمل نمایند. علاوه بر این، برای نصب این کاشی‌ها، کار خاصی لازم نیست، چون این شارژرها قابلیت نصب بر روی آسفالت‌های فعلی را دارند و از اصطکاک لازم برای جلوگیری از تصادفات جاده‌ای بهره می‌گیرند.

به گفته وزیر محیط زیست فرانسه، این طرح اقدامی انقلابی خواهد بود و دریچه‌ای را به سوی دنیای آینده خواهد گشود. شما در این باره چه می‌اندیشید؟ به نظر شما، جایگزین‌شدن انرژی‌های پاک به جای انرژی‌های فسیلی از طریق کاربرد اینگونه روش‌ها، چقدر بر روی زندگی روزمره ما تاثیر خواهد داشت؟

منبع:
https://telegram.me/Tavaana_TavaanaTech

تکمیل طرح‌های نیمه تمام، در گرو ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار است

دولت برای طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام کلنگ‌زده شده دولت پیشین، به اعتباری بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد.

به گزارش خبرنگار شانا، کاظم جلالی در نشست علنی مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود با بیان این که بی‌تردید باید در شرایط کنونی درک درستی از وضع منطقه و جهان و تحلیل صحیح از اوضاع داخلی کشور داشته باشیم، گفت: ایران امروز در عرصه جهانی، به‌ویژه در منطقه، به عنوان یک قدرت اثرگذار مطرح است.

رییس مرکز پژوهش‌های مجلس ادامه داد: بودجه عمومی افزایش یافته، لیکن هزینه ها در بخش جاری، ناشی از فربه‌شدن دولت متمرکز است. وی گفت: بخش عمده‌ای از افزایش هزینه‌ها، در اثر تورم مستهلک می‌شوند. نقدینگی به رشد فزاینده بالای ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و دولت برای طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام کلنگ‌زده‌شده دولت پیشین، به اعتباری بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد.

طرح انتقال آب دریا به ۱۷ استان

وزیر نیرو گفت: طرحی را در دست داریم که در قالب آن، آب قابل شرب از حاشیه خلیج فارس و دریای عمان به ۱۷ استان فلات مرکزی که حدود ۴۵ میلیون جمعیت کشور را در خود جای داده است، منتقل شود.

حمید چیت چیان افزود: حدود ۵۰ تأسیسات آب‌شیرین کن در طول سواحل دریای عمان و خلیج فارس احداث شده تا شهرها و روستاهای این منطقه از آب شیرین برخوردار شوند و ما باید همه راه‌های استحصال آب را تجربه کنیم. وزیر نیرو سپس با اشاره به اینکه هنوز در ابتدای راه استفاده از آب شیرین کن‌ها هستیم، افزود: در برنامه‌ریزی‌هایی که برای سال‌های آینده انجام دادیم، علاوه بر استفاده از آب شیرین کن‌ها در ساحل که باید آب مورد نیاز مردم را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان تامین کنند، باید این آب شیرین را به فلات مرکزی نیز منتقل کنیم.

چیت چیان سپس با اشاره به اینکه نخستین طرح را بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کرده که در حال اجرا است، تصریح کرد: بر اساس این طرح، آب در بندرعباس شیرین‌سازی و به کرمان منتقل می‌شود. وی افزود: به صنایع استان یزد مجوز دیگری داده شده که ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب به استان یزد منتقل شود و دولت به این طرح ۴۰۰ میلیون دلار از محل صندوق توسعه ملی تسهیلات داده که در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد.

وزیر نیرو در ادامه تأکید کرد: امسال این طرح‌ها اجرا می‌شوند و منابع مالی آنها از چند بانک و منابع دولتی اختصاص خواهد یافت. علاوه بر این، مجوزهایی نیز برای استان‌های اصفهان و فارس صادر شده است.

شکاف نابرابری ثروت، عمیق‌تر می‌شود

بر اساس تازه‌ترین گزارش منتشرشده درباره اختلاف طبقاتی در جهان، ثروت یک درصد مردم جهان، معادل ثروت نود و نه درصد بقیه مردم جهان است!

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی موسسه مالی «کردیت سوییس»، افرادی که ثروت و دارایی معادل ۶۸ هزار دلار داشته باشند، در بین ده درصد ثروتمند جهان قرار دارند و برای این که فردی یکی از افراد حاضر در فهرست یک درصد ثروتمندان جهان باشد، به دارایی معادل ۷۶۰ هزار دلار، یعنی حدود دو و نیم میلیارد تومان نیاز دارد.

این گزارش که به وسیله یورونیوز فارسی بازنشر شده، نشان می‌دهد که در پانزده سال گذشته، به طور تقریباً مستمر، ثروتمندان ثروتمندتر شده اند و فقیران فقیرتر. در سال میلادی گذشته، ثروت پنجاه درصد جمعیت جهان که کمترین درآمد را داشتند، معادل دارایی ۶۲ نفر بود، ۶۲ نفری که در صدر فهرست ثروتمندان جهان قرار گرفته بودند.

شایان ذکر است که ثروت ۶۲ ثروتمند اول جهان در پنج سال گذشته ۴۴ درصد افزایش داشته است.

گزارش اخیر آکسفام از وجود مناطق موسوم به «بهشت مالیاتی» نیز انتقاد می‌کند. بنا به این گزارش، حدود سی درصد ثروت آفریقا با انگیزه فرار از پرداخت مالیات، در خارج از این قاره نگهداری می‌شود. این مساله باعث از دست‌رفتن حدود ۱۴ میلیارد دلار درآمد مالیاتی برای کشورهای این قاره شده است.

ضوابط همکاری تحریری با مجله توسعه

کمیسیون انتشارات سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران، ضمن تشکر از همکارانی که برای انتشار بهتر مجله توسعه به صورت های مختلف مساعدت می فرمایند، از آنان درخواست دارد تا برای افزایش مطلوبیت و کیفیت مطالب تهیه شده برای این مجله، ضوابط زیر را مورد توجه قرار دهند:

۱) مطالب تهیه شده تا حد امکان در محدوده وظایف و مسوولیت های قانونی سندیکا بوده و به وظایف صنفی و اجرایی اعضای سندیکا مربوط باشند

۲) مطالب تکراری نباشند، مگر در مواردی که حاوی نکات بدیع و تازه ای هستند.

۳) حجم مناسب برای چاپ هر مطلب در هر شماره، پنج صفحه آ۴ است. چنانچه حجم مطلبی بیش از این مقدار بود، باید توسط نویسنده محترم یا خلاصه شود، یا به چند بخش تقسیم شود.

۴) در ابتدای مطالب، خلاصه و چکیده ای از آنها درج شود.

۵) در پایان مطالب، فهرست مآخذ ذکر شود.

۶) ویراستاری مطالب دریافتی در دو سطح انجام می شود:

* سطح اول، اصلاحات عبارتی و بکاربردن علایم نوشتاری است. این نوع ویرایش که هدفش بهتر و روانترشدن متن مطالب ارسالی، بدون تغییر در محتواست، توسط مسوولان امر در مجله انجام خواهد شد.

* سطح دوم، ویرایش محتوایی است. این سطح از ویرایش مربوط به مطالبی است که بنا به نظر دبیر سرویس مربوطه، یا غیر صحیح‌اند، یا ناقص، یا مبهم. چون در این حالات،ویرایش محتوایی ضرورت می یابد، لذا مراتب به اطلاع تهیه کننده محترم خواهد رسید تا رأساً نسبت به رفع نقص و اعمال اصلاحات لازم اقدام نماید.

۷) ضمناً شایسته است که فایل های الکترونیکی متن، نمودارها و تصاویر مورد نظر هم ضمیمه‌شوند.

کمیسیون انتشارات